نظر کرده است صحیح و کافی باشد .

نایب‌رئیس - مذاکرات کافی شده است حالا بنای رأی گرفتن است و عده هم کافی نیست پس مجلس را ختم می کنیم دستور جلسه آتیه مطابق است با امروز بقیه دیوان محاسبات - یک ماده قانون محاسبات عمومی - راپورت کمیسیون نظام راجع بایلات - راپورت کمیسیون عدلیه در باب قبول و نکول بروات تجارتی - مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید .

جلسه ۲۱۲

صورت مذاکرات مشروح روز شنبه ۱۸ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل شد

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمودند .

غائبین جلسه قبل : آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا بی‌اجازه - شاهزاده سلیمان میرزا با اجازه - سپهدار اعظم - سردار اسعد - آقا شیخ حسین یزدی در موقع حاضر نشدند .

رئیس - آقای صدر العلماء در باب صورتمجلس فرمایشی دارید ؟

صدر العلماء - اوایحی که از طرف مجلس قرار بود برای عتبات فرستاده شود چند جلسه جزء دستور بود میخواستم عرض کنم .

رئیس - این راجع بصورت مجلس نیست - این را باید کتباً بخواهید یا در موقعی که دستور گفته می‌شود اظهار بفرمائید - بعلاوه جزء دستور هم گذاشته شده است .

(رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

رئیس - بقیه شور دیوان محاسبات .

ماده (۱۴۰) مجدداً قرائت شد .

حاجی سید ابراهیم - در این ماده آنروز خیلی مذاکرات شد ولی چند نکته آنجا ماند و بنده هم اجازه خواسته بودم که عقیدهٔ خود را عرض بکنم حالا عرض می‌کنم و آن این بود که بعضی میگویند که رئیس دیوان محاسبات را باید مثل وزیر یکی از وزارتخانه‌ها حساب کرد و از این جهة این مبلغ را برای او باید تصویب کرد و همچنین سایر رؤسای دیگر - و بنده این را مخالف بودم و جهة عمده‌اش این بود که یا ترتیب انتخابی یا استخدامی است اگر ترتیب استخدامی است باید ملاحظه کرد که فلان شخص مساوی با فلان رئیس محکمه است حقوقش هم باید مساوی باشد و اینهم درصورتی است که ترفیع رتبه داشته باشد اضافه مواجب داشته باشد وچون رئیس دیوان محاسبات و همچنین اعضای آن اینطور نیست قیاس کردن با اعضای گمرك و سایر اعضاء قیاس مع‌الفارق است و یا اینکه ترتیب انتخابی است اگر انتخابی است مثل سایر نمایندگان که انتخاب می‌شوند اینها را دیگر نباید ملاحظه کرد که مساوی با رئیس فلان اداره یا محکمه است باید ملاحظه کرد این شخص که انتخاب می‌شود بدون ملاحظهٔ اینکه چند سال خدمت کرده باشد آنوقت انتخاب بکنند لازم نیست که چند مدتی خدمت کرده باشد آنوقت اورا انتخاب بکنند تا آنکه وقتی که انتخاب کردند ترفیع رتبه باو بدهند در ترتیب انتخابی نباید ملاحظهٔ کار و ملاحظه گذران و ملاحظه آن شغل را کرد درهر صورت گمان میکنم رئیسی که در دیوان محاسبات خواهد بود ازاین نمایندگانی که دراینجا هستند بهیچوجه نه کارش زیادتر خواهد بود و نه مقامش بالاتر است برای اینکه بعضی از نمایندگان هستند که از صبح تا شب کار میکنند و برای آنها صد تومان تصویب کردیم و باز بعضی‌ها مخالف بودند که زیاد است رئیس دیوان محاسبات هم همین‌طور انتخابی خواهد بود وحقوقش هم نباید زیادتر ازحقوق نمایندگان باشد مقام اورا البته باید ملاحظه کرد بحسب مقام وخدمتش ولی چون انتخابی است باید حالش را بقیاس حال نمایندگان ملاحظه کرد نباید ملاحظه کرد که رئیس دیوان محاسبات دارای ده نفر بیست نفر نوکر خواهد بود وبا این مقدار چطور می‌تواند اینکاررا بکند چنانچه درحال نمایندگانی که انتخابی هستند باید ملاحظه کرد دراین صورت بنده عرض میکنم که این حقوقی که برای آنها معین شده خیلی زیاد است بعلاوه این پیشنهادیکه کمیسیون میکند باید کمیسیون قوانین مالیه هم که یك اطلاعی از ترتیبات مالیه دارد اوهم یك پیشنهادی کرده باشد که یك میزانی بدست ما آمده باشد یا اینکه اقلا در کمیسیون بودجه رفته باشد ودر آن نظری کرده باشیم وملاحظه وضع مالیه را باید کرد تا یك بودجه مرتبی دست ما باشد که ازروی آن بودجهٔ مرتب بتوانیم سالی چهل پنجاه هزار تومان مخارج اجزای دیوان محاسبات را تصویب کنیم هیچ یك از اینها نیست وپیشنهاد وزیر هم دراینجا نیست که ما ببینیم چقدر برای اینها تصویب کرده است و بعلاوه در بودجهٔ هم که از وزارت مالیه آمده است نصف آن را برای آنها معین کرده است واشخاصی هم که حالیه درآنجا هستند گمان نمیکنم بعد ازاین بهتر ازاینها انتخاب بشوند تا بحال اینها بهمین حقوق راضی بودند مثلا رئیس دیوان محاسبات صدوچهل تومان داشته است که حالا معاون وزارت مالیه است چندمدت هم صحیحاً مشغول خدمت شده است واز عهده بر آمده است برای اینکار هم امثال او را انتخاب خواهیم کرد لهذا بنده عرض میکنم یا باید پیشنهاد از وزیر بیاید که اسباب بصیرت ما باشد یا اینکه بکمیسیون بودجه بیاید که بدانیم برای یك اداره دیوان محاسبات رویهمرفته سالی پنجاه هزار تومان تصویب می‌توانیم بکنیم یا نمی‌توانیم بنده این ماهی دویست تومان را برای رئیس دیوان محاسبات وهمچنین برای سایر اعضاء زیاد میدانم و حالا تا یك میزانی بدست بیاید باید همان باشد که در بودجه نوشته شده است که تقریباً نصف این چیزی است که اینجا نوشته شده است

فهیم الملك - بنده می‌بینم تمام آن چیزهائی که در روز قبل یکساعت که مذاکره کردند دارد تجدید میشود و بنده عرض میکنم که عرض شد که این از طرف وزیر پیشنهاد نشده و بکمیسیون بودجه نرفته است این مطلب مذاکره شد و راپورت سابق اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که این حقوق باحضور معاون وزارت مالیه فهرست نوشته شد و بکمیسیون این را پیش خود ننوشته است و اما اینکه میفرمائید که همان اشخاص سابق برای اینکار خوبند و بهتر ازآنها گمان نمیکنم که بتوان انتخاب کرد و او اینکه با این وظایف معینی که میخواهند تشکیل بدهند بنده گمان میکنم که خیلی تفاوت دارد با اینکه تا بحال بوده است بنده صلاح نمی‌دانم جهة آن را حالا عرض کنم بعضی ملاحظات در آن هست خوب است خودتان قدری تأمل بفرمائید که بدانید چقدر فرق دارد وبعلاوه اینجا زیادتی خرج نخواسته‌اند یعنی نمیگویند که یك پولی بدهید بدون ملاحظه مصرف خرجش مذاکراتی که جلسه قبل شد حالا اگر باید تکرار شود بنده زیادی میدانم خوب است دیگر آن مذاکرات تکرار نشود و رأی بگیریم که تکلیف معلوم شود

حاج شیخ اسدالله - اگرچه بنده عرضی دیگری نداشتم لکن باز متعلق بهمان عرایض است خوب است اینماده بکمیسیون بودجه برود و میفرمایند مذاکرات در این باب خیلی شده است خوب است پیشنهادهائی که در اینباب شده است خوانده شود و بنده همین طوریکه آقای حاجی ابراهیم عقیده دارند این مبلغ رازیاد می‌دانم پیشنهادهائیکه در جلسه گذشته در این خصوص شد متعدد بود حالا اگر خوانده شود تکلیف معلوم می‌شود که یا تصویب میشود یا رد می‌شود .

حاج شیخ الرئیس - بنده در جلسه گذشته عقیده خودم را عرض کردم ولی حالا چون اعاده شد مذاکرات ناچارم باز اشاره بکنم بآنچه عرض کرده بودم بنده نظرم بیك نقطه است که اگر نمایندگان دیگر هم با من هم‌نظر باشند باید تصدیق کنند اگر این دیوان محاسبات واین اداره ای را که توقع تشکیل آن را داریم آن دیوان محاسباتی باشد که همه ملل ودول درسایه تاسیس یك همچو دیوان محاسباتی منافع وفوائد مملکتیشان میتوانم بگویم باندازه است که اگر مواجب ها ومقرریها که برای آنها مقرر شده است بنده عرض نمیکنم که زیاد است وباکمال جدیت عرض میکنم که مواجب را خیلی کم منظور کرده‌اند زیرا آن منافعی که ما از آن دیوان محاسبات درنظر داریم و آن زحماتیکه ما از این دیوان محاسبات توقع داریم بنده تصویب میکنم و تصدیق میکنم همین ماده را که با حضور وزارت مالیه نوشته‌اند و کمیسیون هم آن نظراتش را با کمال دقت کرده است و مقایسه کردن بنمایندگان وسایر ادارات را قیاس مع‌الفارق میدانم استدعا میکنم که رأی بگیرید .

رئیس - بطوریکه بعضی ازنمایندگان اظهار میکنند مذاکره بقدر کفایت شده ویا ره‌ای پیشنهادها هم ازطرف نمایندگان محترم در جلسه سابق شده بود وعده کافی نبود که رأی بگیریم ببینم آیا قابل توجه می شود یا نه این است که حالا خوانده میشود و یکی یکی ازآنها رأی گرفته میشود که ببینیم آیا قابل توجه مجلس میشود یا نه .

[ازطرف آقایان لواءالدوله ونیرالسلطان و آقا میرزا ابراهیم قمی پیشنهاد متحدالمالی قرائت شدکه برای رئیس دیوان محاسبات درماهی یکصدو بیست تومان تصویب نمایند]

لواءالدوله - تصور نشودکه برای ادارات ووزارتخانه‌ها آنمقداری‌راکه پیشنهاد کرده‌اند ابقاء خواهیم داشت این میزانی راکه بنده معین کرده‌ام میزان تعدیل است صد وبیست تومان را بنده کم نمیدانم‌وآنها هم‌که در وزارتخانه‌ها حقوق گزاف میبرند بعدکه بمجلس آمد کم خواهند شد مالیه ما اقتضا نمی‌کندکه اینقدر حقوق بآنها بدهیم .

فهیم‌الملک - بنده‌درقسمت نمایندگی خود عرض میکنم‌که رئیس دیوان محاسباتی‌که با صد و بیست تومان بایدباین وظایف واین تکالیف رادر عهده بگیرد بنده باز اظهار اعتماد نمیتوانم‌بکنم

وکیل‌التجار - پیشنهادها همانیکه میشود در پیشنهادها که‌نمی ود تجزیه‌کرد خود پیشنهاد را رای بگیرید بعد اگرباید تجزیه‌شود تجزیه‌میشود این پیشنهادهارا بایدخواند ودر قابل توجه بودن یانبود نشرای بگیریدفورا تکلف معلوم می‌شود .

فهیم‌الملک - اینطوریکه فرمودند نیست زیراکه ما ماده‌را تجزیه‌کرده ایم وجزء بجزءرای میگیریم‌حالادرخصوص‌رئیس‌است کمیسیون‌پیشنهادی کرده است‌وازنمایندگان محترم هم پیشنهاد هائی میشود در آنخصوص مطلب‌را ختم‌میکنیم آنوقت رویم‌برسرسایرین‌والا یکمرتبه‌رای بگیریم‌نمیشود یکی‌حقوق‌رئیس‌رازیادمیدانندویکی کم‌میدانندوهمچنین یکی‌حقوق‌دبیری‌رازیاد میدانند وحقوق دیگری راکم‌اینطورنمی‌توانیم رای بگیریم ازروی‌راپورت کمیسیون‌جزءجزءرای میگیریم .

رئیس - آنروز اینجا مذاکره شد که این یك ماده مخصوص است حال در خصوص رئیس کمیسیون دویست تومان‌پیشنهاد کرده است وآقای لواءالدوله صدوبیست تومان حالا به پیشنهاد آقای لواء الدوله رأی میگیریم ببینیم قابل توجه است یاخیر (مجدداً پیشنهاد آقای لواء الدوله قرائت شد) .

رئیس - کسانیکه این‌پیشنهاد راقابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد)

(از طرف آقایان نیرالسلطان - آقا میرزا ابراهیم قمی - دکتر اسمعیل خان - کاشف‌دکتر حاجی رضاخان - پیشنهاد شد که برئیس یکصد و پنجاه تومان داده شود) .

رئیس - این چندنفر که پیشنهاد کرده‌اند صدوپنجاه تومان برای رئیس بیکی که رای داده شده‌معلوم است تمامش تصویب‌شده‌است بجهةاینکه همه‌اش‌یکی است پس به‌پیشنهاد آقای نیرالسلطان رای میگیریم .

کاشف - بطوریکه گفته‌شد این تصویب خرج نیست این‌ماده قانونی است و لازم نیست که تجزیه شود .

فهیم‌الملک - دلیلی‌که اول آقای کاشف درپیشنهادشان بیان کردند برای این‌است‌که باورقه لازم نیست رای گرفته شود بقیام وقعود هم‌میشود رای گرفت ولی تجزیه اش باین جهة خارج نمی کند .

رئیس - رای میگیریم براین پیشنهاد آقای نیرالسلطان که برای رئیس صدوپنجاه‌تومان پیشنهاد کرده‌اند کسانیکه قابل توجه‌میدانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) .

رئیس - حالارای می گیریم‌بآن پیشنهادی که‌ازطرف کمیسیون شده‌است باقیام وقعود کسانیکه باپیشنهاد کمیسیون‌که دویست‌تومان تصویب کرده موافقند قیم‌نمایند [تصویب نشد] .

آقای فهیم الملك تقاضا کرده‌اند که‌این‌ماده برگردد بکمیسیون .

رئیس - این برمیگردد بکمیسیون که‌تجدید نظری دراین باب بشود .

آقامیرزا ابراهیم خان - آقای لواء - الدوله برای رؤسای محاکم صد تومان پیشنهاد کرده اند .

بهجت - این یا خرج است یا نیست اگر خرج نیست چرا جزءجزءرای می گیرید اگرخرج است چرا با ورقه رای نمیگیرید من جهة تجزیه کردن یکماده را وباقیام و قعود رای گرفتن را نمی‌دانم واین‌را یك‌چیز تودر همی می‌بینم ملاحظه کنید ببینید درست عرض میکنم یانه و اگر این خرج است پس باید باورقه رای بگیریم ما تجزیه کرده‌ایم یك ماده را ویك تکه‌اش را اینجا داخل کردن و یك‌تکه‌اش راآنجا جهتش‌را نمی‌دانم .

معزز الملك - دراینکه این‌خرج نیست جای‌شك نیست این‌لایحه کمیسیون بودجه نیست‌این فقط یك‌مقیاس است که‌ازبرای‌حقوق آنها معین‌میشود تاوقتی‌که جزء بودجه بیاید ممکن نیست پول‌شود وبعد آن حقوق درلایحهٔ بودجه همه‌ساله باید بیاید بمجلس ولی درباب اینکه تجزیه شده است بجهة این استکه دارای چندجزء است ممکن نیست که که یك‌مرتبه بتمام رای گرفته‌شود این استکه‌بجزء جزء رای گرفته می‌شود .

آقامیرزاابراهیمخان - آقایان‌لواءالدوله و نیرالسلطان‌وآقامیرزاابراهیم‌قمی پیشنهاد کرده‌اند برای رؤسای محاکم صد تومان معین شود .

رئیس - رأی می گیریم برپیشنهاد آقای نیرالسلطان که‌برای‌رؤسای‌محاکم صدتومان پیشنهاد کرده‌اند کسانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می‌دانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) .

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای حاج‌دکتر رضا خان که برای رؤسای محاکم صدو بیست وپنج‌تومان پیشنهاد کرده‌اند کسانیکه موافقند قیام نمایند [قابل‌توجه نشد] .

رئیس - حالا رأی می گیریم باصل ماده که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده استکه صدو پنجاه تومان‌برای رؤسای محاکم تصویب کرده‌اند .

ارباب کیخسرو - بنده عرض میکنم که تمام اینها باید بتناسب یکدیگر باشد بعداز اینکه رئیس کل معلوم نشدکه برایش چقدرقرار مودهند میزان حقوق اینها معلوم نخواهد شدپس خوباست تمام اینها باشد تاحقوق او معلوم شود .

رئیس - باصل ماده کمیسیون رأی می گیریم که صدوپنجاه تومان تصویب کرده‌اند کسانیکه با پیشنهاد کمیسیون موافقند قیام نمایند (تصویب‌شد)

رئیس - پس‌اگر مخالفی نیست همه اینها رجوع‌بکمیسیون‌میشودکه‌تجدیدنظری‌بشودوبعدبیاید به مجلس .

(آقای فهیم‌الملك نیز تقاضا کردند که تمام این‌مواد رجوع شود بکمیسیون) .

رئیس — این موادی که ازقانون محاسبات رجوع شده‌است‌بکمیسیون‌رفته اصلاح شده‌وبرگشته است حالا خوانده میشود .

صورت مواد قانون دیوان محاسبات که در ضمن شور دویم برای اصلاح بکمیسیون ارجاع‌شد

ماده۲۲- شرایط انتخاب شدن برای عضویت دیوان محاسبات بقرار ذیل است .

(۱) تبعیت ایران ۲-سن چهل برای ریاست کل‌وسن‌سی‌اقلا برای‌سایراعضاء (اصلاح کمیسیون) درآخر ماده۲۲ اضافه شود (۳) شرایط عمومی که برای کلیه مستخدمین دولت معین می‌شود .

فهیم‌الملك - اینجا لازمست توضیح داده شود چون بعضی پیشنهادها شده‌بود ازطرف‌مجلس در این ماده راجع باینکه مرتکبین قتل و سرقت و جنایت اینها نباید انتخاب شوند و بدلایلی ذکرشدکه اینگونه شرایط دریك هیئتی که‌انتخاب آنها از طرف مجلس شورای ملی باید عمل شود در واقع می توان گفت یك‌وهنی است برای‌مجلس باید ملتفت شد که (۱۲۰) نفرانتخاب شدگان‌یك ملتی این دقت را باید بفرمایند که اینگونه‌اشخاص را انتخاب نکنند ویك پیشنهاد هائی دراین باب شده بود ویك ماده اول نوشته بود که همین‌ماده ۲۲ بود که شرایط انتخاب شوندگان از اینقرار است . اول تبعیت ایران . ثانیاً سن‌که سن سی برای‌کلیه اعضاء این رأی داده شد آن پیشنهادها هم چون قابل توجه بود درکمیسیون لازم شد در آن باب یك اصلاحی بشود این = که کمیسیون در آن باب اینطور رای می دهدکه (۳) شرایط عمومی است‌که برای کلیه مستخدمین ادارات‌دولتی معین می شود — امااین شرایطی راکه قید کرده اند برای اشخاصیکه درادارات دولتی‌مستخدم‌شوند درکمیسیون قوانین‌مالیه‌مطرح است عنقریب‌راپورت داده خواهد شد بمجلس در آنجا چند شرط‌کرده اند همین طور که عرض شد که‌کلیه اشخاصی‌که باید داخل خدمت بشوند شرایطی از حیث تحصیل و بعضی شرایط اخلاقی از همین قبیل که‌مذاکره شد عدم مسبوقیت بجنحه و جنایت و قتل و سرقت بعلاوه آن شرایطی‌که مخصوصاً برای هر اداره لازم است دارا باشند آنهاهم ذکر خواهد شد که این ها شرایط عمومی است در اینجا هم ذکرشد که‌اجزاء دیوان محاسبات هم بایدآن شرایط‌عمومی را که سایرین دارا هستند دارا باشند = که همان

شرایطی است که بطور خلاصه عرض شد و این شرط سیم را که ما اینجا اضافه کردیم که نقطهٔ‌نظر آقایان این بود که اینجا حکماً قید شود عدم محکومیت بقتل وسرقت و جنایت غرض این بود که آنها بعمل آمده است و باید ملحق شود بآن‌ماده (۲۲) که در سابق بآن رأی داده شده‌بود .

حاج‌شیخ‌الرئیس — بنده مناقشه‌معنوی نداشتم لکن خواستم خدمتی بعالم الفاظ کرده‌باشم که اقلا را لااقل بنویسند .

دکتر علیخان — گویا مخالفی درین نباشد وبنده هم تأیید میکنم ودر قانون استخدام البته این ملاحظات خواهد شدوعرض میکنم که‌همین ماده آخریکه گذشت آنهم راجع بقانون استخدام میشود باشد .

(اظهار شد که بدو جزء اولش رأی گرفته نشده است .

فهیم‌الملك — فقط باینجزء سیم باید رای گرفته شود باول ماده رأی‌گرفته شده است [گفته شد خیر رأی گرفته نشده است)

فهیم‌الملك — این متعلق بماده (۲۳) بود چون در آنجا بی محل بود و مناسبتی با آن نداشت منضم باین ماده شد .

رئیس — اینجادر صورت مجلس‌می گوید که بکمیسیون اعاده شد بعلاوه یك مسئله هم هست که وقتیکه یك‌ماده که جزئیات داشته‌باشد و رای‌بآنها گرفته‌میشودبعد بکلیاتش هم‌رای گرفته میشود یك‌ماده‌هم‌درنظامنامه داخلی هست‌حالاچطور می شود باصل این ماده رای گرفته شده است و حالا باین‌یك‌جزء رای‌بگیریم این‌را توضیح‌بفرمائید

فهیم‌الملك — بماده (۲۲) با آن دو شرط که ذکر شد رای داده شد و این پیشنهاد که شد مجددا ازطرف آقایان درضمن ماده(۲۳) بود و بسنده همان روز مخصوصاً اینمطلب را بآقایان عرض کردم که درماده [۲۲] شرایط انتخاب شدن است‌بشرط وآن این است که این اشخاص انتخاب نشوند مگر آنکه از شغل اول استعفا بدهند ولی بعد اختیار دارد که ازشغل‌اول استعفا بدهند یا از عضویت دیوان محاسبات و این را که اینجا ضمیمه کرده اند دراول گفتم‌که راجع است بعدم مسبوقیت بقتل وسرقت‌وجنایت اینماده ابداً مربوط بآن‌نیست عرض کردم این‌ماده راممکن‌است رای بدهیم وبعد بطور ماده الحاقیه ملحق بشود ولی حالا ملاحظه بفرمائید این‌هیچ مربوط به‌آن ماده نیست که آنجا نوشته است حالا باید این را رای بگیریم که یك جزءسیمی بشود از ماده (۲۲) حالا اگر تصویب شدمیشود یك‌رای درکلیه ماده(۲۲) گرفت که یك رأی راجع باشد باین یك‌جزء ورای‌دیگراخیرراجع بکلیه ماده .

حاجی‌آقا - ماده (۲۲) راجع بسن رؤسای دیوان محاسبات بوده بنده هم همان طور که فرمودند تصور میکنم که‌گذشت یعنی‌قابل توجه شد وارجاع بکمیسیون شد و البته آن پیشنهاد یکماده نبوده که ارجاع بشود بکمیسیون‌یك‌پیشنهادی‌شدکه‌سن‌رؤسای ادارات اعم ازرئیس کل‌و سایرین سی سال باشد و آن قابل توجه شدو رفت بکمیسیون و سایر پیشنهاد های راجع باصلاح هم بر گشت بکمیسیون حالا فرض میکنیم در کمیسیون‌تقطیع کردند آنرا ازماده (۲۳) وآنرا علیحده قرارداده اندکه رئیس کل‌سن چهل سایر رؤسای محاکم سی سال این را باید رأی بگیرید که‌این‌را این شکلی که از کمیسیون‌پیشنهاد شده است تصویب کنیم یا اینکه بآن‌طوریکه‌پیشنهاد قابل توجه شد .

رئیس- رأی میگیریم باین‌شکل چون آنماده که‌رأی گرفته شده مرکب‌بود از دوجزء حالایك‌جزء اضافه شده‌است باین‌جزء هم رأی میگیریم بتمام ماده علیحده رأی‌میگیریم مطابق نظامنامه داخلی‌پس‌حالا رأی می گیریم‌باین‌جزء(مجدداً‌جزءسیم خوانده شد.)

رئیس-رأی‌میگیریم باین‌جزء کسانیکه‌موافقت دارند قیام نمایند (باکثریت تصویب شد .)

رئیس- اینده‌فعه رأی گرفته میشود بتمام ماده (۲۲) (مجدداً تمام ماده ۲۲ با اصلاح اقلا به لااقل قرائت شد.)

حاجی‌آقا- بنده عرض کردم بازمکرر عرض میکنم که‌اینماده ماده‌ای‌نیست که‌از کمیسیون بمجلس آمده این بود که سن‌رئیس کل چهل و سن سایرین سی‌سال باشد ولی‌درمجلس‌یك ماده پیشنهاده کرده‌اند که‌سن‌تمام رؤساء چه‌رئیس کل وچه‌سایررؤساواجزاء همه سی‌سال‌باشدو آن‌قابل‌توجه‌شدوبرگشت‌بکمیسیون ولی کمیسیون عقیده‌اش درباره رئیس کل تغییرنکرده است حالا خوب است اول‌به‌پیشنهاد کمیسیون رأی بگیریم‌وبعد در آن پیشنهاد .

فهیم‌الملك- بنده تصورمیکنم که‌اینموادرا چنانچه آلان‌هم درصورت مجلس گفتند رأی داده شده است وصورت مجلس راگرفتم و نشان دادم که رأی داده شده است در اینصورت استدعا میکنم که تکرار نفرمائید .

رئیس- رأی‌میگیریم بتمام‌ماده(۲۲) کسانیکه موافقند قیام نمایند .

(باکثریت تصویب‌شد .)

ماده ۲۳- که ارجاع‌بکمیسیون شده‌بوداینطور رایورت داده است که عین راپورت اولی کمیسیون ابقاء شده .

عین‌راپورت اولی — اشخاص ذیل ازعضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتیکه پس از قبول عضویت دیوان مزبور ازشغل خود استعفا دهند (۱) کسانیکه دارای شغل دولتی بوده و یا متصدی یکی ازمعاملات دولتی باشند. ۲ — نمایندگان مجلس شورای‌ملی وسناواعضای انجمن های ایالتی وولایتی وبلدی .

آقامیرزا احمد — نسبت باعضای سنا و مجلس شورای ملی مخصوصاً مجلس شورای ملسی بیمحل است ونوشتنش در اینجا زیادی است .

حاج‌آقا — درقانون اساسی نوشته‌شده‌است که‌موظفاً نمیتوانند داخل شوند و ما دیدیم که خیلی از اعضای مجلس شورای‌ملی این‌ماده رادست‌آویز کردند ودر خیلی از ادارات دولتی مشغول کارشدند و باید جلوگیری بشود که از اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا در ادارات هیچ نبایدباشند ازاین جهت مخصوصاً باید اینجا قید شود که بهیچوجه نمی‌توانند داخل درادارات‌دولتی‌بشوند وصاحب شغلی باشند .

رئیس - رأی میگیریم برایماده (۲۳) کسانی که ایماده را بطوری‌که رایورت داده شده است تصویب میکنند قیام نمایند (باکثریت تصویب‌شد)

ایضاکمیسیون راپورت داده است‌که (بعدازماده ۳۰ این‌ماده اضافه شود) باین عبارت — درجات مؤاخذه را مجلس عمومی دیوان محاسبات درنظامنامه داخلی دیوان معین خواهدکرد این درجات از دفعه ثانی ببعد مستلزم کسر مقداری ازمقرری خواهد بود — بنده نمیدانم اینجا چرا باید جزء قانون نوشته شود این‌جزء نظامنامه داخلی‌است وقانون عمومی مستخدمین هرشکلی که مصلحت‌میداند خواهد نوشت وجزء قانون دیوان محاسبات بودنش‌را بنده صحیح نمیدانم .

فهیم‌الملك — فرمایشی‌که آقای‌افتخار - الواعظین فرمودند تصور میکنم که خودشان‌هم‌بودند درجزء آقایانیکه دروقت خواندن ماده (۳۱)و(۳۰) بعضی مذاکرات‌شدکه چرا اینجا قید نکرده‌اند که ترتیب مؤاخذه را مطابق ترتیبی که در نظام‌نامه معین خواهند کرد خواهدبود وبرای همین‌هم‌برگشت بکمیسیون حالا بعکس او میفرمایندکه چرا نوشته شده است‌پس میپرسم که دومرتبه‌بخلاف آن‌بکمیسیون رجوع‌شود .

بهجت — اینماده بنظر بنده باید دوجزء بشود یکی درجات مؤاخذه است ویکی‌هم ازآنجائی که‌شروع میشود بمجازاتیکه برای آنها معین میشود عقیده بنده این است که این دوماده است ودو جزء متصل است .

ارباب کیخسرو — اظهاراتیکه آقای افتخارالواعظین فرمودند اگر رجوع بماده (۳۰) و (۳۱) میفرمودند رفع اشکالشان میشدکه در آن‌ها مؤاخذه را معین‌کرده است نهایت درآن روز ایراد شدکه‌برای مؤاخذه باید یکدرجه قرار بدهند که‌تعیین

بشود این‌بود که بکمیسیون رجوع‌شود وبکمیسیون درجاتش را معین کرده است •

حاجی‌سیدابراهیم — اینجا یابایدنوشت کهدرجات مؤاخذه راجع بنظامنامه داخله‌است‌یااینکه باید معین کرد این‌هم ارجاع کرده است وهم خودش معین کرده است یا بایـد معین کرد که مستلزم کسر حقوق است یابایدنوشت که مطابق آنچه درنظامنامهٔ داخله معین‌خواهند کرد •

حاجی وکیل‌الرعایا — بنده تصورمیکنم که خیلی کار خوبی کرده‌اند که اقل و اکثررا معین کـرده اند برای آنکه نمی شود اینقدر اعتبار داد به آنها که حد اقل و اکثرش را بشناسند •

سلیمان‌میرزا — گمان میکنم که این مـاده ماده جدیدی استکه آمده بطوریکـه نوشته اند و مطابق قانون باید که شور در آن بشود پس این شور اولش را نباید رأی بگیریم مثل سایر مواد و باید بگوئیم مذاکره کافی است و ثانیاً بیاید مجلس آنوقت رأی بگیریم تفاوتی ندارد یا ماده الحاقیه یا ماده علیحده این باید دو شور در آن بشود •

فهیم‌الملك - عرض میشود این یك‌چیزی نیست کـه مستقیماً الحاق شده باشد این از قبیل اصلاحاتی‌است که پیشنهاد میشود بکمیسیون ومجددا می آورند ورای میگیرنداینهم ازهمان قبیل اصلاحاتی استکه رجوع شده است بکمیسیون وحالا بر گشته است آیا هیچ گفته شده‌است که دراصلاحاتیکه میشود باید دو شور شود •

سلیمان‌میرزا — بنده از مخبر کمیسیون استدعا میکنم که تصور نفرمایند هر کس که مخبر کمیسیون شد باید حکماً جد بکـند که هرچـه از کمیسیون آمد همان را ملزم باشند که بقبولانند و میخواستم سئوال بکنم که این واقع میشود مـابین (۳۰) و (۳۱) وبعدازآنکه چاپ میشود لابد یك نمره روی آن میگذارند اگر درذیل باشد صحیح است و اگر نمره (۳۱) و (۳۲) و (۳۳) بشود صحیح نیست وآن قانون باید مجری بشود و باید دو شور بشود شور اول مذاکره درآن کافی بشود و شور دوم رأی گرفته شود و این نظامنامه داخلی است و گویا هیچ جـای اشکال نیست بنـده یك اظهاری کـردم ولو اینکه در اقلیت واقع باشم•

رئیس - اگر ماده جدیدی باشد همینطور است دو شور لازم دارد •

فهیم‌الملك — جواب قسمت‌اول شاهزاده را بنده عرض نمی کـنم ولی در قسمت ثانی عرض میکنم‌که این شور دوم است برای اینکه در ضمن شور اول راجع باین مطلب پیشنهادها شد و اینکه میفرمایند این شور اول او است عرض میکنم اگر اصلاحاتی که شده است میفرمائید در او دو شور شوداین مطلبی‌است‌ولی اصلاحات همیشه برمیگردد بکمیسیون چه درضمن شور اول وچه درضمن شور دوم بعد ازآن مجلس رای میگیرد •

آقا میرزا اسدالله‌خان — بنـده برای اینکه این ماده بگذرد و قانون دیوان محاسبات برای این یك ماده تعطیل نشود تقاضای فوریت‌این ماده را میکنم•

رئیس — رای میگیریم باین ماده الحاقیه کسانی که تصویب میکنند قیام نمایند [باکثریت تصویب‌شد)•

راپورت ثانی کمیسیون — ماده[۳۱] راپورت کمیسیون عیناً تصویب شده

ماده [۳۱] — ممیزینیکـه درانجـام امور کوتاهی مینمایند رئیس کل حق مؤاخذه‌را ازآنها خواهد داشت و در صورت تکرار باحضور اولیـای محاکم بازخواست خواهد شد•

کاشف - دراین ماده سابقا هم‌گفته شدیعنی بنده اینجا اظهارکردم که لفظ بازخواست هیچ‌معنی ندارد بازخواست می کند یعنی‌چه این‌را خوبـاست توضیح بکنند که چه خواهد بود •

بهجت - فرق مابین بازخواست ومؤاخذه را معلوم بفرمائید درصورتی که تکرار کند بازخواست خواهد شد یعنی چه مؤاخذه همان بازخواست است

فهیم‌الملک - هردو یکی است اولی را رئیس‌خودش تنها مؤاخذه می کند دومی‌را باحضور رؤساء •

رئیس -- رای میگیریم بر این ماده [۳۱] کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند [با کثریت تصویب شد •]

راپورت کمیسیون - این‌ماده بعداز ماده(۳۷) اضافه شود : مطابق ماده (۲۹) ازپیشنهاد وزیر پس از وضـع قانونی برای تضمین صـاحبان جمع دیوان محاسبات مراقب خواهد بودکه‌صاحبان جمع مطابق شرایط مقرره تضمین شوند •

فهیم‌الملك - این‌را هم‌عرض کنم که‌نفرمائید این پیشنهادجدیدی است دراین‌شوربعضی‌پیشنهادها شده بود راجع بضمانت صاحب‌جمع‌ها که‌ضامن‌بدهند وجهی وجه‌الضمان بگذارند کمیسیون بملاحظه‌اینکه دید عجالتاً اینکار ممکن نیست بموقع اجرا گذارده شود وقانون مفصل تری لازم دارد وهمچو صلاح دانسته بود که این ماده حذف شود در شـور اول گذشت ودر شور دویـم بحذفـش رأی ندادنـد و وبعضی‌پیشنهادها شد که‌یك‌ماده‌ای‌نوشته شودکه بعداز وضع قانون بعملیات موافق آن درحق اعضاءرفتار شود این‌بودکه آن پیشنهاد شد وقابل‌توجه‌شدواین راپورت را کمیسیون داده است •

کاشف — لفظ تضمین شوند غلط است باید تضمینات بدهند نوشته‌شود

فهیم الملك — تضمین شونـد یعنـی ضامن بدهند •

رئیس — رای می گیریم براین ماده موافق راپورت کمیسیون که بعداز ماده (۳۷) اضافه‌شود کسانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (باکثریت تصویب شد)

راپورت کمیسیون - ماده (۶۲)هر گاه‌مدتیکه ازطرف دیوان محاسبات‌معین شده ومنقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننمـاید دیوان محاسبات‌می‌تواندبجرم این تأخیر اورامحکوم بیك جـزای نقدی نماید که از نصف مواجب و مدد معاش سالیانه او متجاوز نباشد ونیز می‌تواند نسبت باهمیت موقع انفصال موقتی یاعزل دائمی اورا از وزارت متبوعه اش بخواهد و هر گاه صاحب جمع مذکور مواجب ومدد معاش دولتی نداشته باشددر اول خدمت‌ملتزم میشود که درصورت تخلف‌ازمقررات مواد (۶۰) و(۶۱) مبلغی که متجاوز از پانصدتومان نباشد بپردازد و تعیین این مبلغ را بنظر دیوان محاسبات واگذار می‌نماید این تنبیهات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگرچنانچه صاحبجمع بازهم از ارائه حساب امتناع نمـاید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع باهتمام مدعی العموم مرتب ودردیوان محاسبات تسلیم می‌شود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کنند هر نوع مخارجیکه از اینبابت حاصل شود بعهده صاحب جمع است •

حاجی‌شیخ‌علی - یك جمله دراینجا بود کهبنده درشور اول عرض کردم وباز هم بحال خود باقی‌است وبنده‌نفهمیدم‌که این جمله موضوعش‌چیست که نوشته شده هر گاه صاحب جمع مذکور مواجب ومدد معاش دولتی نداشته باشد بنده هر چه فکر کردم‌که یك صاحبجمعی پیدا شود که جمع‌دولت باو بشود که‌مواجب ومددمعاش‌نداشته باشدهـچو کسی کجا خواهد بود نفهمیدم ممکن است کهدرادارهای باشدو وازبابت این‌جمعی کهباومی دهنداز آن‌بابت مددمعاش نداشته باشد مثل اینـکه تمبری بدهنـد بیك کار گذاری‌واز این‌حیث که‌تمبر باواست آن‌کار گذاری در اداره وزارت خانه مثلا مدد معـاش و گذران نداشته بـاشد ولی هیـچ دیده نشده است کـه کـسی جمع دولتی باو باشد و صاحب جمع شده باشد بهیـچ وجـه مدد معاش نداشته بـاشد بـاز خـوب اسـت کـه ایـن جا مدد معاش دولتـی می نویسند در صورتی کـه مـدد معاش دولتی نداشته باشد ازهرراهی که باو میرسد از همان راه کسر می‌شود و نباید در قانون نوشت که‌یك‌صاحب جمعی‌بیاید مستخدم بشود وبهیچوجه مواجب نداشته باشد پس چنین‌آدمی که مستخدم باشد و مدد معاش نداشته‌باشد مواجب هم نداشته باشد چطور مشغول خدمات دولتی خواهدبود•

فهیم‌الملك — بنده درخاطر ندارم کـه حضرتعالی در این ماده ایرادی کرده باشید عود بکمیسیون راجع بآن ترتیب التزام شرعی بود قبل از رجوع بکمیسیون ذکر شده بودکه اگرمواجب ومدد معـاش نداشته باشد نظر باین بودکه‌اگر در یك جائی مأمور دولتی باشد ویك ماموریتی هم از طرف وزارت‌مالیه بآنها رجوع‌شود بمناسبت اینکه خودشان درخدمت دولت‌هستند و اینکارشانهم‌ضمیمه کار اول‌است باین‌جهت حقوقی بآنها داده نمی شود که جریمه بگیرند ولی بآنطوری‌که آقای حاج امام جمعه فرمودند آنمطلب تا یك‌اندازه شرعی نبودو می بایستی قبل ازوقت بآن‌مبلغی کـه در صورت تخلف محکوم می‌شودملتزم شده‌باشند این بود که

که کمیسیون در موقع تجدید نظر اولا اورا تعمیم داد که وقتیکه حساب‌را ندادند و موقع‌معین‌مطابق ماده۶۰ و۶۱ منقضی‌شد باید حقوق دولتی او کسر شود یا اینکه درصورت نداشتن حقوق دولتی بر-حسب التزام مبلغی که متجاوز از پانصد تومـان نباشد بپردازدعاجم ازاینکه ازحیث این خدمت‌باشد یا خدمت دیگر حـالا می‌فرمائید که چطور می‌شود که یك شخصی بیاید صاحب جمع یا مستخدم دولت بشود و حقوق دولتی نداشته باشددر یك‌محلی‌فرض بفرمائید در شیراز و سبزوار یك صاحب جمعی یك پولی می‌خواهد بدهد بدولت و یك صاحب‌جمعی‌هم ندارندآنوقت‌بیك تاجری یك‌حواله میخواهندبدهند هیچ لازم نیست‌که یك نفر مأمور مالیه‌آنجابگذارند اداره مالیه قرارمی گذارد بـا یك‌نفر تاجر که آن پول را آنجا بگیرد و اینجا بحواله دولت بپردازد چون حوالجاتشان در آن‌محل یك‌طوری است که داد وستد زیاد ندارند و در یك‌محلی کـه اهمیت فوق‌العاده نداشته باشد یك شخص تاجری درآنجا یا یك‌نفر از اهل‌محل متعهد می‌شود که‌حقوق‌دولتی را باو بپردازد و وجوهی که از این بابت‌باو عـاید دارددولت درمرکزدریافت داردومسلم است‌اینطور اشخاص می‌خواهند حتی‌الامکان داخل معاملات‌دولت باشند و مدد معاش ندارند بلـکه حساب جاری با درلت پیدا می کنند وممکن‌است یك‌وقت خزانه از آنها طلبکار باشد وممـکن‌است که آنها از خزانه طلبکار باشند دراین‌صورت باید یك‌التزامی قبل از وقت بدهند که اگـر حسابشانرا ندادند یك وجهی بموجب این التزام بدولت بدهند این فقط‌نسبت‌باین قسمت‌از اشخاص نوشته شده‌است ومی‌دانید که عدهٔ این قبیل‌اشخاص کم خواهد بود دست‌وزارت‌مالیه و دیوان محاسبات باز است) که اشخاصیکه در خدمت هستند اعم ازاینکه‌مامورمالیه باشند یا نباشندووقتی که تخلف کرد بالطبع ازحقوق آنها کسر خواهدشد واگر درتمام ایران صدنفر یا ۵۰ نفر پیدا شد که حقوق دولتی نداشته باشد بآن شکل ملتزم خواهد شد و بآنشکلی که التزام می‌دهند قبل‌ازوقت‌ازعهده برمی‌آیند•

آقامحمدبروجردی — فقط دراین‌عبارت کـه دیوان محاسبات بجرم این تأخیر اورا به یك جزای‌نقدی محکوم نمایدمقصود رئیس‌است‌آنهم به اتفاق یا باکثریت•

فهیم‌الملک - ترتیب آن مسئله اولیه در مواد راجعه بحسابهایشان که طلبکارباشند یابدهکار باشند درجای‌خودش ذکرشده•

آقاسیدحسن‌مدرس — یك‌مصداق از یك کلی دراینجا ذکر فرمودند بواسطه استعلام‌مطلب عرض میکنم‌که جزای نقدی درست نیست دروغ است کمیسیون‌ها و غیر کمیسیونها ملتفت باشند که جزای‌نقدی دروغ‌است واو عامل مفت‌ملتزم‌هم بشود چیزی بگردنش نیست آن کسیکه عامل مفت رامی گیرد خوش باید تضمین بکند آن کسی که بعوض خدمت میکند ممکن است ملتزمش کرد یا عزلش کـرد لکن آن کسیکی می آیدکه مجاناً کاری‌را برای شما صورت بدهد وبعد صورت نداد حالاکه نداد هزار تومان بایدبدهد این دروغ است وبیجا است‌یعنی‌موافق‌قوانین‌مذهبی‌بهیچ قسم‌نمیشودمحکوم کرد او را لهذا اگر قرار بگذارند که اگر خیانت کردیك خدمت‌گذاری ابداً مواجب باوندهند یا ابداً معزولش کـنند یعنی آن مواجبی‌که قرار داده‌اند لکن آنکه مجاناً آمده قبول یك خدمتی راکرده و ملتزم شده‌اگر خیانتکرد جریمه‌بدهد این درست نیست ولو ملتزم بشود بصیغهٔ التزام و کلیهٔ این مطلب باید در اذهان باشد که جزای نقدی بهیچوجه من‌الوجوه قابل صحت نیست مگر اینکه از آن مواجب‌که قرار میدهند کسر بکنند که اگر ده سال خدمت‌کرد و آن آخر ده سـال یك‌خیانت کردآن آخرده‌سال‌حقوق ده‌ساله‌اش راقرار بدهند این میشوده

حاج‌سیدابراهیم —اولا یك‌جوابی‌ازآقای حاجی شیخ علی می‌خواهم بدهم و یك مثلی‌میزنم بیك مطلبی‌که ما الان مبتلای‌به‌آن هستیم کمپانی خالصه الان صاحب‌جمع است‌و این یکی ازصاحب جمع های دولتی‌استکـه هیچ مدد معاش‌ومواجب ندارد و بهمین جهت عرض میکنم که این قید را که مبلغی متجاوز از پانصد تومان نباشد بپردازد باید برداشت‌بجهت اینکه کمپانی خالصجات‌صورت جمع نمیدهد و ده هزار تومن مـال دولت را هم خورده است این اهمیتی ندارد پس این قید را کـه از پانصد تومان متجاوز نباشد باید انداخت و باید که بسته بنظر دیوان محاسبات باشد و اما اینکه آقا فرمودند عقیده بنده چون در این بود که اینها ترتیبات اداری و امور عرفی است وبباید ملاحظه کرد که شرع در اینجاچه معین کرده است و گفت که حد شرعیش در اینجا چه چیز است از این‌جهت اظهارعقیده در اینجا نمی کنم و اگر بنا شود که شرعی باشد البته نظر ایشان صحیح است و باید این‌ملاحظه راکرد ولی این‌قید پانصدتومان زیاد است و باید این را راجع کردبترتیب اداری و عرفی بجهت‌اینکه‌این‌مثل‌سایر ترتیبات‌دیگرشان است و راجع بنظامنامه‌داخلی مثل اینکه یك‌ساعت بغروب مانده زنك بزنند تا مرخص شونـد اینهم امورات عرفی و اداری است جزای نقدی‌هم گمان میکنم که امور اداری است که خود رئیس آنهـا قرار میدهد یا خود دیوان محاسبات این حدود را برای عمل اداری قرار میدهد چون صاحبان جمع هم البته از مستخدمین مـالیه‌هستند سایرمستخدمین وزارت مالیه البته برای تخلف اینها از آن‌دستور‌العمل معامله یا نظامنامه یك حدودی لازم است که وزارت مالیه بدستشان میدهد که اسمش مجاز است معامله است این یك قسمت از نظامنامه داخلی است که یك حدودی برای‌آنها قرار بدهد که‌ازآنحدود تخلف‌نکنندوجلو گیری ازتفریط مال‌دولت‌بشودواین دخلی بحدود شرعی‌ندارده

حاجی‌شیخ‌اسدالله — در این مطلب کاملا بنده تصدیق فرمایش آقا را دارم و بیانات آقای حاجی سید ابراهیم را رد می‌کنم در این موضوع داخل مذاکره نمیشوم بجهت اینکه کاملا بیان فرمودندکه دیگر محتاج ببیان ثانوی‌نیست لکن اشکال دیـگری بنظر م آمد و آن این است که دراینجا می نویسدکه اگر چنانچه صاحب جمع حساب خودرا درمرتبه‌اول وثانی ندهد مدعی‌العموم حساب او را مرتب کرده بدیوان محاسبات بدهددر صورتیکه صاحب جمع بهیچوجه صورت حساب نداد بنده میخواستم بدانم از روی چه میزانی و ازروی چه ترتیب مدعی‌العموم حساب اورا مرتب میکندو بحساب رسیدگی میکند •

فهیم‌الملک - آقای‌حاج‌سید ابراهیم‌تشبیه کردند صاحب جمع را به مستاجر خالصجات‌باآنکه مستاجر بهکلی مباینت دارد بامباشرمـالیه آنهـایك قراردادی دارندویك‌اجاره دارندکه آن هیچ‌مربوط بعمل صاحب‌جمع‌نیست چون در عمل مباشرین مالیه معمول‌استکه یك مباشری را میفرستند بیك نقطه لکن یك مواجبی برای او قرار نمیگذارند این یك مواجب معینی‌ندارد‌ممکن‌است صدتومان‌وصول کند پنجاه‌تومان بگیردممکن‌است‌هزارتومان‌وصول کند بازهم پنجاه تومان بگیرد یك میزان معینی نیست که ازروی آن بتوانند قرار بدهند که از چه میزانی حواله گرفت‌یك قراری نمیگذارند ولی‌معین نیست ممکن است صدی پنج بگیرد برای خودش ممکن است چیزی نگیرد و امـا راجع بفرمایش آقای حاج شیخ اسدالله چون فرمودند مدعی‌العموم حساب‌صـاحب‌جمع‌را مرتب‌میکندوبدیوان‌محاسبات‌می دهد یا آنکه صاحب جمع صورت بدیوان محاسبات نداده در محاسبات مالیه صورت حساب را کلیتاً داردزیراکه‌هیچ خرجی‌بدون تصویب دیوان‌محاسبات نخواهدشدصورت‌درمحاسبات‌وزارت‌مالیه هست‌ازروی دفتر مالیه یعنی از روی دفتر کلی‌که کلیه مخارج مصوبه درآنجـاخواهد بود اگر صاحب جمع‌صورت نداده‌چون ازنظر دیوان محاسبات باید حواله های او بگذرد تا برسد بوزارت مالیه پس صورت حسابهای آنها دروزارت مالیه خواهد بود هروقت دردادن‌حساب‌تعویق افتادمدعی‌العموم میرودبوزارت مالیه‌صورت حساب‌آنرا میخواهد و اگراین ترتیب ضرری دارد برای مباشر تقصیر خود او است که کوتاهی کرده‌است در دادن حساب خوش •

وکیل‌التجار - بنده گمان میکنم که نبایدما اینقدر مذاکره کنیم در یك عبارتی‌که ازروی‌سهوو نسیان نوشته است اصل صاحب جمع عبارت ازیك شخصی‌است‌که یك مقداری مالیات دولت را وصول وجمع میکند و در مقابل یك حقوقی هم میگیرد اینهم مسلم‌است‌که بدون مواجب نیست‌اگرمیگویند جمع دیگری‌میشودآن صراف است دخلی به‌مباشر دولتی ندارد اگر یك صرافی هست‌که مالیات دولت جمع او بشود ومباشرت درمعاملات دولتی نکند او آن صاحب جمعی‌که مقصود دیوان محاسبات است نیست یامستاجر باز آن چیزیـکه‌مقصود ما ازلفظ صاحب جمع آن کسی‌است‌که یك مقداری مالیات‌نزد او جمع‌میشود حالاآن یك عبارتی است آنجانوشته شده است لازم نیست اینقدر دقت کنند •

(وزراء آمدند)

افتخارالواعظین — بنده عرض میکنم برای رفع‌اشتباه آقای و کیل‌التجارکه آن‌صرافهائی هم‌که پول دولت پیش آنهاجمع می شودکه پیشکار

مالیه مثلا در مرکز ایالت بولهایی میسپارد که میاشرین ولایات پول بفرستند بمرکز ایالت پیش فلان صرافیکه درمرکز ایالت است و حوالجاتیکه داده میشود اوهم یکی ازصحاب جمعهاست بجهت اینکه مثلا با پیشکار مالیه خراسان در مشهد قرار می گذارد بایکی ازصرافهای بزرگ که مأمورین مالیه اطراف خراسان پولها را پیش او بفرستند وحواله هم به او داده میشود پس او صاحب جمع است و لکن مواجب وحقوقی هم از این کار باوداده نمیشود بلکه فایده که از اینکار برای اوهست همان فایده صرافی است و بنده میخواستم اینجاعرض کنم که فرمایش آقارا تصدیق دارد که کسی بخواهد مجاناً خدمتی را برای دولت انجام دهد نمیتوان باوگفت که پس از تلف شما باید محکوم بیک جزای نقدی هم بشوید حتی فرمودند در صورت التزام و تعهد هم نباید چیزی بدهند بنده عرض میکنم اماصاحب جمعهائی که از طرف دولت مواجب و حقوق دارند اگر درموقع ارائه حساب از دادن حساب خودشان یک تخلفی میکنند فرمودند ازحقوقی که بآنها داده شود به آنها نخواهند داد یا آنکه حقوقی که به آنها داده شده است پس خواهند گرفت ولی برای کسانی که فقط بهمان قناعت می کنند که صاحب جمع دولت میشوند و یک مواجب مخصوص باذاء این عمل از دولت نمیگیرند عرض میکنم صحیح است وتصدیق میکنم که نمیشود از آنها جزای نقدی گرفت ولی بهرشکلی از اشکال که هست برای آنها باید جزائی قرار بدهیم والا آنها اگر بدانند که صاحب جمع دولت واقع میشوند وقریب چهار صد هزار تومان پول دولت پیش او می آید وباوبدهند درصورتیکه حساب از اونمیخواهند ممکن است که اهمال واین ماه وآن ماه بکند وبدفع الوقت به گذراند وصورت حساب ندهند وچون مواجب نداشته محکوم بچیزی هم نخواهد شد واگر بدانند بعضی ازصاحبان جمع این مسئله را بنده عرض میکنم که خیلی احتمال می دهم که ممکن است که مالیه دولت که جمع اینها شده است نفهمش از میان میرود وعرض می کنم بهرشکلی از از اشکال که مطابق باشرع مطهر هم باشد باید برای آنها یک مجازاتی قرار داد برای مصون بودن مالیه دولت وبرای آنکه بیت المال ومال دولت ازمیان نرود .

حاج امام جمعه — آقای افتخار الواعظین همچو مطلب را تخمین کرد که آدم همچو تصور میکند که اگر این مطلب نوشته شده بود مالیات دولت بکلی زمین خواهدخورد وابداً اینطورنیست اشخاصی که متصدی امور دولتی میشوند دو جوراست هیچ کس در آنجا کارمفت نمی کند یا بایدمواجب بگیرد و درمقابل آن مواجب کار بکند یا باید مثل آقایان سابق یک اسمی از دولت رویش بگذارند و برود مردم را بچاپد قسم سیمی هم ممکن است آن روز هم آقای مخبر گفت خیلی کم یک نفر پیدا می شود که بیاید محض شرافت خدمت دولت را بمعهده بگیرد و یک کاری را مستقلا و متصدی شود این را باید ملتفت شد که این آقا ما بین صاحب جمع و صراف فرق نگذاشت صراف با صاحب جمع خیلی تفاوت دارد صاحب جمع کسی است که مستقلا اینکار است می توان چیزی از او گرفت واینکاررا باو داد مثلا نمایندگی ملت یک کار نیست که باانیکه زحمت دارد ممکن است که درمقابل نقلا این امر خطیر یک چیزی هم محض افتخار بدهند وچیزی هم نگیرند پس اعمال همه اش صرف همان محض احسان نیست وممکن است یک چنین عملی باشد که یک ماباز ئی درنظر عقلا داشته باشد آن وقت همانطور که اجرت دارد مامی توانیم تنقیص کنیم از اجرتش ودر مقامیکه اجرت نداشته باشد مامیتوانیم خصوص دراین ایام ودراین ملاک خیلو اتفاق می افتدکه شاید مستخدم دولت می شوند لکن نه از این جهت ازجهت دیگر مستخدم دولت هستند واز این جهت مواجب ندارند آنوقت دولت اگر یک جزائی برای آنها قرار داد من حالا حکماً نمیگویم باید چرا واینطور قرارداد ولی مدافعه میکنم ازاینجهت که راجع بخودم هست چون بنده خودم در کمیسیون بودم ملتفت جهت شرعیه آنهم بودم ممکن است این کسیکه متقبل می شود این خدمت را ملتزم شود شرعاً ویک التزامی ازاو بگیرند باین طریق که من این عمل را اقدام میکنم واگراین عمل را بفلان طریق انجام نسدادم فلانقدر دادنی باشم و هیچ منافات هم باهیچکدام ازملاکهای شرعی ماندارد بواسطه این که این املاک هم در مقابلش یک ملاک بزرگی است بواسطه این که عمل یک عمل بزرگی است ودرنظر عرف عقلا اهمیت دارد وقابل این است که یک چیزی در مقابلش بشمارند واین باهر کس باشد فرق نمیکند مخصوص عمل دولتی هم لازم نیست باشد یک تاجری عمل خودش را بدیگری واگذار میکند ومیگوید اگر بفلان شرطو فلان شرط عمل نکردی من فلان قدر ازتو میگیرم واگر فلان شرط راعمل کردی باعث یک افتخار وشرفی باشد که در مقابل آن در نظر عرف عقلا یک ماباز ائی قرار میدهند ویک اهمیتی میدهند بجهت اینکه خودش قابل یک همان افتخاری که حاصل میشود درضمن آن باو میگویند اگ به فلان ماده وفلان ماده عمل نکردی فلان مبلغ رادادنی باشی واز جهت مبلغش هم هیچ مطلبی نیست از جهت اینکه واگذار میشود بنظر یک شخص معین و بجهات شرعیه اش هیچ ثلمه نمیرساند ولازم نیست مجازات پولی باشد مجازات خدمتی باشد آن بسته بنظر مجلس باشد ولی همین قدر خواستم جلب کنم نظر آقایان راکه ازاین جهت مخالفتی با جهات شرعیه ازاین راه ندارد .

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده اینجا تأئید میکنم فرمایش این دو عضو محترم را که فرمودند جزای نقدی درشرع مقدس ماعنوان ندارد و البته برما هم فرض است که یک همچو موضوعی را موضوع مذکره قرار ندهیم و یک همچو مطلبی را بانواع واقسام مختلف نخواسته باشیم ولی از جهت دیگر ملاحظه میشود که کارما لیه دولت یعنی ثروت مملکت یک کار کوچکی نیست وهمچو بی اهمیت هم نیست که بهر کسی بتوانیم رجوع بکنیم ولابشرط بهر کسی تسلیم بکنیم بلکه باید به بینیم درسایر اقطار عالم از برای حفظ این مناسبت چه کرده اند این قانون دیوان محاسبات که قریب باختتام است وازاین مجلس مقدس خواهد گذشت وانشاءالله باهتمام اولیاء عظام صورت خارجی هم پیداخواهد کرد این مواد ونصولی

است که در ضمن بکاربردن آن مواد مامی خواهیم مالیه مملکت خودمانرا که تابحال دچار هزار گونه اشکالات بوده است نجات بدهیم وتمام این اهتماماتی را که میکنیم واین سختی هائی را که پیشنهاد می کنیم که فلان قدر جریمه بدهد و فلانقدر جزای نقدی بدهد هیچ کسی قصدی ندارد بجزحفظ ثروت عمومی خاطرم می آید وقتی که در شور اول این مواد این مطلب بمیان آمد وبعضی تخصیصات بدهد بصاحبان جمع در ذکر این بعضی از نمایندگان محترم گفتند که دادن این اختصاصات ممکن است بعضی اشخاصی که دارای علم واطلاع هستند محروم بمانند ازیک چنین خدمتی ولی ملاحظه نمی کنند که خدمت منحصر بصاحب جمعی مالیه نیست واشخاصی هم که حساب نقد وجنس باختیار آنها واگذار میشود آنها ازعلماء وفضلای قوم نیستند ونباید هم باشند یعنی همچو اختصاصی هم ندارد فقط هر کس یک حسابی بداند ممکن است مالیه را باو سپرد ما بایدبه بینیم درسایر جاهای دیگر چه کرده اند وبچه ترتیب رفتار کرده اند آنچه دیده شده درتمام عالم هیچ شرطی بجز گرفتن ضامن معتبر وتسلیم کردن یک وجه معین باسم وجه الضمانه هیچ تحمیلی بصاحب جمع نمیکنند وهیچوقت خودشانرا ازبرای آینده دچار محظورات نکرده اند که اگر این صاحب جمع پنج تومان را نداد با او چه معامله باید بکنیم پیش از وقت سد تمام ابواب فسادرا کرده اند ویک قراری گذارده اند که هر کس می خواهد داخل کار شود تکلیف خودش را بداند هم اشخاصیکه می خواهند صاحب جمع دولت بشوند بدانند که بچه ترتیب می توانند صاحب جمع بشوند وهم اینکه مالیه مملکت چطور صاحب جمعی باید اختیار بکند صاحب جمع نسبت باهمیت ابواب جمعی خودش یاباید شخصاً اعتبار داشته باشد یا بارد یک وجه معتدبه بصندوق مالیه بعنوان وجه الضمانه تسلیم نماید اینست که موافق این مذاکرات بنده یک پیشنهادی می کنم اگر پسندیده شد که یکی از این مواد خواهد بود .

آقا سید حسن مدرس - مطلب اگر چه آنقدرها قابلیت نداشت لکن کم کم قابلیت پیدا کرد شرف در بازار قیمت ندارد شرف کتک دارد یعنی اگر کسی شرف کسی را ببرد باید کتک زد یعنی قیمت ندارد که اگر کسی شرف کسی را برد یک تومان دو تومان ده هزار تومان بدهد دروغ است همین منشاء شده است که آقا هم فرمودند که پول میدهند که افتخاراً بیایند یک خدمتی را بکنند بجهت شرافت این قیمت شرف نیست که میدهد فرمودند تحصیل شرف می کنند جزایش اینستکه شرفش را بگیرند بعدازاین مستخدمش نکنند اصلی باو رجوع نکنند تافلانی این شرفی که تحصیل کرده است بیرون بیاید و اما مسئله راکه آقای حاج سیدابراهیم گفتند که مسئله ادارات دولتی و امورات عرفی است صحیح است ولی فرق است میانه موافقت با شرع وعدم مخالفت آن نکته قانون اساسی گفت مخالفت باشرع نداشته باشد نفرمودند موافق باشرع باشد یعنی در کتاب وسنت نیست که یک اداره برپامیشود باید مشتمل بر صندلی یا پرده یامیز باشد واول رنگ بزنند اینها دخلی بموازین شرعیه ندارد الا آنکه هراداره که بر پا می شود ولو کمیسیون اهل قمار اگر کمیسیونی بر پا بشود که درآن بحث بکنند که قمار بازها چه باید بکنند وچطور باید مجازات درمیان آنها باشد باید آنچه قرارداده می شود مخالف باشرع نباشد لهذا این قانون دیوان محاسبات که خوانده می شود اگر یک چیزش مخالف باشرع بود ما اینجا حرف می زدیم میگفتیم این یک فقره اش راهم چنین باید کرد هر جا به بینیم مخالفتی را هرچه باشد خواهیم گفت اداره دولتی باشد ملتی باشد هرچه باشد موافقت نمی خواهد باید همین قدر مخالفت نداشته باشد آقای وزیر همه را نشستند ترتیبی در کار هایشان در ادارات شان دادند البته کارهایشان خوب است بجهت آنکه مخالفت با شرع ندارد اگر مستخدمی ملتزم هم شد که مخالفت نکند قسم قرآن هم خورد که مخالفت نکند و در آخر سال خیانت کرد حقوق ده ساله اش را باو ندهند صحیح است خدمت باو رجوع نکنند صحیح است اما اگر یکی قرارداد افتخار آ شرفاً مشغول خدمت شد بعد حال من مال خودم را ازاو می گیرم وبعلاوه مال خودم دیگر حقی براو ندارم .

حاج سید ابراهیم — دراین مسئله که بنده عرض کردم و مثال زدم خود آقا فرمودند که این مجازات نقدی صحیح نیست برای آنکه حق العمل های عمده اش را درست بیان کردند لکن این جزای نقدی را که اینجا نوشته اند اگر یک موضوعی برایش پیدا کنند که یک چنین چیزی وجود خارجی دارد از کجا و کجا خواهند گرفت وبعدهم یک وجود خارجی پیدا بکنند این چنین چیزی هیچ موجود نیست هیچ کسی نیست که بی حقوق کار بکند و هر کس هم گفت من بلا عوض کار می کنم اول دروغ گو است .

رئیس - مذاکره دراین باب بقدر کفایت شد ازطرف آقای آقا میرزا ابراهیم خان یک پیشنهادی شده است خوانده میشود .

پیشنهاد مزبور قرائت شد مشعر براینکه این ماده رجوع شود بکمیسیون .

رئیس - مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - پس رجوع می کنم بکمیسیون که نظریات آقایان هم معلوم بشود و به مجلس بر گردد .

(ماده ۶۲ رجوع شد بکمیسیون)

راپورت کمیسیون ماده ۶۹ بحذف لفظ فقط تصویب شد .

رئیس - رای میگیریم کسانیکه با این ماده بطوریکه راپورت داده شد است بحذف لفظ فقط قیام نمایند (باکثریت تصویب شد)

ماده ۷۰ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود براینکه دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده ویا مرجعیت آنکار را نداشته ویا آنکه قانون را ازروی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر راحکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه این تقاضا بمجلس شورای دولتی پیشنهاد میشود و حکم مجلس شورای مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ می شود تا زمانیکه مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه تقاضای نقض بمجلس وزراء پیشنهاد می شود تا اگر آن را قابل توجه بدانند مراتب رابدیوان تمیز پیشنهاد کنند و و حکم دیوان مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ میشود

فهیم الملک - این جمله باید حذف شود تازمانیکه مجلس شورای دولتی تشکیل شده است لایحه تقاضای نقض بدیوان تمیز پیشنهاد میشود وعبارت لایحه تقاضای نقض بمجلس وزراء تقدیم می بشود تا اگر آن راقابل توجه بدانند مراتب رابدیوان تمیز تقدیم کنند .

حاج سید ابراهیم - دراین ماده مذاکره شد آنروز وبرگشت بکمیسیون بجهت اینکه آن حکم بدیوان تمیز ارجاع نداشت که در باب صاحب جمع ها ولونقص باشد بدیوان تمیز ارجاع کند حالا ما می بینم که اینجا نوشته است که مراتب را بدیوان تمیز ارجاع بکنند این راخوب است توضیح بکنید که مراد چیست .

فهیم الملک — اگر درخاطر حضرتعالی باشد خیلی مذاکرات در مجلس شد درباب آنکه دیوان محاسبات را باید مجلس شورای ملی نقض کند یاخیر اگرچه نقض احکام صادره ازمحاکم اداری راجع بمجلس شورای دولتی است و شورای دولتی یکی از محاکم عالی اداری محسوب می شود نه محاکم قضائی لهذا اداره شورای دولتی یک محکمه عالی که حق نقض وابرام سایر محاکم اداری را دارد مثل اینکه دیوان محاسبات نسبت بمحاکمی که درمقدمات برای رسیدگی محاسبه معین می شود حکم محکمه استیناف دارد وحالا چون شورای دولتی ترتیب پیدا نکرده است در راپورت اول مذاکرات شد که درمجلس نمی توان اصلاح بشود واکثریت مجلس موافق نبود این بود که کمیسیون هم هم عجالتاً این طور تصویب کرد که تا وقتی که شورای دولتی تشکیل نشده است نقض حکم را رجوع کنند بدیوان تمیز ولی وقتی که شورای دولتی تأسیس شد بآنجا رجوع می شود همین قدر لایحه تقاضای نقض بدیوان تمیز پیشنهاد خواهد شد .

(ماده مزبور مع الاصلاح مجدداً قرائت شد)

ماده ۷۰ تقاضای نقض حکم فقط در مواردی است که ادعا شود براینکه دیوان محاسبات از حدود اختیارات خود تجاوز کرده ویا مرجعیت آنکار را نداشته ویا اینکه قانون را ازروی صحت تفسیر نکرده است و یا از اصول محاکمات تخلف نموده و این تخلف بدرجه اهمیت داشته باشد که نتوان حکم صادر را حکم قانونی دیوان محاسبات محسوب داشت لایحه

این تقاضا به‌مجلس شورای دولتی تقدیم وحکم مجلس شورای مزبور بتوسط وزارت مالیه بدیوان محاسبات تبلیغ میشود تازمانیکه مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است لایحه تقاضای نقض بدیوان تمیز پیشنهاد می‌شود و حکم دیوان مزبور بتوسط وزارت مالیه به‌دیوان محاسبات تبلیغ می‌شود

فهیم‌الملك — محکمه تمیز رادیوان تمیز بویسند .

رئیس - رای می گیریم باین‌ماده کسانیکه موافقند قیام نمایند .

(راپورت کمیسیون ماده ۱۰۰ عیناً تصویب شده)

حاجی‌سیدابراهیم — در آن وقت این لفظ رئیس گویا رئیس کل بود زیراکه نوشته است رئیس ومستشاران صورت را نوشته بامضای رئیس میرسانند خودش که به‌امضای خودش نمیرساند اینجا نوشته است نتیجه راجلسه بهریك‌ازفقرات حساب‌را در حاشیه راپورت قید کرده پس ازآن حکم کلی در ذیل راپورت صادر وبامضای رئیس ومستشاران می رساند .

فهیم‌الملك - اینجامیرساند رامیرسدبکنید که‌اسباب اشتباه نشود .

رئیس — رای‌می گیریم‌بر ماده‌صدم کسانیکه تصویب‌میکنند باین‌ترتیب قیام نمایند (باکثریت تصویب‌شد) .

رئیس - آقای ادیب‌التجار روز سه‌شنبه یك سئوالی کردند ازوزراء محترم درامرنان وقرار شد که‌روز پنجشنبه تشریف بیاورند و جواب بدهند روز پنجشنبه هم‌ماند برای‌امروز وحالا گویاتشریف آورده‌اند که جواب بدهند پس خوب است آقای ادیب التجار سؤال خودشان را دو مرتبه بفرمایند تااینکه جواب‌بدهند .

ادیب‌التجار - سؤال بنده همان‌است که‌در آن روز یك تفصیلی خدمت آقایان وزراء عرض کردم که‌امرنان امروزه کمال‌اهمیت رادارد وفرد- فرد وزراء را مردم مسئول تعینات شخصی وزیر دیگری‌می‌دانند یعنی که‌همه‌شان اگرچه‌مشغول‌هستند درکار های شخصی راجع بخودشان لیکن همه‌شان ضمانت کارهای یکدیگر را دارند یعنی بنده همچو مهمیدانم لهذا سئوال میکنم از آقایان وزراء که اقدامات خودشانرا درباب امرنان بطوریکه اسباب آسودگی مردم واطمینان مجلس شورای ملی‌بشود دراینجا بیان بفرمایند تااینکه مجلس شورای ملی مسبوق ومطمئن بشود .

وزیر امور خارجه - درمسئله نان دراین سه‌چهار روزه بعلاوه اقداماتی که درسابق شده‌بود حضور بعضی از نمایندگان محترم‌بعضی‌نواقصی که بود در آنها اقدام شد و باید عرض بکنم که مجاهدات و مراقبات نمایندگان محترم که در این کار داخل شده‌اند خیلی مفید افتاد و روز پنج‌شنبه و چهارشنبه ویك مقداری هم روز سه‌شنبه و امروز هم ازصبح تاظهر مشغول این کار بودند وبالاخره چون جزئیات را نمایندگان محترم مسبوق هستند عرض نمیکنم ولی بطورکلی می‌تواند عرض بکنیم که از بابت نان اگرچه انقدرها که اسباب نگرانی ازبرای مردم تصور میکردند شاید انقدرها اسباب نگرانی نبود لکن لازم بودکه بیشتر اهتمام در این خصوص بشود که این نگرانی‌ها که تصور میکردند بکلی رفع شده یك‌تأمین و اطمینان کلی برای مردم حاصل بشود این استکه عرض میکنم در این‌باب اقدامات در این چند روزه که عرض کردم شده ویك ماه‌چهل روز ازعید گذشته آذوقه شهرحاضر وتهیه‌شده‌است واقداماتو احکامیکه لازم بودصادر بشود بعمل آمد درظرف این‌مدت‌هم‌تصور نشودکه حالاکه فراغتی حاصل شده است برای تا سرخرمن و بعد از خرمن آن جنسی که باید تهیه بشود گذاشته شود این‌طورنیست درهمین چندروزه و این مدت هم آن جنسی‌که بایدتهیه شود گذاشته شود این‌طور نیست درهمین چند روزه واین‌مدت هم آنجنسی‌که باید تهیه شود تاسر خرمن‌کمجلس موجوداست اگرچه بیشترهم قلمداد شده است‌لکن آن مقداریکه محل احتیاج است درخواستن وتهیه کردن آنها اقدامات‌لازم درمدت همین هفت هشت ده‌روز خواهد شد ولی‌عجالتاً تایك ماه و چهل‌روز از عید گذشته آنچه لازم است‌برای آذوقه باکمال اطمینان می‌توانم عرض بکنم که تدارك شده است و اگرچه پریروزهم دراین جامذاکره شد ولی‌لازم شدکه مکررا این جا عرض‌کنم‌که اگر چه مسئله نان خیلی مسئله مهمی است واین چند روزه اوقات این‌چند وزیریکه باقی‌مانده است و اوقات بعضی از نمایندگان محترم مصروف‌این‌کار شده است تا اینکه یك نتیجه از آنگرفته شده است ولی این‌یك مسئله مهمی نبود و در مسائل مهمه پلتیك ژنرال مملکت اگر بخواهید نگاه بکنید یکی از آنها مسئله‌کابینه وزرای شماست که از وزای شماه٤ نفر بیشترباقی نیستند وامر نان‌یك‌مسئله است که‌مستقیما راجع است بوزارت داخله ووزارت مالیه که دراین مدت این‌چند وزیر در آنباب اقدامات کرده اند و عجالتاً بااین همه مسائل مشکله که در مملکت ودر حواشی مملکت‌هست وهرروزه‌خبرش می‌رسد وهمه مطلع هستید تأخیر وامرار وقت دراین‌کار خطرات بسیار دارد وآقای نایب السلطنه هم در اول ورود که باهیئت و کلای محترم مذاکره کردند وبعد از مقداری مذاکره وعده فرمودید که تاروز ۵ شنبه‌این مسئله راختم وانجام بکنند ومسلم است که در یك مملکت مشروطه یك نایب السلطنه وقتی که کاری‌را میخواهدبکندبسته‌بمیل‌اکثریت‌مجلس‌است‌واکثریت مجلس هم تاوقتیکه‌ثابت نباشد یك نایب‌السلطنه‌مثل آقای ناصر الملك که صاحب بصیرت و صاحب آن همه اطلاعات‌کامله درباب مشروطیت و ترتیبات‌لازم و قواعد وقوانین آن هستند نمی‌آیند یك‌هیئتی را معین بکنند که ازفردای آن مشغول کشاکش‌آن هیئت و آنکابینه بشوند و هیچ‌کاری نشده باشدپس ناچار بایستی یك هیئتی معین‌شوند که تا یك‌مدتی یك اکثریت ثابتی آنها را نگاهداری بکند و این خلق هم ازوجود آنها یك فایده ببرند واین‌مسئله هم‌متعلق‌است‌بیك اکثریت‌ثابته درمجلس واکثریت این مجلس هم که امروز قوه حاکمه و حاکم این مملکت است ودر تمام ممالك قانونی مشروطه هم باید بهمین‌طور باشد یك‌چیزی است که عجالتامحل انتظار نایب‌السلطنه شماست که باآن‌اکثریت‌ثابت بتواند کابینه‌خودشرا تشکیل بنمایدوباآن کابینه بکار بکند اینکه نایب السلطنه در یك مملکتی که باید کار بکند و مردم از او توقع کاردارند او هم توقعات مردم را ازراه خلاف قانون نمی تواند اجرا بکند باید ازراه قانون و ترتیبات مشروطیت اجرا بکند یعنی این‌توقعی راکه از شمادارد باید بااوسعادت بکنید تا باتفاق شما نتیجه از آن مقصودخودش ببرد و بتواند باین مردم بگوید که من آمدم با نمایندگان شما متفقاً کار کرده بماشم و یك نمایش بمردم داده باشند این‌بود که چیزی بمجلس نوشته وزراء هم حاضر شدند و مطالب خودشان را هم عرض کردند ووعده هم که شما فرمودید که تا روز ۵ شنبه انجام پیدا بکند امروز شنبه است ما جوابتان را تا اینجائیکه توانستیم عرض بکنیم بعرض مجلس رسانیدیم ولی نمی‌دانم هیئت عموم نمایندگان ملت جواب آن کار مهم را می توانند امروز بفرمایند یا نمیتوانند مقصود اینست که وزراء با این حالت پریروزی که داشتند باز آمدند اینجا و این جواب را عرض کردند با اینکه از هیئت وزراء چهار نفر بیشتر باقی نمانده است ولی با این همه مسئولیت اگر چیزی واقع بشود و خدای نکرده یك ضرری متوجه این مملکت بشود دیگر نمی توان گفت که مسئول شماهستید و اگر ما چهار نفر هم کنار بکشیم وبرویم‌شاید اسباب یك تأسفی خواهد شد اینست که حالاحاضر هستم عرض بکنم که این‌کار را زودتر یك‌نهایتی بدهید و آن اکثریت ثابتی راکه می‌خواهید معین بکنید اشخاص آنرا معلوم بفرمائید و بتوسط آن کسیکه طرف اطمینان شماست بآقای نایب‌السلطنه گوش زد کنید تا اینکه بتوانند تکلیف اولیه خودشان را بدانند وظیفه که در عهده دارندانجام بدهند و تا یك هیئتی داخل کار بشوند دیگرحالا هر قدریکه بتوانید باعتقاد بنده باید زودتراینکار را معلوم بکنید و جواب آقای نایب السلطنه را بدهید .

رئیس — اینجا یك سئوالی آقای ادیب‌التجار فرمودند درباب امر نان و آقای وزیرامور خارجه در آن خصوص جوابی راکه بایستی بدهند بیان فرمودند که تا مدتی آذوقه شهر فراهم شده است و برای مدتی هم برای آن تهیه شده است که در این باب نگرانی نداشته باشیم و اقدامات لازمه در آن خصوص آمده ومیآید وچون درضمن جواب آقای‌ادیب‌التجار داخل یك موضوع دیگری شدند این است که بنده آن‌موضوع را اساساًتمام نشده نمی دانم ولی در این‌موضوع از طرف آقای نایب‌السلطنه امروز هم دستخطی رسیده است آن دستخط را برای اطلاع نمایندگان می‌خوانند وبعد داخل مذاکره خواهیم شد تا اینکه نظریات نمایندگان محترم در آن‌خصوص معلوم شده‌تکلیف جواب معین شود دستخط مزبور بعبارت ذیل قرائت شد :

یادداشت بمجلس شورای ملی — مورخه۱۸ صفر ۱۳۲۹

در جواب مراسله نمره ۲۳۸۱ متذکرم که سه فقره یاد داشت مورخه ۱٤ ماه اینجانب فقط برای استحضار نمایندگان و خالی از انتظار جواب بوده به همین جهت نیز بسطور یادداشت فرستاده شده وحالاچون جواب رسمی داده شده لازم بتوضیح میدانم‌که در باب احوال کمونی مملکت غرض از تأکید درتسریع اقدامات تحصیل نتیجه مذاکرات روز ۱۲ صفروبعضی مسائل اساسی بود که باحضور تمام نمایندگان محترم شفاهاً بعمل آمد و بالفرض هم که راجع بوظایف وزراء چیزی درآن مسائل یاغیرآن متضمن بوده خودوزراء حضور داشتند وبکرر با ایشان مذاکرات شده و البته هر پیشنهادی لازم باشد تکلیف ایشان است که بمجلس تقدیم کنند — اما درباب فتور هیئت وزراء مقصود فقط استحضار خاطر محترم بود از اینکه مادامی که نتیجه مذاکرات روز ۱۲ و تکالیف کلیه معین نشده هیئت حاضره وزراء درمسئولیت مراقبت وظایف‌خود حتماً باید باقی باشند وتفصیل درامور دولت خاصه در حالت‌حالیه بهیچوجه جایز نیست وتأکیداً اظهار می دارم که منتظر نتیجه مذاکرات روز ۱۲ صفر هستم

(ابوالقاسم)

وزیر امورخارجه — اینجا یك نکته را که درمرقومه والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه مرقوم شده است میخواهم یکقدری متذکر آقایان نمایندگان محترم بشوم میفرمایند تا وقتی‌که نتیجه از مذاکرات روز دوازدهم ماه صفرحاصل نشود این وزراء خواهند بود این جمله یعنی چه یعنی خودشان واقعاً دست بکاری نخواهند زد وکاری نخواهند کرد تانتیجه از آن‌مذاکرات حاصل بشود که اکثریت ثابته مجلس به ایشان معرفی بشوند و آنطوری که محل اطمینان ایشان باشد این اکثریت حضور ایشان اظهارات خودشان رابنمایند و آن وقت اول شروع بکار است که آقای نایب السلطنه دست‌بکار خواهندزد وهیئتی رامعین خواهند کرد زیرا اگرچه خودشان مسئولیتی ندارند ومقام ایشان یك مقام مقدسی است که عاری ازمسئولیت‌است ولی‌بایك‌هیئت مسئولی‌باید کاربکنند وآن هیئت مقام مسئولیت را دارا هستندو میدانید که ازآن‌هیئت مسئول الان چیزی باقی نمانده است آقای رئیس الوزاءکه استعفاء داده اند ویکی‌از وزراء که آن طوریکه مسبوق هستید بدبختانه از میان رفت ویکی دوتای دیگرهم‌که استعفاء کردند وچهار نفر باقی هستند که اینهاهم بایستی بکارهای پرزحمت خودشان برسند وهم بکارهای سایرین‌برای اینکه نگویند مملکت وزیرندارد و باحالت متزلزل وعدم اطمینان باید کار یك مملکتی بااین چهارنفر مرتب بشود وموقتاً ازپیش برود تااینکه یك ترتیبی بشود که اسباب اطمینان بشود و ایشان هم تاآن کارشان انجام نشود اقدامی نخواهد کرد ومقصود از این است که این وزراء تاآنوقت باقی خواهند بود یعنی من اقدام نخواهم کرد حالا شما زودتر دراین خصوص اقدام بکنید که دراول ورود یك همچونایب‌السلطنه یك نمایش داده باشید و یك خدمت بزرگی بملت خودتان بکنید حالادیگر بسته بنظر خودتانست

آقامیرزاابراهیم خان - اینجا اگر چه بنده خیلی متاسف هستم ولی ناچارم عرض بکنم که بی‌لطفی آقای مستوفی‌الممالك اینطور برای‌ما تولید اشکالات کرده برای اینکه بدون مناسبت درصورتیکه هنوز رئیس‌الوزرائی معین نشده است و هنوز مقام ایشان از طرف نیابت سلطنت عظمی بدیگری داده نشده ونامزدی برای آن‌مقام معین نشده است برخلاف قوانین تمام عالم کناره جوئی وبی‌لطفی میفرمایند وازکاریکه کارخودشان وکار مملکت خودشان‌وکارعموم ملت است کناره‌میفرمایند بله -این‌هم یکی‌از بدبختیهای ماست که باید دچار آن باشیم و حال اینکه همانطوریکه خود آقایان وزرای محترم حس فرموده اند و جداکار میکنند وحضرت اقدس و الا آقای نایب السلطنه هم کتبتاً وشفاهاًفرموده‌اند تازمانیکه یك‌وزیر دیگری برای یك وزارت خانه معین نشده است‌هیچ وزیری‌قانوناً حق‌ندارد آن‌مقام راخالی بگذارد بلکه باید وزیر سابق درداره خودش مشغول‌کار باشد تااینکه‌وزیر تازه بکابینه وارد بشود و وزیر سابق آن‌کارها را تسلیم اوبکند واقدامات ماسبق‌خودش را بآن‌وزیر تازه نامزده شده بنمایاند و ازکار کناره بکند در این موقع از آقایان وزرائی که بوظیفه خودشان قیام نموده و تا بحال به مملکت خودشان خدمت می‌کنند و مشغول کار هستند و ازطرف عموم ملت‌ونمایندگان محترم تشکر نمود عرض میکنم البته وظیفه شما همین است که تا زمانیکه اظهار توجه از طرف مجلس درحق وزراءمیشود مشغول کار بشوید وبه‌ملکت خودتان خدمت بکنید تایك کابینه‌دیگری تشکیل بشود واما آنچه راجع باکثریت‌مجلس‌صحبت میشود گمانم این است که‌همان اظهاراتی‌که در روز دوازدهم‌صفردرحضورحضرت‌اقدس آقای نایب‌السلطنه از طرف این‌هیئت بعرض‌رسیده است کافی‌باشدبرای اینکه‌در آن‌وقت یکنفرازنمایندگان‌محترم‌برخواست ودر موقع خودش اقلیت حزب خودش را عرض‌کرد یکی دیگر هم برخواست واکثریت حزب خودش‌را معلوم‌کرد واینمطلب‌معلوم شد که‌یك حزبی‌دراقلیت هستند و یکی در اکثریت دیگر بنده نمیدانم انتظار آن‌مقام منیع در اقدامات خودشان وتعیین کابینه چه میباشد اگر تصور میفرمایند حزب‌اکثریت پروگرام هیئت‌وزرای آتیه رابنویسند وتقدیم‌بکنند وبگویند ما میخواهیم کابینه که تشکیل میشود اینطور رفتار بکند گمان نمیکنم که اینکارازوظیفه نمایندگان‌باشد و تصور میکنم وظیفه آن هیئت‌محترمی است که نامزد شده و بمجلس شورای ملی معرفی میشوند و پروگرام خودشان رابمجلس تقدیم میکنندو گمان نمیکنم وقتیکه آن کابینه‌پروگرام خودشان‌رابمجلس نیاورد آن‌پروگرام در نظر حزب‌اکثر محل تأمل و مذاکره بشود ولازم بماین باشد که به‌بینند حزبی که امروز میخواهد این اکثریت را محفوظ بدارند آن پروگرام رامی‌پذیرد یانمی‌پذیرد و اگر میفرمایند که این هیئت بنشینند یك‌موادی‌ویك پروگرامی ازبرای خودشان بنویسند ممکن‌است که اینکار را بکنندولی گمان نمیکنم که‌اینکار قانونی باشداین‌حزب اکثریت میخواهند امروز که‌این تجدد جدید واقع شده است آن‌طوریکه آن دو نماینده محترم بیان فرمودند این کابینه که معین میشود اصلاحات خودش را بانقدریکه امروزوسائل ومقتضیات موجود داردباترتیبی که‌مخالف با مقتضیات شرع نباشد از پیش ببرد و انتظار دارند که‌حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هرچه زودتر رئیس الوزراء را معین‌نمایند وآن رئیس الوزرا کابینه خودشان را بایك‌پروگرامی که تناسب‌مقتضیات وقت‌و اسباب موجوده باشداز برای اصلاحات‌امروزی بمجلس پیشنهاد نمایند وامیدوارم که هرچه‌آن‌مقصود حاصل بشود .

رئیس — درباب پروگرام اینکه مذاکره شد که‌وزراء پروگرام خودشان‌را معین‌بکنید البته‌هرهیئتی که‌معین میشوند مأمور این‌کار خواهندبود و پروگرام خودشان را بمجلس خواهند آوردولی گویانظرآقای وزیرامور خارجه این‌بود که‌پروگرام حزب اکثری که میگویندا کثریت با ما است معلوم شود وبه بینند که پروگرام آنها چه‌چیزاست .

آقامیرزاابراهیم‌خان - عرض می کنم‌که حزب اکثریکه امروز تشکیل شده یك‌فرقهٔ‌سیاسی نیست بلکه یك اشخاصی هستند که‌حس کرده‌اند که‌این مجلس امروز یك‌اکثریتی را لازم داردبرای اصلاحات اساسی وآنچه اصلاحات اساسی که امروز به‌مجلس پیشنهاد بشود همراهی‌خواهند کرد .

وزیرامورخارجه — اولا اینکه آقای - آقامیرزا ابراهیم خان اظهار یأس کردنداز استعفای آنای مستوفی‌الممالك همه می‌دانید که آقای مستوفی‌الممالك چهل‌روز یابیشتر قبل از این مبتلا بیك مرض‌زمنی شده‌بودند تاچندروزبیشتر که‌حالت ایشان قدری بهتربود آثار ضعف وبی‌حالی از حال ایشان پیدابود وبااین گرفتاریها و کار که عجالتاً برای همه کس‌هست‌یك مزاج قوی ویك‌حالت‌سالمی شخص لازم داردتا اینکه بتواند این‌کارزیادرابعهده بگیرد واین‌بار گران‌راابه‌منزل برساندوآقای مستوفی- الممالك‌خودشان هم مکرر اظهار کردند وشاید به‌آقایان نمایندگان‌هم گفته باشند که‌برای خدمت همه وقت حاضرم تادقیقه‌آخریکه می‌توانم کاربکنم چنانچه در همین کابینه خودشان این اتفاقاتی که می‌افتاد وماها بعضی ازاوقات دل‌تنگی می کردیم و بعضی‌هاازما اظهاراستعفا میکردند آقای‌مستوفی- الممالك‌حرفشان این‌بود که‌من تاوقتیکه آقای‌نایب- السلطنه بطهران وارد بشود ولو یك تنه هم باشم ناچارم کاربکنم و تحمل بار مسئولیت را بکنم تا اینکه آقای نایب‌السلطنه وارد این مملکت بشود وازمردم رفع‌نگرانی‌رابنمایند آن‌وقت موافق‌قاعده وقانون تکلیف‌خودم‌را معین خواهم کرد و الان‌هم که‌استعفا کرده‌اند علت عمده‌آن برای همان اصلاح مزاج‌بودوبازهم‌اظهار کردند که‌اگر مزاجم‌بهبودی پیدا کرد حاضرم برای همه قسم خدمات به ملت و مملکت چه‌وزارت‌وچه‌غیرآن ویك‌مقداری‌هم‌استعفای ایشان قهری‌بود اماآنچه خودم تصور میکنم این - است که‌استعفای آقای مستوفی‌الممالك‌دراین موقع یك‌نزاکتی بود که‌استعمال کردند مانباید هرچه که می‌دانیم پرده‌پرشی بکنیم وآن چیزهائی را که استحضار داریم وازبواطن امور خبر داریم تمام‌را فراموش بکنیم مایك حالت غریبی پیداکرده‌ایم که خدا انشاءالله همه‌را بسلامت بدارد وآن‌این‌است که‌همه مایل تجدید وهمین‌قدر که‌یك امدوماه سه‌ماه یك وزیری دوام پیدا کرد واواین که بوذرجمهر یا بیسمارك باشد خسته می‌شوند ویك‌کس دیگری را می‌خواهید که‌ازبرای شماکاربکندودراین اداخر هم

بعضی اظهارات داخلی وخارجی که اگر کسی سؤال ازبنده‌بکند نمی‌دانم چه‌جواب بگویم شده‌بود که آقای مستوفی‌الممالک اظهار استعفا کردند ولی بازهم عرض‌می‌کنم که‌آنچه بنده خودم‌تصور میکنم این است که‌آقای‌مستوفی‌الممالک‌از این‌استعفا‌خیلی ملاحظه نزاکت‌را کردند وبه‌عقیده بنده شاید یعنی یقیناً یکی از مقاصدشان این بود که برای آقای نایب‌السلطنه در این موقع که دارد شده‌اند و در صدد اصلاحات وترتیب کارها هستند یك‌دست‌بازی ویك خیال آزادی بگذارند تاباینکه با آن خیال آزاد خودشان و باکثریت ثابت مجلس یك اقدام اساسی کرده باشند ومردم که منتظرند از وجود نایب‌السلطنه خودشان فایده‌کلی ببرند بواسطه‌مقاومت مستوفی‌الممالك بازیك مانعی برای ایشان حاصل نشود بعقیده بنده ازاین اظهار استعفای آقای مستوفی‌الممالك باید اظهار امتنان کرد نه‌اظهار تاسف بجهت این نزاکتی‌که بعمل آورده‌اند اما در مسئله اکثریتی که آقای آقا میرزا ابراهیم خان می‌فرمایند اگر به‌عقیده بنده‌باشد بنده‌خودم شخصاً وعقیده ندارم نمیدانم احزاب مختلفه یعنی‌چه باید همه متحد وبرادر باشند وهمه‌یك صلیقه و پشتیبان باشند وبرای آن‌هیئت وزراء وقوه مجریه که می‌خواهند برایشان کاربکنند اماحالا بالطبیعه آن ترتیبی که درهمه‌جا پیدا شده دراینجا هم پیداشده است ویك احزابی درمجلس هست این‌را نمی شود انکار کرد ولی‌یکی می‌گوید کما درافلیتیم یکی می گوید مادر اکثریتیم در صورتیکه هست واقعاً بایستی فهمیدکه این‌اقلیت چه‌می‌خواهدوآن‌اکثریت چه‌میگوید وکیها هستند برای اینکه نایب‌السلطنه مملکت وقتی که رئیس الوزراء رامعین کرد آن رئیس‌الوزراء ناچاربایدباشور ومیل اکثریت‌مجلس یا دعده رابوزارت انتخاب بکند وکابینه خودش را تشکیل بدهد وباید بداند که آنها از چه حزب باید باشند والا اگر نباباشد که همین‌طورمجهول‌المعرفه بخواهنداداخل کاربشوند ویك‌عده را معین میکنند بازهمان ایرادات وهمان حملات است که میشد پس برای رفع این ایرادات وبرای این که آقای نایب‌السلطنه می‌تواند یك رئیس الوزرائی‌را معین میکندوآن رئیس‌الوزراء هم‌یك‌عده رانتخاب وبه‌مجلس معرفی نمایندبایستی اکثریت ثابت‌مجلس که در ممالك مشروطه حاکم مملکت است با آن رئیس‌الوزراء رأی کابینه همراه باشد والا اگر بگویند خود نایب‌السلطنه هر کسی را می خواهند رئیس‌الوزراء معین میکنند وآن رئیس الوزراء هر کس رادلش می‌خواهد معین می کند این همان است‌که واقع‌شد وهیچ نتیجه نخواهد داشت و از فردای همان‌روز اعضاء همان اکثریت واقلیت بآنها می‌تازند پس بایدبه همانطوری که آقای نایب - السلطنه فرمودند وبا جواب داده نشود دست بکار نخواهندزد یك اکثریتی درمجلس معین بشودبایك عقیده ثابتی که یا آن عقیده بتواند هیئت دولت راتشکیل بدهد واگر چنین اکثریت ثابتی هست که باید خودش را به آقای نایب السلطنه معرفی بکند حالابایدطوریکه آقای آقامیرزا ابراهیم‌خان می‌فرمایند که این فرقه اکثری که تشکیل شده است فرقه سیاسی نیست بسیار خوب بایدطورمعرفی میکنید وآقای نایب‌السلطنه راامتناع میکنید یا اینکه بایشان مذاکره بکنیدوبه‌بینند بطورقانونی و مشروطیت چطور ایشان متوقع هستند که آن اقدام راه انجام برسانند برای اینکه عرض کردم که‌تعیین کابینه وتشکیل آن باوزراء نیست باایشان است وایشان هم یك‌معلومات ویك‌انتظاراتی دارند که باید آن معلومات وآن انتظارات راانجام داد آنهم برای صرفه وصلاح مملکت است همان طور که آن‌روز فرمودند برای خودشان نمی‌خواهند ومثل اینکه آن‌روز خودشان صریحاً فرمودند که اگر اختیارات تازه بخواهید بمن بدهید من قبول نمیکنم ایشان برای خودشان چیزی نمی‌خواهند و اگر چیزی بخواهند برای این مملکت و برای این مشروطیت و برای این اساس‌می خواهندحالا این راهم باید باایشان مذاکره کرد ایشان باین اکثریت و این ترتیب قناعت نمی کنند که فبهاالمقصود و اگر طور دیگری رامی‌خواهندآنراهم میفرمایند که‌زودتر اقدام بشود وبیش‌ازاین اسباب تعویق نشود .

افتخار الواعظین - مذاکرات وفرمایشات آقای وزیر امور خارجه یك شکلی است که چون خیلی مبهم ومجمل فهمیده می‌شود بنده لازم دیدم که بعضی تفاسیری را که مطالعم عرض بکنم اولا اینکه آقای آقامیرزا ابراهیم‌خان فرمودند که این اکثریتی که امروز تشکیل یافته یك‌حزب سیاسی نیست مرادشان این نیست که هیچ حزب سیاسی داخل این اکثریت نیست بلکه مرادشان این‌است که یك حزب سیاسی که دارای اکثریت باشد این اکثریت راتشکیل نمیدهد وشاید دوحزب باشد حزب مختلف که‌اساساً پروگرام‌مسلکشان مختلف است ولکن پروگرام عملیشان متحداست چون‌حس کرده بودند که امور مملکت ایران بدون یك پروگرامی و یك اکثریتی ازپیش نخواهد رفت و همان کش‌مکشهائی که بوده است باز خواهد بود وآن اکثریت هم به‌قسمی باید ثابت باشد که هر وقت ازطرف‌حزب مخالیك تنقیدی‌می‌شود ودرروزراء ومحتاج می‌شوند برای گرفتن آن اکثریت ثابت میتواند بتوسط اوراق سفید خودش کابینه وزراءرا نگاهداری بکند چون این اشخاص این مطلب را حس کرده بودند ائتلاف کرده‌اند واین اکثریت را تشکیل داده‌اند وپروگرام عمل‌برای خودشان نوشته‌اند یعنی چیزهائی راکه ماتا آخر این دوره تقنینیه ازهیئت وزرائی که طرف اعتماد ما باشند می‌توانیم بخواهیم و آنها هم می توانند اجرا کنند پس این اکثریت ثابتی که تشکیل‌شده است دارای مسلك سیاسی هست لکن مرکب است از دوحزب وسه حزب مختلف — واما درمقام جواب آقای وزیر امور خارجه عرض میکنم که همین شکلی که فرمودند فرمایشات روز دوازدهم آقای نایب السلطنه تکلیف نمایندگان اکثریت رامعلوم کرد وآنهاهم بعد از آن مجلس اعضاء اکثریت خودشان راحاضر کردند و صحبت کردند بعد از مذاکرات آن اکثریت قهمید که کدام رئیس الوزراء طرف اعتماد ایشان است و بتوسط دونفر از نمایندگان اعضاء خودش به مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی هم تبلیغ شد و با این ترتیب بنده هیچو گمان می کردم که امروز اگر نشد روز سه شنبه که بنده و سایرین به مجلس که‌میآئیم‌به‌بینیم‌یك‌رئیس الوزراء وهیئت کابینه‌برای معرفی به‌مجلس آمده‌است بکه خیلی احتمال میدادم که‌همین امروز میشود وعلت اینکه نشده‌است بنده هیچو گمان میکنم که واقعاً حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه بآن معرفی‌ساده که‌از طرف‌اکثریت بتوسط ریاست محترم مجلس بحضور مبارکشان تبلیغ شده است شایدقانع نشده باشندو سایر نظر مبارکشان براین بوده است که‌اکثریت برای آن اشخاصی که میفرستند یك اعتبار نامه بنویسند و امضاء بکنند تامعین بشود که‌حزب اکثری که میگویند درمجلس تشکیل شده است اینها هستند وامضاشان هم این است والا اینطور نیست که‌این اکثریت مذاکره و مباحثه راکه لازم است نکرده باشند ورئیس‌الوزرائی راکه‌محل تمایلشان بوده‌است بتوسط بعضی از اعضاء خودشان به مقام ریاست مجلس شورای ملی عرض نکرده باشند وبنده‌هیچ گمان نمیکنم که ریاست مجلس هم به مقام نیابت سلطنت عظمی تبلیغ نکرده باشند وهمانطور که عرض کردم بنده چنین تصور می کنم که‌والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه شاید نظر مبارکشان بر این‌بوده است که‌این‌اکثریت یك‌اعتبار نامه‌خواهند نوشت برای آن اشخاصی که میفرستند و آن را امضاء خواهند کرد و اسم آن رئیس — الوزرائی که محل اعتماد و تمایلشان است خواهند نوشت‌وبتمام تکالیف قانونی‌خودش عمل خواهد کرد

وزیرپست‌وتلگراف — بنده گمان میکنم که این مذاکرات بیشتر بالفاظ می گذارد و اگر یك اهتمامی بفرمایند که بعملیات بپردازیم بهتراست اینکه آقای افتخار الواعظین می‌فرمایند که شاید آقای نایب السلطنه از این اکثریتی‌که تشکیل شده است اعتبارنامه و امضاء می‌خواهند من گمان نمیکنم که مقصود والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه این باشد که‌ایشان می‌فرمایند بحمدالله‌مایك نایب السلطنه امروز داریم که بتمام دقایق قانونی خوب مطلع‌است ویك‌چیزی‌را که از شما می‌خواهند تمام می‌خواهند و اگر هیچو چیزی بوده است که اکثریت تشکیل‌شده است ووواقعا معرفی کردیده‌اند اشخاصی را که اکثریت‌بآنها تمایل دارد بنده گمان میکنم که تامل ایشان برای این است که بدانند پروگرام و آرزو و آمال آنها چه‌چیز است وچه مقصودی دارند زیراکه شما یك اشخاصی هستید که از بالای‌میز نطق می‌فرمائید که‌مایك‌اشخاصی هستیم و یك اکثریتی را تشکیل داده‌ایم و یك چیزهائی را می‌نویسیم وازشما وزرای این مملکت اجرای آنهارا می‌خواهیم وتصور می فرمائید که در مملکت فقط هفت هشت چیز است که شما بنویسید که ما در اداره مالیه از وزارت مالیه فلان چیز را می‌خواهیم و حال اینکه‌این طور نیست برای‌اینکه

ممکن است درضمن وزارت آن هیئتی که شمابآنها تمایل دارید و معین میکنید بعضی چیز ها پیش بیاید وآن چیزهائی درآن‌مطالبی‌که شما نوشته‌اید نباشدآنوقت مابین خودشان اختلاف‌پیدا خواهدشد مثلا دریك مسئله راجع بپولتیك وزارت امورخارجه شاید یك مطالبی پیش می‌آید که شما باکمك‌های خودتان یا هم مسلکهای خودتان همراه نشوید آن وقت استکه اکثریت متزلزل خواهد شد این است که آقای نایب السلطنه اگر انتظار دارند انتظار صحیحی دارند و می‌خواهند ترتیب کار ها بر روی یك اساسی صحیحی گذاشته بشود یعنی آن حزبی که می گوید من‌در اقلیتم ودارای ۲۱ رأی هستم پروگرام خودشرا و آنچه مقصد و آرزو و آمال خودش است باید نوشته باشد و تقدیم والاحضرت نماید و آن حزبی که می گوید من اکثریت رادارا هستم و ۵۰ رأی دارم آنهم عقاید سیاسی خودش باید بنویسند و تقدیم حضور ایشان بکنند بنا‌به‌که نمی‌دانم می گوئید احزاب مختلف باسامی مختلف در مجلس هست بنده بواسطه اینکه بعید العهد شده‌ام درست اطلاع ندارم ولی آنقدری راکه از سابق اطلاع دارم می‌دانم که دو حزب در مجلس وجود دارد حالا احزاب دیگر هم شاید باشدکه بنده نمی‌دانم هرچه هست‌این ها تمام باید‌پروگرام خودشانرا بپیرند تقسیم بکنند تا اینکه آقای‌نایب السلطنه‌بدانند پروگرام هریك‌ازاین احزاب‌چیست

واگر فرضاً در این مدت هشت ماه فلان حزب که ادعای فلان مسلك رامیکند اگر ازمسلك‌خودشان خارج بشوند ویك‌چیزی را خارج از پروگرام و مسلك خودشان تقاضا بکنند ووراً آقای نایب — السلطنه میفرمایند که این تقاضا برخلاف مسلك و پروگرام مسلکی شماست پس ایشان ازاین تأملی که‌می‌فرمایند مقصودشان این‌است که اساس‌کاررا برروی یك بنیان صحیحی بگذارند تنها باین‌اکتفا نمیکند که‌یك‌حدودی رامعین‌بکند وبگوئیدما اکثریت ثابت هستیم واینها هم کارهای ماست و آنچه بنده امروزه ازفرمایشات ایشان استنباط کرده‌ام همین بود که عرض کردم حالا اگر می‌توانید عجله بکنید وهر کدام پروگرام خودتان را بنویسید و بحضور آقای نایب‌السلطنه تقدیم بکنید تا اینکه زودتر رئیس‌الوزراء معین شده‌کابینه وزراء راتشکیل وبه مجلس معرفی‌نمایندوالااین مسامحه وطول کشیدن بعقیده بنده با حالت حالیه مملکت سازش ندارد و مقتضی نیست وهمانطوریکه آقای وزیرامورخارجه بهمین ترتیب که می‌فرمائید اکثریتی تشکیل شده است و ثابت است ممکن است بتوسط نمایندگان خودشان حضور مبارك ایشان عرض بکنید و پروگرام خودشان را بنمایانید و هر طور که‌بدانید عجله کنید در اینکه کابینه وزرای شما زود تر تشکیل بشود .

کاشف — در اینجا موضوع دوچیز است یك مذاکره راجع‌باکثریت مجلس است‌یك‌مذاکره هم درباب اظهار مسلك‌است وبنده کراراً این‌مطلب راگفته‌ام که‌اگرما بخواهیم این دوموضوع راداخل هم بکنیم ومذاکره کنیم باین زودیها نتیجه‌مطلوبه بدست نخواهد آمد خصوصاً دریك حالی که‌مملکت خیلی محتاج‌است که یك‌قوه مجریه در کار باشد و اگر ماخواسته باشیم بگوئیم که تا مسلك ها معین نشود وپروگرام‌سیاسی‌شان‌نوشته‌نشود رئیس‌الوزراء وهیئت وزراء معین نشود بنده گمان میکنم که‌باین زودی ها نشود که در این خصوص نتیجه بگیریم درصورتیکه چنانچه آقایان وزراء حس کرده اند وضع امروزه مملکت طوری است که یك ساعت‌هم نمی‌شود تعیین رئیس الوزراء و کابینه را به عقب انداخت و بنده گمان میکنم که این‌مطلب منافی با مقصود نباشد درسابق گفته شد که جمعی در این مجلس از احزاب مختلفه که یك اندازه عقیده و سلیقه‌شان نزدیك بهم بودنه اینکه درتحت‌یك‌مسلك ویك پروگرام باشند بجهت صرفه وصلاح مملکت چنین صلاح‌دانستند که بجهت اجرا و انجام وظیفه خودشان‌وبجهت رفع مسئولیتی که دارندیك‌پروگرام عملی که دارای چند ماده باشد نوشته شودوهمهٔ آنها آن رااامضاءبکنند که‌برحسب‌ضرورتی که‌امروز دیده‌میشودمطابق آن‌پروگرام کابینه که معین‌میشود رفتار بکنند و این هیئت مختلف که حالا متحد می‌شوند و تشکیل اکثریتی را می‌دهند آن کابینه را نگاه بدارند و همین کاررا هم کردند ولی ابداً این پروگرام به‌یکی ازاین مسلك‌هائی که‌اسم‌برده شد نبود بلکه همانطور که عرض‌کردم یك هیئت مختلفی باهم متحد شده‌اند وبنده عقیده‌ام این‌است که اگر در این خصوص مداومت حاصل بشود در مجلس بلکه اتفاق هم ممکنست حاصل بشود برای اینکه کلیتا مسلك یك‌چیزی است که‌آمال وآرزوی یك‌دسته درآن مندرج است ومی‌توانند مادام‌العمر آن آرزو وآمال‌را داشته باشندلکن باین جهت‌این هشت ماهه خواستیم یك نتیجه از این اقدامات و زحمات خودمان برده باشیم بجهت اینکه چنانچه تجربه بماشان‌می‌دهد مادر این‌مدت نتوانستیم‌موفق شویم بآنچیزهائی که مقصود آرزو و آمالمان بود وتایك اندازه‌هم بر ای مردم آنطوریکه منتظر بودند اسباب‌آسایش وراحت فراهم بشود ازاین جهت‌خیلی لازم بود که این‌کار بشود و حالا خیلی از اشخاص هستند که انتساب به‌یك‌مسلکی دارندو نمی‌شود آنها را مجبور کرد که شما منتسب به‌یك مسلك دیگری شوید و عرض کردم که سابقا دراین خصوص خیلی مذاکرات و بالاخره نتیجه نگرفته‌ایم و یك طرف متقاعد نشده است حالا اگر مقصود از مذاکرات روز که از دهم صفر این بوده است که یك اکثریتی که ثابت باشد تشکیل بشود این اکثریت تشکیل شد امضاء هم کرده‌اند و اظهار عقیده خودشان را هم نموده اند و اینکه بعضی ها فرمودند که یك نفر رئیس‌الوزراء را آقایان اسم ببرند بنده گمان میکنم که‌این ازوظیفه نمایندگان نباشد و گمان میکنم که همان تمایلات آنها کافی است حالا باز هم اگر چنانچه والا حضرت اقدس میفرمایند که تا پروگرام های احزاب درآنجا ارائه نشود و معلوم نشود که پروگرام مسلکی این‌ها چیست رئیس الوزراء را معین‌کردشایدآن نتیجه باین زودی ها بدست نیاید درصورتیکه فعلا قوه مجریه نداریم و این چند نفریکه از آقایان‌وزراء باقی مانده‌اند با کمال مشغله وکار زیادی که در ادارات خودشان دارند مجبور هستند که رسیدگی بامور سایر وزارت خانها داشته باشند خیلی لازم است که یك رئیس‌الوزرائی معین بشود وکابینه را دائر نماید آن‌وقت ممکن است که‌بعد در اینکار اقدام کرده و یك اکثریت‌مسلکی ثابتی هم اگر لازم باشد درکار آورد ولی این هیچ مانعی نیست از اینکه امروز ما یك قوه مجریه نداشته باشیم و حال مملکت اینطور باشد که فعلا هست که هر ساعتی از نداشتن کابینه ممکن است ضررهای کلی متوجه بشود .

وزیرامورخارجه — آقایان نمایندگان محترم شایدهمه‌آقای‌نایب‌السلطنه را خوب‌بشناسند که ایشان با آن‌همه اطلاعات عمیقه که دارند و در کارها یك ثبات عزم غریبی دارند شاید بلکه یقیناً عزمشان‌جزم است که واقعاً برای این مملکت حالا که آمده‌اند بتوانندکاری بکنند و آنچه درخدمت ایشان در این چند روزه مذاکره میشد گمان نمیکنم که ایشان بـا یك معلومات ناقصه و بـا یك اسباب و خیالاتی‌که باصطلاح دلخوش کنك‌باشد داخل کار بشوند اینطور تصور بکنند و مسلماً بدانید که شخص ایشان تا یك اطمینانی کامل‌تحصیل نکنند که بتوان با آن اطمینان کامل اقدام‌صحیحی کرد تصور نکنید که ایشان داخل کار بشوند و تا وقتیکه این اطمینان برای ایشان حاصل نشده است این عده که از وزراء باقی هستند در سرکار هستند تا اینکه ببینند از اقدامات ایشان چه نتیجه گرفته میشود و بازهم‌صریحاً عرض‌می کنم که‌ناچار وقتیکه زیاد فشار بما وارد بیاید جز اینکه‌استعفا میکنیم و باز این مسئولیت را بگردن خودمان وارد بیاوریم هیچ‌چاره دیگری نخواهیم داشت‌حالا همانطوریکه مکرر عرض‌کرده ام باز هم عرض می کنم که زودتر هر کاری راکه‌لازم میدانید اقدام بکنید و تدارك کار خودتان را به‌بینید و همین طوریکه‌مذاکره شد از این اکثریتی که میفرمائید معین شده است یك دو سه نفری رابطور کمیسیون معین‌میکنیم که‌بروندبا آقای‌نایب‌السلطنه‌مذاکره‌بکنند که ایشان از این اکثریت ثابتی که میفرمائید چه می‌خواهدو آن‌ترتیبی‌راکه‌انتظاردارندچیست‌احزاب رامیخواهند بشناسند پروگرام آنها را میخواهند به بینند مقاصد آنهارا میخواهند بدانند کلیة بـه بینند که ایشان چه درنظر دارند چه میخواهند و مطابق آنچه درنظر ایشان است اکثریتی راکه می خواهند معین‌میکنید که فردا که یك هیئتی را این جا معرفی کردند راست است که آنها مسئولیت دارند ولی باید یکعده اکثری را درمجلس پشتیبان داشته باشند که اگر یکوقتی ازطرف حزب اقل حمله بآنها کردند آن اکثریت از آنها دفاع میکند بجهت اینکه دفاع کننده ازقوه مجریه قوه حاکمه واکثریت مجلس‌است که درموقع حمله حزب اقل از آنها مدافعه بکنند پس اساساً ومسلماً بدانید که تامسجل نشود بایشان که بتوانند بایك عزم راسخی داخل کارشوند داخل نخواهندشد وخودشان هم خودشان رافریب نخواهند داد که امروز اینکار رامیکنیم به بینیم چطور میشود فرداهم همینطور ایشان اینکار را نخواهند کرد حالا

شما اگر چنانچه کارتان راساخته اید واکثریتی را که ایشان خواسته اند تشکیل کرد اید بطوری که تاروز پنجشنبه وعده فرموده بودید که فبها المقصود بپریدمعرفی بکنیدیااینکه اگرمعرفی کامل نکرده‌اید تکمیل بکنید تااینکه ایشان حاضر کار بشوندواگر چنانچه آن اکثریتی راکه ایشان خواسته اند حاصل نیست و معذلك میتوانید ایشان رامتقاعد بکنید که‌باز هم باهمین هیئت حاضر بروید و با ایشان مذاکره بکنید بلکه واقعاً یك نتیجه گرفته شود ویك تکلیفی برای کارهای این مملکت معین بشود.

منتصرالسلطان — بنده تصور میکنم که مقصود ازاکثریت شاید این راگمان میکنند که کلیه احزاب وفرقی که درمجلس‌شورای ملی‌است‌باید آن‌ها مرامنامهٔ خودشان بتمام وکلا ومردم وهمچنین خدمت والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه تقدیم بکنند چنانچه حزب دمکرات که من یکی از آن افرادهستم وجزء اقلیت مرامنامه خودش راکه بتمام جعبه های نمایندگان انداخته است تقدیم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه هم کرده اند ولی مقصود ایشان ازاین کلمه تحصیل اکثریت ثابت‌صحیح بوددرمجلس وآن هم هریکی از دوقسم خواهد شد یکی اینست که یکی ازاحزاب وفرق سیاسی که عده‌اش درمجلس اکثریت دارد یعنی نصف بعلاوه یك است وحاکم و مسئول مملکت اوست پروگرام خودش را مینویسد ناطق خودش رامعین میکند ونظریاتی راکه درباب رئیس الوزراء دارد که ببیند کی میتواند خیالات و آرزو ومقاصد مسلك او را تهیه تعقیب بکند بتوسط ریاست مجلس شورای ملی میرساند به شخص اول مملکت ومیگویند فلان کس که دارای مسلك من‌است وقبول مسلك مراکرده است فرقه من باو تمایل دارد آن‌وقت پادشاه یانایب السلطنه مملکت آن‌شخص را معرفی میکند به مجلس‌شورایملی وازروی نظریاتی که آن‌اکثریت‌دارد مشغول‌عملیات‌میشوند وامورمملکت را مطابق آن نظریات‌مرتب میکنند یك‌قسم دیگر هم هست که وقتیکه اکثریتی‌درمجلس میآیند فرق‌دست چپ که‌چندفرقه‌هستند عده‌خودشان را هر کدام معین میکنند وفرق دست‌راست هم‌هر کدام عده‌شان رامعین میکنند آن‌وقت‌چندفرقه آنهاباهمدیگر ائتلاف میکنند پروگرام مسلکشان‌هم که‌معین است آن‌وقت‌می‌نشینند ناطق‌خودشان را معین میکنند وباز پیشنهاد میکنند نظریات خودشان را بتوسطرئیس مجلس بمقام نیابت سلطنت عموم‌مردم‌عده‌اینهارا وناطق ایشان‌رامیشناسند یعنی درمجلس رسماً میگویند که آن‌حزب‌اکثریتی که میگویند این عده که‌فلان شخص‌وفلان‌شخص باشند هستیم واشخاص خودشان را علناً معین میکنند وعقاید خودشان را هم بهمان مینمایندو بمحل مسلکی خودشان هر کدام جلوس میکنند ومرامنامه خودشان را هم نوشته‌وبرئیس‌یاشخص‌اول‌مملکت تقدیم‌مینمایند ومشغول میشوندبکار وعملیات‌خودشان نتیجه‌این‌اکثریت چه‌چیزاست نتیجه‌اش این است که‌آن هیئت وزرائی که بمجلس معرفی میشوند مشغول میشوند باجرای خیالات وآمال آن فرقه که‌این‌اکثریت راتشکیل‌داده ومرامنامه خودش‌را تقدیم نموده است و آنمرامنامه بتوسط آن رئیس الوزراء مجری میشود برای اینکه معین‌است که‌هیچ نماینده مقاصدخودرابشخصه‌نمیتواند اجرا بکند بلکه‌باید بتوسط حزب خودش‌وبامساعدت آنهائی که با او هم‌مسلك هستند و دارای اکثریتند آنمقاصدمسلکی خودش را مجری نمایدوآن‌وزراء هم همیشه بواسطه نظریات و ترتیباتیکه مسبوق هستند بهمان ترتیب پیشنهاد میکنندو آنمواد هم میگذرد و مسلم آن‌اکثریت وظیفه‌خودش را نسبت به‌اقلیت هم میداند که‌اگر ایراداتی یاتنقیدی یابعضی سئوالاتی دارد بایددر کرسی خطابه آن ایرادات و اظهاراتی را که‌دارد بیان بکند و بواسطه درج‌درجرائدفیمابین افراد ملت منتشر نماید و مسلماً شخص و الاحضرت اقدس‌آقای نایب السلطنه بطوریکه در بعضی جراید دیده‌ام که‌نوشته‌اند و ایشان‌راطبیب مملکت مریض ما دانسته اندهمانطوریکه قانوناً ازطرف‌مجلس‌شورای‌-ملی‌انتخاب‌شده‌اند و در واقع پادشاه مملکت هستند میگویند بایدتمام وظایف قانونی‌را که‌در کتب قانونی است اجراءبکنیم چونکه مملکت مامشروطه‌است‌و در مملکت مشروطه‌باید مطابق شروطیت قوانین کار کرد نمیشود گفت مملکت‌مامشروطه‌است‌لکن‌درمجلس‌احزاب مختلفه سیاسی نظرات خودشان را بیندازند کنار بلکه‌تمام‌ماها درحفظ‌استقلال مملکت شریکیم اماباید به بینم‌که طریق وترتیب آن چیست وچطور باید اقدام بکنیم مثلا وزارت مالیه وامر مالیات را که می‌خواهیم اصلاح بکنیم باید چه‌قسم‌اصلاح‌بکنیم البته نظریات احزاب سیاسی در این گونه مسائل فرق داردواینکه مذاکرات زیاد می‌شود درمجلس ووقت‌تلف می‌شود تمام بواسطه همین نظرات‌سیاسی است ووالاحضرت نایب‌السلطنه چون این مسئله را التفات‌فرموده‌اند می‌فرمایندمطابق همان حق‌قانونی که‌بواسطه انتخاب مجلس پیدا کرده‌ام هیچ‌نمیتوانم مخالف قانون قدمی‌بردارم باید موافق‌قانون اقدام بکنم وکارها را اصلاح نمایم من می‌خواهم که‌در مجلس‌شورای ملی تمام فرق علنی باشند تمام‌بجای خودشان بنشینندومرامنامه های‌خودشان را بفرستند من بخوانم تا اینکه اکثریت مجلس بر من معلوم شود من رئیس الوزراء را بفرستم به مجلس و او کابینه خودش راتشکیل ومعرفی‌بکند واین‌بهترین کاری است که باید بشود وآن روزی‌که اینکارواقع بشود بعقیده بنده روزی است‌که من‌در منزل خودم بخوابم‌ومیگویم که‌بواسطه این‌افکار عالیه‌والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه مملکت آبادباشدومملکت ما ازخیلی چیزها رسته وآزاد شد.

سلیمان‌میرزا - بنده قبل از اینکه آقایان وزراء این مطلب را مطرح بفرمایند از آقای رئیس اجازه خواسته بودم که در پایان مجلس چند کلمه درموضوع اکثریت عرض بکنم‌از حسن‌اتفاق خودآقایان وزراء آن‌را مطرح فرمودند ماناچاریم ازاینکه اکثریت ثابتی‌درمجلس و درمملکت‌خودمان داشته باشیم برای اینکه مملکت که مشروطه شد و وسلطان آن معین شد باید تمام امورات‌آن‌مطابق قوانین اداره بشود وممکن نیست‌که یکی از آنها تغییر بکند بجهة اینکه اگر ما یکی از چرخهای ساعت را برداریم وبگوئیم‌که امروز مامیل نداریم‌که این ساعت فلان چرخ را داشته باشد محققاً باید بدانیم‌که‌دیگر آن‌ساعت برای ما کار نخواهد کرد واگر این قسم بخواهیم پیش برویم ممتنع است‌که یکی از خیالات ومقاصد خودمانرا پیش ببریم‌برای اینکه عقلاء دنیا بما می گویند این چیزی را که اختراع کرده تا تمام چرخهای او را پهلوی هم نگذارید این ساعت برای شما محققاً کار نخواهد کرد در حکومت‌استبدادی سلطنت مستقله‌یك‌اداره می‌نماید ووزراء وعمال وحکام تماماً همین قدرکه حضور اعلیحضرت همایونی مشرف‌شدند ویك‌خلعتی گرفتند و بواسطه یك عبارت طرف التفات شدند مطمئن هستندکه وزیر وحاکمند ومشغول کارمیشوند بعداز آنکه‌سلطنت استبدادی‌برداشته شد وسلطنت انتخابی‌درعوض‌آن‌تأسیس‌شدازوظایف‌اولیه‌آن‌این‌است یك چیزی بجای آن اتکال وآن اراده سنیه‌بگذارد و آنچیزیکه در تمام عالم بجای آن گذاشته‌اند چه چیز است آن اکثریت ثابت مجلس است که هیئت وزراء درازاءاینکه‌بروند حضور اعلیحضرت‌همایونی یك تعظیمی بکنند مطلع می‌شوند باینکه تمایلات اکثریت تابعه مجلس چیست وچه پروگرام و مرام نامه را درنظردارند تااینکه‌بآن ترتیب رفتارنمایند و می‌دانند لایحه که پیشنهاد می‌خواهند بکنند چه قسم باید پیشنهاد کرد مثلا اگر برای ترتیبات عدلیه لایحه پیشنهاد میکنند می‌دانند باید عدالت را مجانی فرض بکنند یااینکه یك‌پولی هم برایش معین بکنند بجهت اینکه نظرات فرقه اکثر معلوم استکه عدالت را مجانی می‌خواهند یا پولی می‌داند وقتی که می‌خواهد قانون‌قشون‌گیری را پیشنهادنماید اجباری پیشنهاد بکند یابطریق اختیاری تمام‌اینها را از تمایلات اکثریت می‌فهمد وازکرات‌اکثریت می‌دانند وقتی که ماسعی بکنیم که اکثریت مجلس مایك اکثریت ناقص باشد [مثل اینکه از اول این دوره تابحال بوده است] این اکثریت متزلزل است واین چنین‌اکثریتی نمی‌تواند یك کابینه‌رانگاهداری بنماید و اگر کسی تمام آرائی را که از اول این مجلس تابحال گرفته شده است در تحت نظر دقت بیاورد نمی‌تواند بگوید که از نقطه نظر یك فرقه سیاسی ویك حزب اکثریت‌آن آراء گذشته است یك طوری بوده است که گاهی بتمایلات فرقه دست چپ و گاهی بتمایلات فرق دست راست آن آن اظهار شده است وهمین مطلب باعث این‌شد که کابینه های وزرای ما نتوانسته‌اند دراین‌مدت‌پاهای خودشان را باقدرت بگذارند و از پله های عمارت بهارستان بالا بیایند و همین که بالا آمدند متحیر بودند که چه‌بکنند آیا آن اقدامی را که در خارج کرده‌اند بمیل یکی ازوکلا شده‌است یااینکه ازاو سئوال و استیضاح خواهند کرد و اگر استیضاحی بکنند مدافعی خواهندداشت یانخواهند داشت نتیجه این کار چه می‌شودهمین می‌شود که‌دیدید این کابینه هائی که تابحال تشکیل شد وبزمین افتادهیچ‌معلوم شد که برای‌چه بزمین افتاد ازبرای‌آن‌اکثریت‌های فرضی بود مثل اینکه امروزهم از یکی از آقایان سئوال کردم دراین خصوص درجواب گفتنداکثریت هست رأی بگیرید مگر آن‌کابینه‌ها را اکثریت‌رأی نگرفت ازاکثریت خیلی هم بالاتر بود بلکه قریب باتفاق بودچه شدآن ورقه های سفیدکه فردای آن روز وقتیکه رأی خواستند اکثریت نشد کجا رفت آن اعتماداین همان مستوفی‌الممالك‌بود که وقتی‌در باره او رأی خواسته شد بالاتفاق رأی دادید ولی فردای آنروز از اواستیضاح خواستند این برای‌چه بوده است که یك‌اکثریت‌ثابتی در مملکت حکم‌فرما

نیست اکثریت باید مطابق فرق سیاسی وازاحزاب سیاسی باشد وعلنی باشد برای اینکه اکثریت مسئول نیك‌وبد مملکت مسئول‌ترقی و تنزل مملکت مسئول سعادت وشقاوت مملکت میباشد یعنی‌ازدور که تماشاچی ها از بالا وپائین تماشا میکنند باید بدانندکه این اکثریت‌ثابتی راکه می گویند کیها هستند وبدانند این جماعت ۶۰ نفر۷۰نفر این‌عده هستندکه قدرت مملکت وحکومت مملکت‌رادردست گرفته‌اند وامورات آنرا اداره می کنندبله اقلیت‌و اکثریت (چنانچه آقای وزیر فرمودند) در مجلس هست وآن نماینده را که آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرمودند که درحضور والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه که اول شخص عالم مملکت هستند برخاست و اقرار باقلیت حزب خودش کرد بنده بودم که درحضور والاحضرت گویا بعضی از این عرایض را عرض کردم واز طرف شعبه پارلمانی حزب‌دموکرات که درکابینه‌حاضرپلتیکش‌بیطرف‌بود وامتحان‌خودش‌راداد ودرتمام سئوالات واستیضاحات که شد یك کلمه‌حرف نزد ازچنین‌حزب‌یعنی که ۲۱ رأی‌دارد میگویم دراقلیت واقعیم ومسئولیت‌نداریم واز طرف دیگر آقای حاج آقا اظهار فرمودند که ما ۴۸ رأی داریم و ما مسئول مملکت هستیم یعنی ازحالا ببعد می‌توانیم مسئول بشویم - بنده عرض می کنم‌که آیا این مطلب که ازآنجا گذشت باینکه یك روزی اسم همه را بنشینند بنویسند و همه آنها پای آن ورقه را مهر و امضاء بکنند و وبتوسط ریاست مجلس بحضور والاحضرت بفرستند این اکثریت می‌شود؟

اکثریت آن است‌که تمام ملت افراد وعده‌اش را بشناسند نه آنکه آن اکثریت درپرده باشدو درصورتی‌که شب وروز ما با آنها هستیم ندانیم که این آقایان کیها هستند درخارج چه می دانند و چطور می‌فهمند که این اکثریت کیست ودرچه‌کار است وآن اقلیت چه‌کار میکنند.

افتخارالواعظین - در موقع رأی معلوم خواهد شد.

سلیمان‌میرزا - می فرمایند در موقع رأی خواهندفهمید وحال اینکه یك سال‌است رأی داده‌ایم بیاورید آن آراء را ملاحظه بکنید و این معمای تاریخی را حل بکنید که اکثریت را کدام یکی از احزاب داشته است واین خرابی‌هائی که‌شده‌است بگردن کیست میفرمایند این اکثریتی که تشکیل شده است سیاسی نیست یا اینکه پروگرام آنها پروگرام مسلکی نیست بلکه پروگرام عملی است یعنی همه نظریات خودشان را جمع کرده‌اند ویك پروگرام عملی نوشته اند بنده حقیقتاً این چیز ها را که می‌شنوم مات ومتحیر می‌شوم همان اشخاصی که حالا یك جزء عمده این اکثریت را تشکیل میدهند روی همین کرسی خطابه اعتدالیت خودشان را اظهار کردند آنها هستند که باکمال جرأت و جلادت بوظیفه خودشان عمل کردند وبنده آنهارا تقدیس می‌کنم وتبریك‌می گویم ولی این‌اکثریت چطور پروگرام ندادند یعنی بنده باید بروم منزل وشش پروگرام ازشش فرقه مختلف بیاورم و ثابت بکنم که فرق مختلفه درمجلس‌هست چطورمیتوانند بگویندکه درمجلس حزب اعتدال نیست وحال آنکه ازاول میگفتید که درمجلس یك طایفه لقب اعتدال را برای خودشان قبول کرده‌اند ویك طایفه‌لقب انقلاب را برای خودشان گذاشته اند وآنها انکار کردند که ما انقلابیون نیستیم وپروگرام خودشان را طبع و منتشر کردند و آنها حزب دموکرات بودند و۲۱ رأی داشتند ودادند وحالا هم بنده‌از طرف حزب خودم (یعنی حزب دموکرات) امروز افتتاح اینکار را میکنم‌ومیگویم ۲۱ رأی‌درمجلس هست که این مرامنامه وپروگرام اوست وتقدیم‌میز ریاست می کند ومیگوید من این نظرات سیاسی و آرزوی اینکار ها را دارم ودر اقلیت هم هست و مسئول مملکت هم نیست ومیخواهم این اکثریت ثابتی که میفرمایند تشکیل شده است باندازه یك اقلیت قدرت پیدا بکند و بیاید روی همین کرسی خطابه و مطابق قانون پروگرام خودش را روی میز ریاست بگذارد و همین طور که بنده امروز ازجانب اقلیت فریاد میزنم که‌مسئول مملکت نیستند کابینه‌را نمیتوانم‌نگاهدارم‌وتقاضائی رادر این دوره تقنینیه‌نمیتوانم بمحل اجرا بیاورم آنها هم درکمال قدرت در کمال عظمت در کمال همه‌چیز بیایند امروز رااول تاریخ واول روزتاریخی ایران حساب میکنند و امروز را ثابت بکنید که اول روز دوره مشروطیت ایران است و حزب های مختلف که‌این اکثریت ثابت رامعین کرده‌اندواین ما راتشکیل‌داده‌اند که‌عبارت‌از۴۸ رأی است‌بیایند اینجا ودر کمال آزادی معین بفرمایند وهر کس هم‌چنانچه‌بنده‌میدانم‌میشناسم(منتهی وکلارانمیشناسم) معین بفرمایند ودر کمال آزادی‌بیایند اینجاوبگویند ماسی نفردارای این پروگرام‌واز حزب اجتماعیون اعتدالیون میباشیم ماشش نفرازحزب ترقی خواهان هستیم واین مرامنامه ماست ماچهار نفردارای این پروگرام واز حزب اتفاق وترقی‌میباشیم چون‌بنده این احزاب‌راکاملا نمی‌شناسم‌مثل‌اینکه یك‌پروگرام دیگری درخارج بود دیدم که نوشته بود مرامنامه اصلاحیون‌عامیون واگر هستندآنهاهم بیایندبگویند میگویند یك جماعتی‌هم هستند که‌بی‌طرفند ولی بنده معنی بیطرفی‌راهیچ نمی‌فهمم‌میخواهم کسیکه‌مسئول مملکت است وباید برای مملکت خودش کاربکندو لغت‌بیطرفی‌را استعمال میکند یعنی‌من‌نه بااین‌طرفم نه‌با آن طرف نه‌این راقبول دارم نه آنرا‌پس‌لابد خودش یك چیزی راقبول‌دارد مثلا اینکه میگویند انتخابات باید مستقیم باشد و یك نظر سیاسی دارد یاغیرمستقیم اولابد یکی ازاین دوتا را قبول دارد بااینکه یك‌شق‌ثالثی راخواهند گفت که‌من آن‌طریق راقبول دارم پس‌این‌حزب هم یك‌حزب تازه‌خواهد بود که‌باید اوهم خودش را معرفی بکند ومرامنامه خودش را منتشر نماید والا گمان‌نمیکنم کسانیکه مسئول امور مملکت هستند ومیخواهند هیئت‌دولت راتشکیل بدهند کسانیکه‌میخواهند سعادت‌وشقاوت مملکت رابدست‌بگیرند چطور میشود که‌بیطرف باشند وچطور حفظ حقوق موکلینش راخواهند کرد انتخابات رامستقیم خواهد دانست یاغیر مستقیم پس بیطرف یعنی حزب ثالث‌یعنی حزب‌رابع یعنی‌حزب خامس پس‌بنده عرض میکنم‌اول کسیکه درمملکت ماودر تمام ممالك معروف است به‌علم و اطلاع و امروزه ازآن‌عالمتر وفاضلتر ایرانی نداریم وتمام مردم باو متوجهند وجود مقدس آقای ناصرالملك نایب السلطنه این مملکت است و یك همچو شخص‌عالمی یك‌همچوشخص‌خیرخواهی‌اوامروزدوای درد مملکت مارا دوای‌پریشانی‌های ماراکه ازبرای ما صلاح‌میدانند این را دانسته اندکه اکثریت‌ثابت درمجلس تشکیل بشود وبعدهم یادداشت مرقوم فرموده‌اند ووقتیکه ایشان این مطلب را میفرمایند یا اینکه‌محققاًازتمام چیزها وتمام ترقیات‌مشروطیت اطلاع دارنداگرما بخواهیم آنچه راکه میخواهند انجام ندهیم آنوقت باعث این خواهد شد که هم رنجش خاطر ایشان فراهم بیاید وهم اسباب این بشود که‌کار مملکت‌امروز که‌اینقدر مشکل شده‌است مشکل تر بشود وآن وقت علاج پذیر نخواهدبود پس خوب است هرکاری می خواهیم بکنیم زودتر اقدام بکنیم و نظریات سیاسی خودمان را معین بنمائیم وبرای اطمینان خاطر ایشان عرض بکنیم تا اینکه ایشان بدانند که این هیئت وزرائی‌را که معین میکنندا گرازحزب اجتماعیون اعتدالیون‌تعیین میکنند فلان عده اوراق سفید ورأیهای ثابت آنها آنهارا نگاهداری‌میکنند وهیئت وزراء وقتیکه‌وارد این فضا میشوند بدانند این اشخاص رأی اعتماد به آنها دادند برای اینکه چنانکه عرض کردم‌حکومت را درهرجائی ازممالك مشروطیت بااکثریت داده‌اند واکثریت درهرجائی حکومت مملکت را در دست میگیرد و علنی است و در اینجاهم اگر اکثریت ثابتی‌تشکیل باشد علنی باشد از برای اینکه کسی مسئول مملکت باشد و از او سوء استفاده‌بکنید در مقابل آن اقلیت‌حاضر باشد واین ترتیب هم در تمام جاهاهست که‌مجلس‌آنها دارای احزاب‌مختلف است وباید همینطور هم باشد برای اینکه بعقیده بنده اگرمجلس از یك حزب باشد و دارای فرق مختلف نباشد آن مجلس هیچ فایده ندارد بجهت اینکه مثل یك نفر سلطان مستبد می شود هر – چه دلشان خواست‌یعنی‌میل سردسته هاشان شده‌عمل میکنند پس‌مجلس باید دارای احزاب مختلف‌باشد وهریکی از احزاب که اکثریت پیدا کرد اوشروع میکند باداره کردن کارهای مملکت وهرجائی که کج رفت اقلیتش در مقابل اوهست می آید بالای کرسی خطابه‌ومیگوید آقایان اکثریت ثابت‌آقایانی که حکومت مملکت را در دست گرفته اید اینجا کج رفته ایددرست مطابق قانون رفتار بکنید وهمین موقع‌است که اقلیت‌بوظایف خود باید رفتار بکنند که من از آقای‌رئیس اجازه بخواهم ومقاصد اقلیت وخلافهای اکثریت را در اینجا عرض می کنم ومیگویم اینکاری که کرده اید برخلاف‌این چیزی است که گفته اید ولی این اکثریت ثابت چنانکه عرض کردم بارهم تکرار می کنم که باید علنی باشد و چون از طرف

اقلیت عرض میکنم که اقلیت کاندیدای رئیس‌الوزراء و کاندیدای هیچ وزیری را ندارد وهیچ تقاضائی هم ندارد اقلیت این کرسی خطابت را دارد که بیاید در اینجا و اعمال اکثریت را تنقید نماید و خیالات خودش را بعموم مردم بفهماند اگر شنیدند چه بهتر اگر نشنیدند که خود را مسئول نداند و در انتخابات جدید از تنقیدات خودش فایده ببرد و بگوید این اکثریت بود که این کار ها واین خطا هارا کرد این اکثریت بود که حقوق شما را نگاه نداشت این ها را بینیدداین دفعه از این‌حزب انتخاب نکنید و ماهمین‌طوریکه اعمال آنهارا تنقید کردیم همین طور کار هارا اداره میکنیم وترتیب امورات‌را می دهیم این عقیده سیاسی بنده بود بعضی آن چیزیکه‌بنده مختصراً از ترتیب‌مشروطیت می دانم این ها است‌که عرض کردم واینکه ما تا امروز هرچه خواستیم از مشروطیت استفاده بکنیم نتوانستیم بواسطه این بوده است که این چرخش را درست کار نگذاشته ایم و بنده که می گویم احزاب سیاسی در مجلس باید علنی باشد برای‌یك نظر عمده است که دارم و آن نظر این است که امروزکه احزاب درمجلس علنی نیست اگر اکثریت یك کاری بکند بمجلس بر میخورد میگویندمجلس ومشروطیت این خلاف راکرد اما وقتی‌که احزاب سیاسی معین بشود نمی گویند مشروطیت خلاف کرد و از مشروطیت کسی بدنمی گوید وهیچ‌تنفری از مشروطیت برای مردم حاصل نمیشود همه می گویند این حزبی ... در مجلس اکثریت داشت خلاف‌کرد و ازآن حزب متنفرمی شوند ولفظ مشروطیت را همان طور که مقدس است مقدس می گذارند این است فایده علنی شدن فرق ولی چون این مسئله نشده است این است که این کارهائی که در این مدت شده شمشیر دست ارتجاعیون شده‌است و می گویند این مشروطیت است که نتوانست کار بکند نمی گویندواین اکثریت نتوانست‌کار بکند واین دفعه اگراز اقلیت‌انتخاب بکنید بهتر کار خواهند کرد بالاخره بنده بعد از تمام این‌زیادگوئیهاچندتقاضا دارم که اگرآقایان میل دارند جواب بدهند اگرچه نباید این‌اظهار را بکنم اماچون طرف اقلیت هستم ودراقلیت واقعم باید بگویم و درخارج مدلل بکنم اولا میخواهم ازاین اکثریت درکمال ادب واحترام‌سؤال‌بکنم که این (مائی) که‌میفرمائید تشکیل اکثریت داده‌است می‌فرمائید(ما) ۴۸ نفرهستیم به‌بنده معرفی‌بفرمائید دویم اینکه این (ما) که دارای اکثریت است ازچند عنصر تشکیل یافته است و مرکب از چند فرقه‌است واحزاب‌مختلفه رامعین بکنید و پس‌از آن اگر ممکن است و محرمانه نیست اگر چه در مملکت مشروطه هیچ محرمانه نیست آن پروگرام آن(بلوك) آن نوشته ائتلاف‌را که نوشته اند ارائه بدهید که ماهم بدانیم‌که میخواهید به‌مضمون کدام ائتلاف نامه وپروگرام رفتار بفرمائید برای اینکه امورات مملکتی لابد بسبك ترتیبی که در نظر گرفته اید و روی کاغذ آورده‌اید می‌خواهیداداره بکنید نه اینکه بفرمائید [ما] اکثریت داریم هیچ بشما نشان نمیدهیم میگذاریم توی جیب خودمان‌و هیچ نمیگوئیم شماهم دراقلیت هستید هروقت‌آمدید حرف بزنید تقاضای رأی می کنیم چهل وهشت رأی میگیریم براینکه شما مهمل میگوئید ولی‌این ترتیب‌گویا ترتیب مشروطیت نباشد وبنده‌ولواینکه دراقلیت‌واقعم‌واکثریت مراتکذیب میکندلازم‌میدانم که این استفاده را بکنم که معین بفرمائید که این‌احزاب‌سیاسی‌چیست‌وپس‌ازآنکه‌معین کردند‌آراء هر کدام ازاین‌حزبها راهم معین‌بفرمائید که‌هرحزبی چند رأی دادند وبنده چون بی‌پرده عرض میکنم لازم می‌دانم عرض کنم که یك روزی از آقای مشیر حضور اگرچه ایشان را بنده می‌شناسم که از حزب اتفاق و ترقی هستند ولی چون بنده از هریك می‌پرسم‌سئوال کردم ایشان فرمودند ازحزب اتفاق و ترقی هستم وغیراز من‌هم باز هست و بنده نمی‌توانم فرمایش ایشان‌را رد بکنم زیراکه بعداز این جواب ایشان ازهر کسی سئوال میکنم که شما ازحزب اتفاق وترقی‌هستید‌جواب نمی‌دهندمیگویند آن روزیکه پرده‌ها برداشته شد معلوم می‌شودولی امیدوارم که آنروز صحرای قیامت نباشد در این دوره مشروطیت ودراین‌دوره ثقنینیه ودراین‌مملکت بباشد زیرا که ما می‌خواهیم از این مشروطیت استفاده بکنیم و برای این مملکت کار بکنیم و الا بعد از اینکه این وکلا مدت انتخابشان تمام شد ورفتند‌که‌فائده نخواهدداشت پس‌خوب‌است معین بکنید که این احزاب سیاسی کیها هستند بنده حقیقة عرض میکنم که‌فرضاً یك ۴۸ نفر اسمی اینجا نوشته شده است آیا باید دانست که این ۴۸ نفراسمی که‌نوشته‌شده‌است کی‌هاهستند‌ودارای چه‌مسلکی‌می‌باشند یاخیر مثل‌اینکه بعضی‌از آقایان هستند مثل آقایان حاج‌سیدنصرالله آقای‌مشیرالدوله آقای مؤتمن‌الملك‌دکترعلی‌خان که‌در روزانتخاب رئیس‌هم عرض‌کردم ونمی‌دانم که ایشان هم جزو این حزب اکثریت هستند یانیستند می‌خواهم بدانم نه‌تنها خودم بلکه تمام‌افراد این‌مملکت می‌خواهند بدانند تااینکه بدانند مسئول این مملکت کیست وچه‌اشخاصی جزء این‌اکثریت هستند و هرگزقانع نیستم یعنی متقاعدنمی‌شوم بااینکه بگویند هرروز که‌آقای‌نایب‌السلطنه هیئت‌وزراءامعین و می‌فرستند به‌مجلس آن روزورقه‌سفید آبی معین وپیدا خواهد شد برای اینکه دراین‌مدت هرچه اکثریتی که‌در این مجلس حاصل می‌شد فردای‌آن‌روزمی‌بینیم که تغییر پیداکرد پس نه‌تنها ما بلکه تمام ملت باید بدانند که‌یك‌اکثریتی‌درمجلس‌هست وآن اکثریت کیست وآن اوراق سفید وآبی ثابت‌است یااینکه فردای‌آن روزنابیدا خواهدبود .

متین‌السلطنه — در اینکه درمجلس یك اکثریتی لازم‌است دراین‌هیچ حرفی نیست واین را شاهزاده سلیمان میرزاخوب بیان فرمودند که‌تابحال یك اکثریتی ثابته‌درمجلس نبوده‌است بلکه‌اکثریت همیشه متزلزل بوده‌است و بهمین جهت است واگر رجوع‌بسابقه کارهائیکه ازمجلس گذشته‌است‌بکنیم خواهیم دید که‌عقاید سیاسی‌آن‌دسته که‌خودشان‌را دارای اکثریت می‌دانسته‌اند ابداً دخیل در جریان کارهای سیاسی وکارهای‌مملکتی نبوده‌است‌وجهتش هم واضح است جهتش این‌است که‌آن فرقه‌وحزب اقلیت یك‌طریقه مشی معینی داشتند که از روی آن‌راه میرفتندولی‌آن فرقه‌یا اکثریت معرفی‌می‌شدند یك‌طریقه‌مشی‌معینی اتخاذ نکرده‌بودند این بود که خواهی‌نخواهی عقاید اقلیت مدخلیت داشت و فرقه اقلیت حاکم بود پس‌اگر بخواهیم مسئولیت گذشته وتا بامروزرامعین کنیم باید به‌عهده اقلیت‌بگذاریم ولی حالا امیدوار هستیم باظهاراتیکه والا حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه شده‌است اکثریت‌درمقام برآیند وبدانند که‌چه می‌خواهند ولی برای اینکه اقلیت هم می‌دانند که‌اکثریت چه‌می‌خواهندلازم‌شد که حزب اکثریت مقاصد خودش‌را اظهار بدارد وحزب اقلیت از فراریکه خودشان گفتند از حیث عده‌همیشه‌اقلیت‌داشته‌اندلکن‌چنانچه‌عرض‌شدنه‌بواسطه آن روش متعدانه اقلیت حاکم بوده ولی این را نیز بایسته دانست اگر چه در آتیه عقایده این اکثریت کاربر نشود باز سلب مسئولیت از اقلیت نخواهد کرد زیر اگر غیر از این باشد در واقع آن وقت اکثریت‌اجازه داده است بیك‌هیئتی که در مقابل اکثریت اقداماتی بکنند که شاید پسندیده نیست در هرحال آن اشخاصی که درعقایه خودشان بهم نزدیك بوده اند یك اکثریت ثابتی تشکیل داده اند ودر یك‌مواد عملی اتحاد کرده‌اند که ربطی بآمال و آرزوهای مسلکی ندارد وخود بنده عقیده ام این است که اگر سئوال بکنید کدام حزب من حیث المسلك که تا بحال اکثریت داشته است نمی‌توانم بگویم اجتماعیون اعتدالیون از حیث عده اکثریت داشته‌اند یاحزب دیگر پس برای تشکیل یك‌اکثریت ثابت پارلمانی ازیك‌فرقه سیاسی این‌جا کمان نمی کنم اکثریت تام حاصل‌شود و لازم است باینطوریکه گفته شد ائتلاف احزاب و فرق شود یعنی در یك پروگرام عملی اتحاد کنند چنانچه یك عده این اتحاد را نموده اندواین است‌در این‌هفت ماهه این‌پروگرام عملی را به‌مرقع اجرا بگذارندتفاوت این‌پروگرام عملی باآن پرگرام مالی این‌است که شاید‌بالاخره هیچ مخالفی نداشته باشدو فوائدی‌که این داردواین است که معایبی که در کابینه‌آقای مستوفی‌الممالك واردآمد در آینده‌وارد نخواهد آمد تمام آقایان بخوبی درنظردارندکه‌وقتی‌که کابینه مستوفی‌الممالك معین شدیك پروگرام مالی ارائه دادند که‌هیچوجه ممکن‌نبود که بآن‌پرگرام نائل شدیك‌جزءپروگرام تعمیم معارف بود چنانچه در تمام پروگرام های مختلف مسلکهای مختلف این مطلب هست واین‌را نمی‌توانیم بگوئیم پروگرام عملی است یعنی‌بدانیم که این تعمیم معارف از کجا شروع‌شده و یا بچه شکل‌اقدام می‌شود حالا این اکثریت یك‌پروگرام عملی درنظر دارد که صریح وواضح است و دراین چندماهه‌قابل‌اجراخواهدبودواینکه گفتندرأی‌بالاتفاق درباره آقای مستوفی‌الممالك داده شد وفردای‌آن روز مخالف پیداشد صحیح است وبرای اینکه‌آن موقعی که رأی بالاتفاق میدادند نمی‌دانستند برای چه رأی‌می‌دهند بعد که یك اتفاقی میافتاد که شاید

برخلاف‌مصلحت‌عامه‌میدیدند بوظیفه وکالت‌خودشان عمل می کردند واستیضاحات بود که خواسته میشد پس برای اینکه این‌اتفاق نیفتد یعنی ازکابینه که بمجلس معرفی می‌شود بی‌جهت استیضاح‌وسؤالهای بی‌موقع‌نشودیااینکه‌معلوم شوداز کابینه‌چه‌می‌خواهند نتیجه این‌شد که آن اکثریت که ثابت خواهد شد مواد عملو خودشان راروی‌کاغذ بیاورند و ازکابینه بخواهند وآن مواد آرزو وآمال نخواهد‌بودچیزی است که‌دراین‌دوره‌می‌توانند اجرانمایندحالامیگویند آن اشخاصی که این‌پروگرام رادادند معرفی‌شوند واین موادرابشمایاننددردویااینهاخوب‌است لکن از عقیده بنده این است که تجزیه باین عنوان که گفته نشود بااینکه‌همه می‌دانند که‌تابحال‌اختلافات شخصی کمتر بود بلکه بیشتر اختلافات پلتیکی‌بود معذلك چقدر درخارج از این نظریات مختلفه‌سوء استفاده کرده‌اند واین درصورتی بودکه در خارج این تجزیه معلوم نشده بود واگر درخارج‌هم معلوم شود خواهیددید که‌چقدرسوء اثرمی‌بخشدمعهذاهیچ اصراری نداریم‌دراینکه‌آن اکثریت ثابت‌درمجلس معلوم نشود وخودش‌را بسایرین معرفی نکندوبلکه موادی را که نوشته‌اند بسایرین ارائه دهند شاید بالاتفاق پذیرفه‌شود این‌است نظریات بنده راجع باکثریت وپروگرام‌عملی‌یك چیزدیگر هم‌لازم‌است دراینجا گفته شود وآن این است که والاحضرت اقدس‌آقای نایب‌السلطنه دردستخط آخری‌خودشان وهم در دستخط‌اولی‌اشاره‌فرموده‌بودندبلکه تأکیدو اصرارفرموده‌بودندبااین‌مطلب که‌استعفای‌آقایان‌وزرا ودست کشیدن آنها از کار صحیح نیست و قانونی نیست واین لازم است اینجا گفته شود که‌نمایندگان محترم همه متوقع خواهند بود که این رعایت را آقایان وزراء بکنند ومادامی که وزرای جدید معرفی نشده‌اند دست ازکارنکشند ملاحظه‌بفرمایند یك مستخدم کوچکی را هیچکس و هیچ قانونی اجازه نمیدهد که قبل از آنکه دیگری بجای او نیامده است دست ازکار بکشد چگونه میتوانیم و چطور تصور میشود که رئیس‌الوزرای یك‌مملکتی اینطور دست از کار بکشد و بروند خانه خودشان بنشینند امیدوار هستیم که ایشان کناره نکنند ومشغول کار بشوند تا کابینه بمجلس معرفی شود والبته‌آنها هم پروگرام عملی را می‌بینندوپروگرام خودشان را مطابق آن می نویسند و نمایندگان هم مطابق همان پروگرام از آنها عمل خواهند خواست ولی مادامی که اینکار نشده است دست کشیدن از کار بر خلاف هر قانون ومضر بحالت‌امروزی است [بعضی اجازه خواستند واظهارکردند که دراین خصوص باید مذاکره‌شود که خیلی‌مهم‌است]

رئیس - صحیح‌است ولی آقایان تشریف‌می برند اگر باید مذاکره بشود تشریف نبرند تا مذاکرات بشودحالا عده‌کافی‌نیست .

حاج آقا - این یك مطلب مهم فوق العاده است که مذاکره شده باید مذاکره شود و نتیجه‌از آن گرفته‌شود .

وزیر امورخارجه - هرکسی‌قانوناً حق استعفا دارد وهیچ کس نمی‌تواند بگوید کسی حق ندارد استعفا بکند مشکلات مملکت را هم وزراء زودتر‌ازهمه حس‌میکنند آنروز مرحوم صنیع‌الدوله کشته شد جهتش چه بود شاهزاده عین‌الدوله هم‌که وزیر داخله بود مدتی است نیست همه میدانید که وزیر عدلیه هم نبوده است یك هیئتی‌که چهار نفر هستندااینهاماندهاندآقای ستوفی‌الممالك‌هم‌که‌تشریف نداشته‌اند لکن‌این‌چهار نفردر کمال‌سختی وجدیت مشغول‌کارند ونگفتنداستعفا میکنیم وخدمت هم‌می کنند ولی از آنجائی که‌مشکلات مملکت را باین حد دیدند ناچارندکه اظهار بکنند که بایستی‌زودتر نهایت باینکاردادمسلم است‌که‌بنده، و آقایان‌کلنیك های بنده‌کاری‌بحزب‌وفرقه واین حرفها نداریم‌لکن میخواهم عرض‌کنم این مذاکرات چقدر طول‌می کشد نمی دانم آن‌یك مطلب علیحده است ولی‌کار مملکت را نمی توان‌تاخیر انداخت ومنتظر این حرفها شد امروز نمی شود این مطلب را به فردا انداخت اگر اکثریت مجلس همین طوریکه می فرمائید ومعتقدید باینکه صحیحا کاملا حاضراست عده‌اش یك‌کمیسیونی منتخب‌کنند بفرستند که باآقای‌نایب‌السلطنه مذاکره‌کنند وداخل‌کار شوند ومملکت را بیش‌ازاین معطل نگذارند .

[دراین‌موقع بعضی اجازه خواسته بودند .]

حاج آقا - اجازه میفرمائید

رئیس - نوبت بشما نرسیده است — (حاجی آقااین‌مسئولیت‌که‌گفته شداینجاتعمیم داشت وشامل همه‌بود بایدتوضیح‌شوداجازه بفرمائید عرض‌کنم .)

رئیس — سی‌نفراجازه خواسته‌اند و ده نفر مانده است تا بحضرتعالی برسد و کافی نیست پس آقایان تشریف نبرند که مذاکره شود .

هشترودی - به بنده اجازه بدهید دو کلمه اینجا لازم است عرض‌کنم وبنده پروتست کردم بهردو طرف بجهت اینکه ازهردو طرف خارج از موضوع صحبت میشود.

وزیرچنك — بنده مکرر دیده‌ام که در جراید فرانسه نوشته اند که اتفاق افتاده است که پارلمان ۲۴ ساعت ۴۸ ساعت سه روز متوالیاً کار کرده‌اند یعنی کار مهمی اتفاق افتاده است که در سه شبانه روز چهار پنج ساعت خوابیده‌اند والباقی را کار کرده‌اند برای یك کار عمده که پیش آمده است واین مسئله راکه‌آقای نایب‌السلطنه نوشته‌اند و اینجا هم مکرر مذاکره شده است و امروز هم اهمیت‌دارد باید خیلی مدانه ومذاکره بشود وخیلی وقت لازم دارد لکن بنده یك چیزی را لازم است عرض‌کنم که چون بنده هیچ وقت از پلتیك ژنرال حرف نمی زنم ازکار سربازی خودم حرف نمیزنم همیشه عرض میکنم کار وزارت جنك بقدری مهم است که هرساعت بنده منتظر یك اقدام ناگواری هستم ازتبریز وشیراز وجاهای دیگر بهتراین است که هرچه زودتر تعیین تکلیف شود وزود وزرای مسئول معلوم شوند راست‌است که ما ها حاضرباشیم وکار بکنیم بنده پریروز تب‌کردم حالاهم تب‌دارم اما وجود من فایده ندارد من‌طرفم وزیرمالیه است باید او حاضرباشد با او مذاکره‌کنم که فلان پول را بقشون فارس برساند - بنایب السلطنه میگویم میگوید من طرف نیستم بوزیرامورخارجه میگویم میگوید من وزیر امور خارجه هستم بکی بگویم یك طرفی من باید دردست داشته باشم مکرر این مسئله را بنده چندین مرتبه علیحده علیحده بوکلا گفته ام که موقع خیلی باریك است و خیلی مهم است باید فکر کار های مملکتی باشید حالا لازم است دراین ساعت دراین دقیقه فوراً درمجلس‌علنی بگوئیدکه اکثریت با فلان حزب است یافلان فرقه است بروید بنایب‌السلطنه برسانید ثابت‌کنید که این اکثریت ما ها هستیم تا اوهم‌کابینه راکه‌مطابق اکثریت است بمجلس معرفی‌کند بما مربوط نیست که با احزاب طرف باشیم میخواهیم این‌ساعت حال مملکت را بفهمیم میخواهیم اول بفهمیم بدانیم که وزیر هستیم یا نیستیم اگروزیرهستیم برویم طرح های خود را پیداکنیم اگروزیر نیستیم برویم خانه های خودمان بی‌کار خودمان باشیم .

ادیب‌التجار — موقع مملکت باریك تر از این است که بمحض مذاکره یاگفتگو یا خدای نکرده ببعضی چیزهای دیگرکه تصور نمی‌کنم در اینجا باشد وآن شخصیت‌ونفسانیت است‌که انشاء الله در این مجلس نیست اظهاراتی که در اینجا شد چند مسئله بود یکی ازآنها راجع بدستخط آقای نایب‌السلطنه درخصوص اکثریت و یکی درخصوص وزراء اینجا صحبت شد اما در خصوص اکثریت اکثریت بوده است ومن سلب نمیکنم مسلك را از آقایان البته مسلك داشته اند لکن آن اکثریت مسلکی که مقایسه کنید با ممالك خارجه آن نبوده است بجهت‌اینکه اشخاصی‌که آنهارا وکیل کرده‌اند خودشان مسلك نداشته اند یعنی مسلك های فرق سیاسی اروپا را نداشته اند یعنی بنده را اشخاصی که انتخاب کرده‌اند فرق سیاسی نبوده‌اند لیبرال ها نبوده اند دموکراتها نبوده اند فرقه اجتماعیون اعتدالیون نبوده اند - کنسرواتور هم نبوده اند بنده را موکلین من وکالت داده‌اندکه حفظ حقوق آنهارا بکنم باندازه‌که بتوانم و همینطور هم در مسلك مستقیم خودم با آن اندازه که توانسته ام رفتارکرده‌ام‌ووظیفه‌خودرادرحفظ‌حقوق‌موکلین‌خودم بجاآورده‌ام واما اینکه‌والاحضرت‌آقای‌نایب‌السلطنه اشاره فرمودند باحزاب‌که احزاب‌هستند لفظ‌احزاب را من سابقاً از تلگراف مبارکشان شنیدم که حالا وجود خارجی پیداکرده‌است عقیده‌شان این است که این احزاب ازروی یك قاعده صحیح باشد یعنی عقیده‌شان این‌است که پارلمان پارلمان بشود باین جهت این یك حزبی‌که‌هستند ومختلطندبرای‌حصول مقصود آقای‌نایب‌السلطنه‌که فرموده‌اند یك‌اکثریت ثابتی باید درمجلس باشد و در تاریکی‌کار نکنیم و علنی کار بکنیم فرمودند که یك اکثریت ثابتی حاصل‌شود درمجلس که چهار روز دیگر که وزراء معرفی‌شدند درمجلس برخلاف آنها رفتار نشود و اگر رفتار شد آن اکثریت حافظ آنها باشد و از آنجائی‌که آقای نایب‌السلطنه‌را منتخب عموم ملت

می‌دانسته‌اند باین جهت هیئت اکثریتی تشکیل شده است و بنده‌هم ازآن حزب اکثریت هستم وخرابی های گذشته‌را این حزب میخواهد مرمت بکند و به حضرت رئیس هم گفته شد که اکثریت هست و مقصودشان و نظرایشان این‌است چون مرامنامه یك چیز اساسی است که برای بیست‌سال سی سال‌دیگر باید کاملا نوشته‌شود ما در این چندین ماه که آمدیم در این مجلس نشستیم نتوانستیم کارهای جزئی که برای این‌موکلیت مالازم است از هیئت‌دولت‌بگیریم چطور می‌توانستیم باین‌زودی یك مرامنامه بنویسیم و این‌را تجربه کردیم که آقای رئیس‌الوزراء آمدند اینجا و پروگرام اساسی ومرامنامه خودشانرا دادند به مجلس و آنها را هم دیدیم که چطور اجرا شد لهذا ماها بی غرضی خودمانرا ثابت می کنیم و با اینکه احزاب مختلف هستیم با هم ائتلاف میکنیم و پروگرام خودمان را معین می کنیم لذا بجهت بقیه این ایام وکالتمان بطور فوریت موادی‌نوشته‌و تقدیم رئیس مجلس گردیم و تقدیم حضور آقای نایب‌السلطنه‌هم میشود و عنقریب قلب مبارکشان‌را مطمئن خواهیم کرد واما درخصوص‌استعفای آقای رئیس الوزراء واظهارات والا حضرت نایب‌السلطنه خودشان فرمودند که این استعفا بی‌محل بوده است این‌استعفا بی‌قانون بوده‌است‌این‌رااز‌دولب‌مبارکشان شنیده‌ام و اما آقایان وزراء شش‌ماه است سر کار بوده‌اند امروز که‌حضرت نایب‌السلطنه‌تشریف‌آورده اند همین دوروزه متزلزل شده‌اند و با این تاکید هم که وکلا میکنند و این ترتیبی که وکلا یك اکثریتی پیدا کرده‌اند که مملکت اداره‌شود و یك ترتیبی در امورات حاصل کرده شما تزلزل پیدا کرده‌اید تا آنساعتیکه‌درمسندوزارت‌هستید‌اداره‌مملکت مسئولیتش‌باشما‌است‌درکاربابد باشید واما‌اینکه‌اینجا بعضی‌از آقایان‌اظهار داشتید که اکثریت خودشان را معرفی بکنند ومعین بکنندبنده گمان‌می کنم‌درخارجه همچنین‌چیزی‌نباشد که‌یکان‌یکان‌بیایندخودشان‌رامعرفی بکنندکه ما جزء این اکثریت هستیم بنده بجهت اشد لزوم این‌مملکت وبجهت این که آقای نایب السلطنه فرمودند که اکثریت ثابت باید در مجلس معین باشد جزء این‌اکثریت‌شده‌وجزء آن‌اکثریت هستم سبب این اکثریت اصول‌کارهای این مملکت رامرتب بکند یعنی کابینه باستظهار این اکثریت کارها را مرتب بکنند و امیدوارم این اکثریت کمال همراهی باآن کابینه که والا حضرت‌اقدس آقای نایب‌السلطنه معین می فرمایندتا‌آخرین‌نفس همراهی کنند .

معاضد‌الملك — اینجا خیلی‌مذاکرات مختلف شد وبنده چیزی که‌حس کردم سه مقصود اینجا بنظر بنده‌رسید که آنها را یاد داشت کردم که بنظر بنده باید در آن مقاصد فرد فرد قدری مذاکره شود یکی مشروطیت است دویم اکثریت است سیم مسئولیت بعداز آنکه این سه‌فقره معلوم شد و ثابت شد داخل پروگرام و مسلك می شویم خیلی تمجید می کنم نطق شاهزاده سلیمان میرزا راکه فرمودند مشروطیت بمنزله یك ماشینی است مثل ساعت ودارای چرخهای معین که‌اگر یکی‌از آنها مفقود شد ساعت ممکن نیست‌کار بکند‌وتمام چرخهای دیگر از کار می ماند پس‌مابابد به‌بینیم ملت آنکه ۱۵ ماه بلکه ۱۶ ماه است که‌مجلس شورای ملی افتتاح شده چه شد کـه چرخ اداری مـا درست نمی‌گردد بنده تصور می کنم که‌یکی‌از آن چرخهای خیلی بزرك مشروطیت که اساس مشروطیت واکثریت مجلس و مسئولیت را مبنی بر آن می دانیم مفقود کرده‌ایم عقب فروعات می گردیم گاهی میگوئیم اکثریت مجلس متزلزل است گاهی می گوئیم اقلیت و اقلیت را هم متزلزل می دانیم بدیهی است وقتی که مسئولیت نبود همیشه ممکن است سر دسته های فرق از پروگرام خودشان تجاوز کنند و بترتیب مختلف‌اکثریت را متزلزل‌کنندخیلی تعجب‌میکنم اگر گفته شود که اکثریت اثبات نیست یا گفته شود که اکثریت ثابت نبوده است بنده مخالفم باین اظهارات و عرض میکنم‌مادامیکه‌این‌چرخ های مشروطیت را هم بپوند نکرده ایم ممکن نیست یك اکثریت ثابتی در مجلس پیدا شود ودر اینجا گفته شد که اکثریت مجلس باید خودش را معرفی کندکه کیها هستند بنده عرض میکنم‌اکثریت مجلس یکی بنده فرضاً دو سال در اینجا بودم و خدمت نکردم بعد مرا بکشید چه فایده دارد برای مملکت و ملت‌چه فایده دارد شاهزاده‌سلیمان میرزا می‌فرمایند موکلین بدانند بعد از این این قبیل اشخاص‌را انتخاب نکنند آن موکلی که امروز در آتش می‌سوزد برای او چـه فـایده دارد شما وعده میدهید باوکه بعد از دو سال فـلان فرقه را انتخاب نکن امروز چه حاصلی برای او دارد پس این حرف ها فایده ندارد و اصلاح حال مملکت‌را نمیکند - مشروطیت یـك اساسی را دارد و یك آلات وادواتی که تا آنها را بهم متصل نکنیم کار نخواهد کرد هرگاه آن‌آلات را بهم متصل گردید آنوقت ممکن است‌عراده مشروطیت‌میگردد درهر مملکتی که مشروطیت دایر شداول یك هیئت‌مؤسسه دارد که آن هیئت مؤسسه در واقع از ملت‌منتخب هستند و فوراً قوای مملکت را بسه قسمت تقسیم می‌کنند اول قوه مجریه دوم قوه مقننه سوم قوه عالیه آن هیئت مؤسسه موقتی است بعد از اینکه قانون اساسی را نوشت تسلیم میکند بقوه عـالیه و او نظارت دارد بقوه مقننه که عبارت است از مجلس شورای ملی است نظارت دارد بقوه مجریه که عبارت از هیئت وزراء و هـر وقت که مجلس شورای ملی نتوانست مقصود خودش را حاصل کند و بواسطه آن فشاری که‌بقوه مجریه وارد کرد وقوه مجریه نتوانست کار بکند فـوری آن قوه عـالیه بواسطه حکمیتی که دارد تصدیق می کند ازطرف ملت که این وکلا نمی‌توانند بوظیفه خودشان‌رفتار کنند و از عهده مسئولیت خود بر آیند واین‌قوه بموجب قانون اساسی ما برده شده بمجلس سنا و در هیچ‌جای دنیا ممکن‌نیست که بگویندحکومت ملی است‌لکن دارای یك مجلس است‌آیا آن‌مجلس مسئول کیست شما می گوئیدمسئول ملت است‌این صحیح است لـکن بچه طریق و بچه راه مـا ها می گوئیم که مسئول ملتیم ملت چه می کند چطور می‌تواند مـؤاخذه در مسئولیت شما می کند اگر ما از حدود خودمان تخطی بکنیم و بوزراء بتازیم اگر ما مثلا همین‌طوری که شانزده ماه است که‌از دوره‌انتخاب‌ما می گذرد فرضاً ماعمل بوظیفه‌خودمان نکرده باشیم‌و از حدود خودمان تخطی کرده‌باشیم ملت بما چه خواهد کرد و آن مجازات معنوی ما چیست و کـجا است آن مجازات همان قوه نـاظره و منصفه است که بما می گویند چون نمی‌توانید یك اکثریت ثابت داشته باشید کنار بروید یك عده دیگری انتخاب کنیم که آنها بتوانند اکثریت ثابت داشته باشندوکار بکنند و بنده‌امروز را مغتنم می‌شمارم و خیلی تشکر می کنم از وجود مقدس والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه راکه یك چنین مطلبی را مطرح فرمودند و موقع‌بدست آمد که بنده درد دل خودم راکه ۱۰ — ۱۲ ماه است می‌خواستم عرض بکنم ومجال وموقع بدست نمی‌آید و نمی‌توانستم‌عرض بکنم‌حالا عرض‌می کنم که مجلس سنا لازم است و ما نداریم وتا سنانداریم باین‌حال دچاریم می گویندمجلس سنامجلس‌اشراف است کدام‌اشراف می گویند حکومت ملی شده‌است بنده عرض می کنم که امروز حکومت ملی نداریم برای این‌که‌ملت نظارت دراعمال‌ماندارد‌برای‌اینکه مامسئول ملت نیستیم و در هیچ جای دنیا نیست که مشروطه باشد و انفصال مجلس شورا نباشد مثلااین حق را یا بشاه می‌دهند یا برئیس جمهور یا بیك مجلس دیگری‌که هر وقت مجلس شورای از حدود خود تجاوز کرد آنقوه جلوگیری کند و بگویدشما تا این درجه حق ندارید پس وقتی این‌جا مشروطه گفته می‌شود مشروطه‌وقتی است‌که‌اساس مشروطیت تماماً برقرار باشد تاوقتی‌که ما آن اساس راکاملا نداشته باشیم و یکی از چرخهای بزرك را فاقد هستیم ممکن نیست مشروطیت کامل داشته باشیم همیشه وزراء مرعوب خواهند بود و همیشه‌که چرخ ادارات دولتی بحال فلج خواهد افتاد پس عقیده بنده این است‌که اولا باید فکری کرد برای رفع این عیب بزرك یعنی آنچرخ بزرگی راکاز دست داده ایم بدست بیاوریم و آنچرخ محکم باشد تا اینکه مابتوانیم مشروطیت داشته باشیم و بگوئیم حکومت ملی داریم و می‌توانیم‌کار بکنیم و بوظیفه خودمان عمل نمائیم امروز مجبوریم مجلس سنا تشکیل کنیم و باید قانون انتخابات مجلس سنا از طرف‌وزراء پیشنهاد بشود وازمجلس بگذرد‌بیچاره وزراء دراین‌مدت‌جرأت نکردندیك‌همچو پیشنهادی بکنند درصورتی که‌مطابق نص‌صریح قانون اساسی اساس مشروطیت جزاً وکلا تعطیل بردار نیست ولی یکی از اساس مشروطیت همین مجلس است و همانطوریکه عرض کردم باوجود اینکه مادارای حکومت‌ملی می‌باشیم وفاقد این جزء اساسی‌هستیم نمی‌توان گفت دارای حکومت‌ملی و مشروطیت‌کامل هستیم و اما حال حالیه که چه‌باید کرد اگر امروز بخواهیم مجلس سنا تشکیل کنیم چون تابحال‌وزراء بجهت مرعوبیت جرأت‌نکردندقانون انتخابات‌مجلس سنارا بنویسند و پیشنهاد مجلس کنند قدری‌معطلی دارد باید فکری فوری بکنیم برای حال حالیه

مملکت آنچه به‌نظر بنده رسیده است اینست که‌یك اشخاصی‌امروز درمجلس آمدند و اتفاق کرده‌اند که ترتیبی برای اصلاحات آتیه بدهند مرامنامه‌همه می‌دانند که آرزو و آمـال است این آرزو برای دوره های بعد است فرضا من آرزو دارم که در دوره های بعد مثلا انتخابات مستقیم باشد دیگری میل دارد که غیرمستقیم باشد این یك آرزوئی‌است برای بعد حالا برای حال حالیه مملکت واز برای رفع خرابی هائی که حالا داریم یك عده از مجلس تقاضا کرده‌اند که آن خرابی‌ها را مرمت بکنند بقدری که ممکن باشد یعنی یك‌حد اقلی برای آن فرض کرده‌اند که مقدور باشد برای وزراء که در این دوره تقنینیه بـآن عمل کنند و آنرا اجراء نمایند مثلا یکی از مسائل در مالیه ایجاد اداره تفتیش است که قرار بود وزرای سابق ما تأسیس نمایند و تاکنون نشده‌است حالا این هیئت‌چندماده را روی‌کاغذ می‌آورند آرزوی‌ما از شما که وزراء هستید اینست که ایجاد اداره تفتیش درمالیه بکنید چنانچه اگر نظر آقایان بـاشد در همان مرامنامه که آقای مستوفی‌الممالك تقدیم مجلس کرد یکی ازمواد‌آن گمان میکنم راجع بتشکیل اداره تفتیش بود تاکنون بهیچوجه اقدام نشده است مثلا دیوان محاسبات ماقـانونی‌نیست چون قانون‌دیوان‌محاسبات گذشته‌است آرزو داریم که دیوان محاسبات قانونی ما تشکیل‌شود که پول دولت حیف ومیل نشود مثلا از وزارت جنك ما نمی‌خواهیم که امروز سی هزار قشون نظامی رفورمه مثل قشون‌آلمان فوری برای ما تهیه کند بجهت‌اینکه می‌دانیم این چیزی نیست که فـوری تهیه شود بـایستی تحصیلات نظامی بکنند مدرسه بروند نظـامی داشته بـاشند و این اسباب فعلا موجود نیست پس اینها آمال و آرزو است‌لکن چیزی راکه امروز ما میخواهیم بوزارت جنك تکلیف بکنیم وبتوانند انجام بدهند این‌است چندباردوی مرتب سیار وساخلو درنقاط لازمه‌ترتیب وتشکیل بدهند که دچار صدمات نایب حسین و بعضی اشرار دیـگر نشویم وعلاج واقعه را قبل از وقوع کرده‌باشیم ومنتظر نباشیم وقتی‌که حـادثه واقع شد شروع بنمائیم مثلا در معارف هـر صاحب مسلکی آرزویش ایـن است که افراد ملت دارای کـمالات وصنایع ومعلومات علمی باشد لکن افراد ملت ما که عالم نیستند حالا چه‌باید کرد برای ترقیات علمی‌آنها امروزچیزی که مقدور ماست‌این است که یك‌پروگرام متحدی را روی‌کاغذ بیاورند که بتوانند از روی‌آن پروگرام تحصیل بکنند که مدتیکه اطفال‌ما تحصیلات میکنند لااقل عمرشان بهدر نرود که دوسال‌یاسه‌سال دریکمدرسه‌تحصیل‌بکنندبعد که‌بیکجهتی‌مجبورمیشوند بمدرسه دیگر بروند درآن مدرسه میگویند بـایـد تجدید تحصیلات کنید وتمام تحصیلات اینمدت را باید دوباره شروع کنید چنانچه دراین مدت اطفال‌مابهمین درد مبتلا بوده‌اند مانمیخواهیم باین زودی‌مدارس‌عالیه تشکیل بکنند دراینمملکت عجالتاً چندمدرسه صحیح مقدماتی تأسیس بکنند درمرکز واین نمونه باشد برای ایالات وولایات نه‌اینکه یك اصلاحات اسـاسی کلی پیشنهاد وزراء کرده باشیم ازبرای تأسیسات و تنظیمات‌مملکتی که امروز ما بعداز آنکه آنراپیشنهاد وزراء کردیم نمیدانیم تکلیف ما بعدها باآنها چیست یك‌مقاصد وموادی را پیشنهاد کرده‌ایم که اگر بعداز چهارماه که وزراء تشکیل اداره تفتیش مالیه‌رانکردند بنده نمیتوانم بگویم چون‌شما وعده کردید که شروع کنید بتأسیس اداره تفتیش و اقدامی نکردید ازاین جهت من ازشما‌استیضاح‌میکنم این‌هیئت‌هیچ‌منظوری جز منافع عامه ندارند فقط میخواهند مملکت آباد باشد ودر این‌مدت هم گمان نمیکنم کسی باکابینه ضدیتی کرده باشد وهر کابینه که معرفی میشده است فرد فرد ازو کلا جدیت داشته‌اند درنگاهداری آن و فرضاً اگر استیضاحی شده‌است بواسطه اتفـاقاتی که برخلاف مصالح‌عامه واقع شده واگر هم‌رأی‌میگرفتند شاید رأی مثبت درحق آن‌وزیر میدادندلکن‌پشتکار آسان است که عرض‌کردم چون مشروطیت ما کامـل نیست وناقص است و چـرخهای اینکار تماماً تأسیس نشده ممکن است که آن اکثریت ثابته‌را دارا باشیم که‌والاحضرت اقدس نـایب‌السلطنه میخواهند و چون عمر دوره تقنینیهٔ نزدیك‌است بآخر برسد بنده تقاضا میکنم بلکه استدعا میکنم که قانون انتخابات مجلس سنارا وزراء پیشنهاد مجلس شورای‌ملی کنند که‌دوره آتیه دچاراین محظورات نشویم وامیدواریم که دراین دوره ازمجلس بگذرد و مسائلی که فـرقه دموکرات یاالاعتدالیون آرزو دارند شاید ده‌سال طول‌بکشد تـا بتوان در آن اقدامی‌کرد مرامنامه یکچیزی نیست که بتوان از روی آن اقدامات وزراء را خواست لکن‌اینهائی که عرض‌کردم چیزی نیست که موادقانونی داشته باشد چون قانون ازبرای سالهای دراز است شاید یك‌اختلاف مسلکی پیدا شود اما اینها‌چیزهائی است که‌گمان نمیکنم اتفاق تام‌هم حاصل شود بجهت اینکه مامیخواهیم ایجاداداره تفتیش مالیه بکنیم کدام وکیل‌است که منکر ایجاد اداره‌تفتیش باشدمامیخواهیم ادارات ما تصفیه شود عدلیه ما بااین همه صداهائی که ازموکلین مـا بلند است اصلاح شود گمان نمی کنم کسی مخالف باشد باینکه بگویند عدلیه‌باید تصفیه شودهمه اتفاق‌دارند که عدلیه باید تصفیه‌شود نهایت در ترتیب‌آن اختلاف ممکن است بشود وترتیب‌تصفیه آنرا وزرا باید بپیشنهاد مجلس شورا بکنند مثل اینکه در سابق هم شده است وزرا آمده‌اند اینجا تعهدات میکرده اند واجازه هم ازطرف مجلس به آنها داده میشد که جرح وتعدیل درادارات بنمایند آن وقت میرفتند ولی نمیدانم از چه راه بود که مرعوب میشدند یا چه جهت داشت که خودشان را کنار میکشیدند بنده تقصیررا ازهیئت مجلس‌میدانم بجهت اینکه طبیعی است وقتی که انسان دارای مسئولیت نبود ممکن است بنده اگرتقاضائی بکنم ازیك وزیری‌واویه ملاحظاتی نپذیرد بیایم ونتوانم جلوگیری ازنفس‌بکنم ویك حرارتی در من حادث شود ویك استیضاحی بکنم بواسطه همین‌فشاری که قوه مقننه بقوه مجریه وارد میاورد قوه مجریه‌همیشه مرعوب وفلج است و کاری از او پیشرفت نمی کند ومعلوم است تاآن قوه مجریه استقلال تام‌که نداشته باشد نمی‌تواند کار بکند این بود عرایض بنده .

محمد هاشم میرزا — آنوقتی که بنده اجازه خواسته ام غالب عرایض بنده گفته شد وچون دوسه کلمه بود که‌گفته نشد لازم شد عرض کنم که اینکه گفته شد فرقه اعتدال اکثریت داشته و رفته رفته تا دیروز به ۴۸ نفر رسیده است که‌شاهزاده سلیمان میرزا میفرمایند بنده عرض میکنم اینطور نیست فرقه اعتدال که فعلا به۴۸نفربالغ شده است بیشترازهمین عده که‌آقایان دموکرات‌هستند نبود و اگر اینطوری که حالا ثابت هستند ثابت نبودند ابدا اینطور نبود که شد حالا که ۴۸ رأی ثابت محکمی‌داشته‌باشند که غلبه‌برطرف بکنند‌بنده اینرا تصورنمیکنم که یك چنین‌اکثریتی تا دوسه ماه قبل داشته باشیم آیااین موضوعی راکه میفرمایند که غیر دموکرات نباید درطرف چپ بنشینند‌بیارسال اگرخاطرشان باشد همان وقت که‌بدشان میآمداز لفظ انقلاب‌واگر کسی میگفت‌انقلاب آشفته‌میشدند همان وقت آقای وحیدالملك گفتند که سمت دست راست وجمعی از این اظهار بر آشفته بنده هم در همان وقت عرض کردم که‌اگر مراد ازدست راست معین اشخاصی‌که آزادی‌خواه نیستند‌یعنی تعبیر آنها یعنی کنسرواتورها هستند بنده کنسرواتور نیستم وداخل آن‌دست راست نیستم وازطرف دسته دست چپ هستم لکن‌داخل هیچ‌کدام‌ازاین دوحزب‌نیستم که‌باید در تحت نظام یك فرقه مخصوص باشد اما این که آقای‌متین‌السلطنه فرمودند که‌حالا موقع آن نیست که‌اکثریت معین بشود بجهت اینکه درخارج سوء تفاهمی خواهد داشت و آقای ادیب التجار اظهار کردند که‌آن کسانیکه مارا انتخاب کردند ابداً اسمی ازمسلك نشنیده بودند عرض‌میکنم حالا اینطور است پارسال غیر ازامسال بود همان‌موکلین ما تمام اسمها راشنیده‌اند‌بتمام جاها این‌مسلکهای مختلف‌رفته‌است‌همه‌جادموکرات‌اجتماعیون‌اعتدالیون اتفاق ترقی حتی داشناکسیون وبعضی فرق دیگر هستند وهر یك ازموکلین ما الان دارای یکی از این‌مسالك است درهریك ازایالات اجتماعها دارند کلوبها دارند کمیته ها دارند تمام این‌مسلکها‌در ولایت ماهست وبه‌عقیده بنده حالا باید‌تمام‌مسلکها را درست واضح بکنید که بدانند و اینکه آقای معاضدالملك میفرمایند چه فایده داردایتطورنیست به‌عقیده‌بنده‌حالاوقتی‌است که‌موکلین‌من باید‌بدانند‌من جزء چه‌فرقه هستم‌این صحیح‌است‌یکدسته‌هیچ‌فـایده ندارد ولی برای آتیه خیلی فایده دارد موکلین ما می دانند درآتیه چه اشخاصی را انتخاب کنند می دانند که این کی بود که فرستادند که مظهر عقاید آنها باشد آنوقت اگر فرضاً دیگری‌بوظیفه خودش عمل‌نکرد دیگربنده مقصر نیستم ولی‌امروز خیلی کار مشکل‌تری بینده سپرده است بجهت‌این که آن وقت‌که مرا انتخاب کرده اند نداستند چه مسلکی دارم فقط‌بسته است بتکلیف وکالتم‌برای شخص خودم فی الواقع همانطور است که بعضی از آقایان فرمودند وکلائیکه‌از روی مسلك‌انتخاب شده اند مثل این است که بار حکومت چنانچه سابق بدست یك نفر سلطان بود حالا بدست صدو بیست نفر است بجهت اینکه آراء ملت مدخلیت ندارد همان رأی شخصی صدوبیست نفر است‌وباین ترتیب مقصود ما که حکومت ملی است بعمل نمی آید اما حالا که بنده از روی یك مسلك انتخاب شده‌ام مجبور نیستم که در تحت نظام یك فرقه در بیایم بجهت اینکه ممکن است که یك وقتی ببینم

در یك مطلبی که صلاح وصرفه مملکت در این است که آن فرقه می گویند یا مرام نامه یکی‌از آنها مطابق است بآن رأی می‌دهیم و وقتیکه‌دیدم آن عقیده ثابته که بنده دارم مساوی ومطابق رای دیگران باشد آنوقت مطابق رای آنها رای می دهم غرض اینست که گفته شد بیطرف نه اینکه معنیش بی مسلك باشد ممکن است یك نفر بی طرف باشد لکن این قسم بیطرف باشد ممکن است شخصی‌یك عقیده ثابته داشته باشد که‌درپنج ماده عقایدش مطابق عقاید فرقه دموکرات باشد و چهارتایش مطابق عقاید اعتدالیون یا دوتایش مطابق عقاید یك فرقه دیگر بله اگر تمام‌جزئیات و تمام چیزها و تمام تصورات را که فرمودند در یکی از مسالك بود آنوقت شاید بنده هم می توانستم در تحت یك فرقه ویك حزبی باشم ولی ممکن است مرامنامه یك حزبی را کلا بنده موافق نباشم درآن صورت نمی‌توانم مسلك یك حزبی‌را قبول کنم بله اگر یك مرامنامه درجمیع اموریکه مبتلابه‌تمام حوائج دوره تقنینیه است مطابق باعقاید باشد میتوان آن را قبول کند اما درصورتی که آنطور نباشد آنوقت ممکن است خودش چیزهائی را اختیار کند که چندنچه عرض کردم درضمن مسالك مختلفه باشد و اما موادی که این اکثریتی که عبارت است از ائتلاف بعضی مسالك مختلفه نوشته اند ببنده ارائه نداده‌اند یاتقصیر ازخودبنده بوده یاازراه این بوده است‌که بنده قابلیت‌نداشته‌ام که ببنده ارائه بدهند یا اینکه آقای ادیب التجار فرمودند من از آن چهل و هشت نفر هستم بنده عرض میکنم بنده ازآن چهل‌وهشت نفرنیستم چون عرض کردم آن موادرا ندیده‌ام شاید اگرمیدیدم قبول می کردم شاید هم ردمی کردم ولی بنده‌هیچ ندیده‌ام وجزء آنها هم نیستم بنده بی طرف هستم لکن بآن معنی که عرض کردم .

حاج آقا - اگرچه خیلی مجلس طول کشید ولی باصرار بنده ورفقایم چون طول‌مجلس‌لازم‌بود آقای رئیس قبول فرمودند لازم می دانم اول آن چیزی که راجع بدستخط حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه است عرض کنم که آقایان وزراء ازاین جهت آسوده خاطر باشند بعد چیزهائی که حضرت والا سلیمان میرزا فرمودند مقداری درآن یواش یواش صحبت کنیم آنچه راجع بدستخط والاحضرت نایب السلطنه است بطوریکه گفته شد آن ۴۸ نفر همانطوریکه حضوراً در دربار بآقای نایب‌السلطنه عرض شد بتوسط آقای رئیس مقاصد خودشان را نوشته فرستادند و بکسی که متمایل بودند آن ۴۸ نفر اورا خدمتشان معرفی کردند واینکه میفرمائید آقای نایب السلطنه می خواهند عقاید ومسلك احزاب مجلس را بدانند بدیهی‌است آنهاکه احزاب مجلس هستندهمه پروگرام‌خودشان را وشته وچاپ کرده‌اند ومنتشر کرده‌اند وتصور نمی کنم که آقای نایب السلطنه آنها را ندیده باشند وهمین‌طوری که آقای سلیمان میرزامرامنامه خودشان را نشان د دند ودیگران هم دیده اند اما آن چیزهائی که مورد اجتماع وائتلاف بود در چند ماده که ائتلاف کرده‌اند اگر نظروالاحضرت این بوده‌است البته آنهم یك ترتیب مخصوصی‌دارد همانطوری که فرمودند چند نفر را انتخاب‌میکنند وبحضور والاحضرت آقای نایب‌السلطنه میفرستند و آن مقاصد را بایشان عرضه می‌دارند وآن مقاصد ترتیب داده می‌شود وتصور می کنم مطلب‌دیگری دراین‌باب نباشد بجهت‌اینکه پروگرام‌های مسلکی یاراجع باجتماعیون اعتدالیون است که همه دیده‌اند یاراجع بفرقه دموکرات است که همه دیده اند یا راجع باتحاد ترقی است که همه دیده اند واین موادی هم که عرض شد فرستاده می‌شود واین‌هم یك مطلبی نیست در اینجا که عرض شد آقای نایب‌السلطنه بشنوند البته باید یك‌چند نفری‌انتخاب شوند واین مواد را نوشته خدمتشان ببرند آنقدر حرفها هم لازم نداشت واما آنچه راجع بفرمایشات آقای‌سلیمان‌میرزا است وبترتیب‌مجلس‌ملی درحضور حضرت اقدس آقای نایب السلطنه ایشان همان‌طور اظهاراتی که فرمودند وبنده هم عرض کردم‌وچون حضرت والا اظهارات خودشان را فرمودند بنده‌هم مجبورم آن عرایض خودم را تکرار کنم تا اینکه معلوم بشود و تمام مردم بفهمند بنده عرض کردم که دراین مجلس یك مسلکی که مرکب ازمسالك مختلفه که هم افق بیکدیگر و نزدیك بیکدیگر است بوده وهست که درهرکاری ازکارهای اساسی خودنمائی کرده‌اند یعنی‌بواسطه توافق‌مسالك‌سیاسی اینها همیشه موافق بوده‌اند وکارهای اساسی راهم همیشه آن اکثریت پیش برده‌اند وفهمیده اند که روش‌ومذاق این‌اکثریت چه بوده‌است وچه کرده‌اند وهمه هم فهمیده‌اند که آن اکثریت روشش چه‌است وروش‌اقلیت چیست وامروزاگر ازتمام مردم سؤال کنند که روش‌این‌دومسلك‌چه‌بوده‌است‌همه کس‌بخوبی میداندوبیان‌میکنند آنجاهم‌عرض کردم‌اینجاهم‌عرض میکنم که‌شاهزاده سلیمان میرزاوسایر آقایان تصور میفرمایند که‌مسلك اسم مسلك است مسلك یك‌حقیقت ومعنویتی‌دارد یك مصداق‌ویك حقیقتی دارد که‌عبارت است از اجتهادات در روش امورات‌مملکت وهرکس که‌خواست داخل در پلتیك‌مملکت بشودآن‌اجتهادات وآن روش که هرکس برای‌خودش اتخاذ میکندیك شخص عالم سیاسی آن عقیده و ترتیبی که در مغزاو است که‌بآن ترتیب‌عمل بکند آن عقیده اش مسلك‌او است نه‌آنکه اگر اسم روی‌آن‌نگذارند‌آنرانمیتوان مسلك گفت درمطالبه ودر مقام تغییر یك اسمی‌برایش میگذارند نه اینکه اگر اسم برایش‌میگذارندنه‌اینکه اگر اسم برایش نگذارندآنمسلك نیست‌یا اینکه‌اسم محض‌معنی‌است اینطورنیست بنده‌میآیم اینجادرمطالب اساسی مثلا اینکه باید حکماً ار طرق شرعیه اجراء یا علماء درعدلیه باشد یایك‌وزیرمذهبی درآنجاباشد اگر یك‌چنین عقیدهٔ را اظهار کردتمام اهل‌اینمملکت میدانند که‌من دموکرات نیستم ولواینکه بگویم‌من‌از دموکرات هستم برای اینکه یکی از مواد مرامنامه دموکرات‌تفکیك قوه سیاسی است از قوه روحانی دموکرات‌ها یکمرتبه‌تکذیب کردند که اینطورنیست

آقاشیخ‌رضا — اینطورنیست تهمت‌نزنید .

حاج آقا — مثلا من اگر در اینمقام باشم و بگویم ترتیب تسلط مالکین بر املاکشان و بترتیب بیع مالکین بر رعایا ترتیب بانك زراعتی و غیره باید بشودو بگویم من از اجتماعیون اعتدالیون هستم‌آن وقت همه‌میدانند که‌دموکرات‌هستم بجهت اینکه‌یکی از مواد مرامنامه دموکرات این است که‌حتی‌الامکان رعیت مقدم است‌دربیع‌بهروسیله که‌ممکن‌شودپس‌عقیده ومسلك‌را باید از آزائی که پشت‌این تریبون گفته میشود ورأی‌داده‌میشود ترتیب مسلك را باید از آن فهمید یا بنویسیم که آقایان بدانید آقایان اشراف که مسلك‌من‌برضد شما است‌و اینجا برنفع آنها حرف بزنیم‌ورأی بدهیم‌یا اینکه بگوئیم آقایان فقرا مسلك من‌برنفع‌شما است‌و تمام‌برضد آنها حرف بزنیم این ترتیبی است‌که شبهه‌نداردو مسلك‌را ظاهر میکند در خارج باید ما به عناوین تقلیدیه هی دنبال اسم برویم باید عقیده ومسلك را ازروی آراء قرار داد از رأی دادنش بدانند درنطق باید بفهمندواینکه‌قرارداده‌اند تمام‌نطق‌ها باید نوشته شود برای همین است که اگر من یك عقیده داشته باشم ظاهر شود که همه بدانند که مسلك من چه چیز است پس این راه تحقیقی مسلك‌است‌و اگرمن‌نفهمیده ام‌وباین ترتیب هم باشد تشریف بیاورند بفرمایند وبنده رارد کنندواما در باب مسئولیت‌که فرمودندکه بنده درحضور حضرت آقای نایب‌السلطنه عرض کرده ام دراینجا هم‌عرض می کنم چون بایدبی پرده گفت چون دیگر طاقت این مردم تمام شده‌و باید دردرا علاج‌کرد دیگر نباید مطالب‌را درپرده گذاشت دیگر نمی شود که همین طوری ملاحظه کنیم و هی میگوئیم مجلس رسمی‌است وتمام مطالب را نمی‌شود گفت که‌مردم‌در خارج بگویندد‌وتا هستیم سه‌تا هستیم مردم‌فهمیده اند وگفته شد حالا هم‌باید خودمان بگوئیم دیگر نمی توانیم خودمان را تغییر بدهیم و تمام بدبختی این مملکت ازدوره تجدد تاکنون ازاین‌بوده‌است به قانون مشروطیت عمل نشده است آن قانون مشروطیتی که همه افراد ملت‌آزادند و آنهائی که یك مقداری بصیرت دارند تماماً همه ناله‌میکنند و فریاد می کنندهمه خطابه می‌نویسند ومقاله‌مینویسند همه ناله می کنند ومی گویند باید دریك‌مملکتی که مشروطه شد اکثریت حکومت داشته باشدوحکومت اکثریت ملت بسته باکثریت پارلمان است در هر جائیکه اکثریت پارلمان بجریان افتاد بمشروطیت عمل شده است‌والاهر چه بگوئیم ازلفظ مشروطیت است وعمل نبوده‌است وتمام بدبختی هااز این‌بوده است که حقیقت مشروطیت در مملکت نبوده است همین طوریکه شاهزاد سلیمان میرزا فریاد زدندکه بفهمند بنده هم‌فریاد میزنم که تاامروز آنطوریکه باید مشروطیت دراین مملکت باشد نبوده وحقیقت مشروطیت تا امروز هنوز جاری نشده است یعنی حکومت باکثریت‌مملکت‌جزءپارلمان نبوده‌باکثریت دولت نبوده بواسطه اینکه دو کابینه دراین دوره تشکیل شدیکی کابینه آقای مستوفی الممالك بود یکی کابینه قای سپهدار اعظم بود کابینه سپهدار دروقتی تشکیل‌شد که مملکت درحالت (رولسیون) بودوقتی که‌نه‌مجلس بودنه‌وکلای‌ملی بودنه‌چیز دیگر یك هیئتی ازسردارهائی که تازه‌وارد شده بودند وقوای ظالمه را مضمحل کرده بودند ورشته حکومت ملی‌را بدست گرفته بودند آنوقت طبیعی بودکه کار را باید آنها از پیش ببرند بطوریکه میلشان بود

بدیهی است که آن وقت ملاحظه این بود که کسانی که باایشان هم‌قدم بودند وهم خیال بودند آنهارا بکار منصوب میکردند آنوقت دیگر صحبت مسلک صحبت اکثریت درکار نبود همین‌قدر که فلان شخص برای فلان کار خوب است کافی بود برای سپردن یك کاری باو وبهمین ترتیب کابینه تشکیل شد ومشغول کار شد ومجلس عالی تبدیل بهیئت مدیره شد بعد مجلس تشکیل شد درموقعی این وزراء مشغول کار شدند که هنوز پارلمانی نبود اکثریتی درکار نبود که داخل در اینکار شده بودند ونمی‌دانستند که کدام فرقه اکثریت دارد باعملیات وزراء موافق با مقصود آنها است یا نیست واین مطلب راهم میخواهم عرض کنم و نگفته نگذارم که این آقایانی که انتخاب شده‌اند ازبلاد دور کاری بترتیب انتخاب آنها نداریم بطوری که گفتند اینها ازروی یك مسالك مستقیمه انتخاب نشده اند که مثلا چهل نفر وکیل ازروی فلان مسلك انتخاب شده باشدو اینجا وارد شود برود روی صندلی خود بنشیند سه‌چهار ماه کار میکند یکعده وکیل هم ازیك مسلك دیگر انتخاب شده باشند آنهاهم مدتی روی صندلی خودشان بنشینند وکار بکنند بعداز مدتی افق خیالات سیاسی آنهاقریب بهم که شد آنوقت تشکیل یکدسته بدهند والا اول وحله من نمیدانم دموکراتم نمیدانم اعتدال هستم چه‌هستم ووقتی‌هم که وارد طهران شدم آنوقت عنوان انقلاب واعتدال بود وهر کس بمن میگفت تو چه‌مسلکی داری من‌جواب نمیدادم و منتظر بودم که‌هرچه وجدانم حکم کند آن‌مسلك من‌است و از طرف دیگر چیزهای‌دیگر میگفتند وجوابی نمیدادم وبدیهی است که خیلی ازاینکه وکلااینجا واردشوند یك‌جائی نداشتند که درآنجا مجتمع شوندومذاکرات بکنند وهرکدام مسلك خودشان را بدانند وبروند وبروی صندلیشان بنشینند معلوم است که ازروی این طریقه نبود پس‌محل اجتماع اینها مجلس بود که در اینجا جمع‌شدند آنوقت مذاقشان کم کم معلوم شد و دسته‌های مختلف تشکیل‌شد آنوقت یواش یواش‌بنای پاره اقدامات شدو کابینه سپهدار بنای بحران گذاشت ومخالفت آنها باوزراء کم کم سبب‌شد از برای اینکه کابینه سپهدار بنای بحرانهای پیاپی را گذاشت و گمان نمیکنم یکنفر از اهل این مملکت باشد که بتواند بگوید آن کابینه سپهدار اکثریت داشت اما اینکه شاهزاده سلیمان میرزا گفتند کابینه سپهدار راکی عقب گردو کی حمله باو کرد بنده عرض میکنم که‌ظاهراً روزنامه های آن روزها تماماً تاریخ یومیه ماست و اگر آنهارا جلوی خودمان بگذاریم معلوم میشود که حمله از کدام طرف بود واین شبهه نداشت که در کابینه آقای مستوفی الممالك اینمملکت حال آنارشیستی پیدا کرده بوددرخیابانها علناً درروزروشن آدم میکشتند چنانچه مرحوم میرزا علی محمد خان‌را کشتند مرحوم میرزا عبدالرزاق خان‌را کشتندمرحوم آقاسید عبدالله را بآن وضع شهید کردند وهمین ترتیبات را فراهم آوردند و آنکابینه که تشکیل شد هریك وزارت خانه او بیك‌ملاحظه بود که‌انتخاب‌شدند یکی بملاحظه انتساب به‌اقلیت بود یکی بملاحظه انتساب بفلان تنقید یکی بملاحظه انتساب به‌اکثریت یکی برای اینکه بنده خوشم بیاید یکی برای اینکه شاهزاده سلیمان میرزا خوشش بیاید وقتی که یك چنین کابینه تشکیل شد بدیهی است و طبیعی است که‌دریك‌همچو مملکتی که‌حکومت ملی است که هروزیرش بیك ملاحظه بوده یك چنین کابینه برای مملکت چه میکند همان چیزی‌رامیکند که شده است پس‌آن کابینه دوم هم کابینه اکثریت نبود پس از آنروز تاحالاهم اقداماتی که‌شدبواسطه این بود که‌کابینه اکثریت نبود که ترتیب‌مشروطیت در مملکت می بایست تشکیل شود و اینکه من بگویم من هستم و۴۸رأی واین کلمه‌راهم در منزل آقای‌نایب‌السلطنه گفتم من تصور نمی کنم که‌آنقدر بی‌مدرك باشم که بگویم ۴۸رأی‌هستیم ما ومسئول ملت هستیم همچنین کلمه را بنده نمی گویم مسئول مملکت وزرا هستند و هیئت‌مجلس وقتی که‌من گفتم من هستم و ۴۸رأی و شاهزاده سلیمان میرزا گفتند من هستم و۲۱رأی نه‌اینکه مسئولیت بعهدهٔ‌من‌است بعهدهٔ ایشان‌نیست همانطوریکه من بایدخدمت‌بکنم شاهزاده سلیمان‌میرزاهم‌بایدخدمت‌بکنند همانطوری که گفتند باید یا تنقید بکنند یا (کرتیك) بکنند (بخیالم‌ارباب‌اینجا است) و همانطوری که‌اکثریت بایدکابینه را حفظ بکند اقلیت‌هم نباید درپی این باشد که هرروزه حمله بکند بکابینه و جلوگیری‌از اقدامات‌کابینه بکند بواسطه اینکه اگر بناشد هی سنك جلو راه‌کابینه انداخت لابدکابینه ازکارخواهد افتاد بواسطه اینکه‌کابینه روئین‌تن نیست که‌هرقدر سخت باشد از کار خواهد افتاد باید اقلیت تبعیت اکثریت‌را بکندواگر اکثریت لغزش داردا کثریت را متنبه بکند اگر واقعاً چیزی از طریقه اقلیت و اکثریت گذاشت و از مجلس خارج شد آن وقت اقلیت بنای حکومت را گذاشت در خارج جلوی قانونرا نگیرداگر یك‌چنین ترتیبی‌شد آنوقت گمان میکنم این یك‌مسئولیت‌بزرگی‌است‌واقلیت‌هم‌مسئول است باید اقلیت هم وظیفه خودشانرا بداندوقتی که یك قانونی گذشت ولو برضد عقیده اقلیت بودنباید جلوگیری ازپیشرفت واجرای آن بکند فقط جلو لغزش اکثریت رابایدبگیرند اینها همه وظیفه‌اقلیت است واقلیت واکثریت هر دو مسئول‌میباشند وباید خودشانرامسئول این‌ملت بدانند ونفع وضررمملکت راجع بهردو است واما راجع ببروز و ظهور که فرمودند من خیلی دلم می خواهد که خودشان را معرفی کنند مثلا حاج آقا یا دیگری بیاید بگوید من‌هستم وفلان هست وفلان هست من تصورنمیکنم درهیچ‌پارلمانی درهیچ‌مملکتی یك فرقه‌همچو تسلطی نسبت بفرقه دیگرداشته باشد که بگوید شما بیائید عدهٔ خودتان را بشمارید‌من می‌خواهم امشب‌بشمارم وبدانم گیها هستید خصوصاً یك چنین هیئتی که خودشان می‌فرمایند ماافلیتیم یك چنین حکومتی‌به اکثریت می کند که من می‌خواهم شمارا بشناسم که شما کیهاهستیدخیربنده عده‌خودم را بشمانمیشناسانم وهرگزهم نمی‌خواهم بدانم که شما چند نفر هستید برای اینکه من همیشه عقیده را از روی رأی واز روی حرف زدن می‌دانم دیگر لازم‌نیست که بگویم شما جزء کدام فرقه هستید خصوص کسیکه همیشه‌در پارلمان است لازم است که خودش را معرفی بکند که من اجتماعیون اعتدالیون هستم یااینکه ازفرقه دموکرات هستم بواسطه اینکه اگر من گفتم از فرقه اعتدالم و بعد رای مطابق دموکراتها بدهم بایددموکرات مرا ازخودش بداند وهمین‌طور کسی که خودش را از فرقه دموکرات بداند وقتی که رای بدهد مطابق آراء اجتماعیون اعتدالیون من بایدا و را از اعتدالیون بدانم واو صد مرتبه‌بگویدمن‌ازفرقه دموکرات هستم وهمچنین‌یك حکومت‌دیگر هم کردند که‌احزاب‌هم بیایندخودشان را معرفی بکنند بگویند ما چند حزب هستیم‌وچند نفر هستیم در هر یك از احزاب اینهم خیلی‌فریب است‌که خودشان رابیایند از روی عدد و عقیده‌بشما بشناسانند بجهت اینکه چنانچه عرض کردم مسلك از روی عقیده معلوم می‌شود و در هیچ جای عالم ظاهرا این معنی نباشدکه یك فرقه بیك فرقه‌دیگر بگویند که می‌خواهم شمارا بشناسم‌که شما ها کی‌ها هستیدحکماً شما خودتان را بشمارید که من هستم فلان است فلان است این معنی حکومت اقلیت بر اکثریت است .

رئیس شرحی مفصل از لزوم تشخیص احزاب(خاصه‌حزب اکثر و تعیین رؤساء و ناطقین‌شان و کاندیدائی‌که حزب اکثربرای وزارت‌درنظر دارد بیان فرموده و لزوم تکیه کردن وزارت باکثریت مجلس و دفاع اکثر از وزراء و این که بدون ترتیب کار پیش نمی‌رود و تاکنون هم علت پیش نرفتن‌کارهای ایران همین مسئله‌بود فرمودند و بالاخره گفتند فردا و پس فردا افکار خود را صاف کرده و تکلیف بنده را در ۳شنبه معین کنید که بتوانم حضور آقای نایب السلطنه عرضه بدارم و مادامی‌که وزرای جدیدمعرفی‌نشده‌اندهمانطور که والاحضرت در دستخط خود اشاره فرموده اند این وزراء باید مشغول‌کار باشند دستور جلسه آتیه‌شور درقانون محاسبات‌عمومی‌راپورت کمیسیون‌نظام‌راجع باخذ سوار از ایلات قانون قبول و نکول بروات قانون ثبت اسناد ۲ ساعت و نیم از شب گذشته رئیس حرکت کرد ومجلس‌ختم شد.)

جلسه۲۱۳

صورت مشروح مذاکرات روز سه‌شنبه ۲۱شهر صفرالمظفر۱۳۲۹

مجلس دو ساعت وربع ازغروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد .

صورت مجلس روزشنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبل) - آقاشیخ ابراهیم زنجانی بااجازه غائب .

آقا شیخعلی فارسی-آقاسید محمد باقر ادیب - آقا میرزا ابراهیم قمی بموقع حاضرنشده‌آقای لسان الحکماء مریض بودند.

نایب رئیس - درصورتمجلس اگرملاحظاتی هست بفرمائید.

آقامیرزا احمد - عرض بنده راجع‌بصورت مجلس نیست‌میخواستم تقاضابکنم تلگراف‌آذربایجان خوانده شود .

نایب رئیس — این فرمایش جناب عالی راجع بصورت مجلس نبود و بعلاوه آن تلگرافات بکمیسیون عرایض فرستاده شد درصورت مجلس‌اگر